زندگینامهٔ مشهورترین
نویسندگان و شاعران



به نام خدا

مشهورترین نویسندگان و شاعران

زهرا رضایی



رضایی، زهرا، ۱۳۵۰ -
مشهورترین نویسندگان و شاعران/ زهرا رضایی. — [تهران] : کتاب درنا، ۱۳۷۷.
۱۱۲ ص.
ISBN 964-6105-14-9:
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا (فهرستنویسی پیش از انتشار).
عنوان روی جلد: زندگینامه مشهورترین شاعران و نویسندگان.
۱. شاعران -- سرگذشتنامه. ۲. نویسندگان -- سرگذشتنامه. الف. عنوان. ب. عنوان: زندگینامه مشهورترین شاعران و نویسندگان.
۸۰۹/۱ PN۱۱۱۹/ر۶ف۲
کتابخانه‌ملی‌ایران ۱۶۱۸۶-۷۷م



مشهورترین نویسندگان و شاعران

- زهرا رضایی
- چاپ گلشن
- چاپ نوزدهم ۱۳۸۷
- حروفچینی طاهری
- تیراژ ۱۰۰۰۰

قیمت : ۱۳۰۰ تومان شابک : ۰-۱۴-۶۱۰۵-۹۶۴-۹۷۸

تهران: خ انقلاب، خ شهید روانمهر، شماره ۲۶۳

تلفن: ۶۶۴۹۱۲۲۵

فهرست مندرجات

آل‌احمد، جلال

جلال آل‌احمد در سال ۱۳۰۲ هـ‌ش در یک خانواده مذهبی و خوشنام متولد شد. وی زندگی‌ای سرشار از تکاپو و پرماجرا داشت.

هنگامی که بیست سال داشت چندماهی در نجف درس طلبگی آموخت، اما چندی بعد به ایران بازگشت و به احزاب سیاسی پیوست، ولی در این محیط نیز نتوانست مطلوب و ایده ال خود را بیابد. از سال ۱۳۲۶ به شغل معلمی پرداخت و نویسندگی را بطور جدی دنبال کرد. نخستین داستان وی در سال ۱۳۲۴ با عنوان زیارت در مجلهٔ سخن منتشر شد.

داستان از رنجی که می‌بریم در سال ۱۳۲۶ به طبع رسید. این داستان بیشتر تحت تأثیر شعارهای حزبی درباره فشاری که حکومت بر کارگران و افراد سیاسی می‌آورد، توسط وی به رشته تحریر کشیده شد.

وی با لحنی انتقادی، نادانی، تعصب و ناداری عوام را بخوبی در دو مجموعه داستان سه‌تار و زن زیادی به تصویر کشیده است.

در سال ۱۳۳۲ برای مدتی دستگیر و زندانی شد. کتاب سرگذشت کندوها

را درباره مسایل سیاسی مربوط به ملی شدن صنعت نفت ایران نوشت.

در سال ۱۳۳۷ مشهورترین داستان خود به نام مدیر مدرسه را منتشر ساخت. این داستان سرگذشت مدیری بی‌پناه است که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فضای اداری فاسد، سرانجام او را به ناامیدی می‌کشاند. از دیگر آثار آل‌احمد می‌توان به نون‌والقلم، نفرین زمین و مجموعه پنج‌داستان اشارد کرد.

مقالات انتقادی او شامل: هفت مقاله، سه مقالهٔ دیگر، کارنامه سه‌ساله، ارزیابی شتابزده، در خدمت و خیانت روشنفکران و غرب‌زدگی هستند.

جلال آل احمد در شهریورماه ۱۳۴۸ در سن ۴۶سالگی درگذشت.

آندرسن، هانس کریستین
Andersen, Hans Christian

هانس کریستیان آندرسن در ۲ آوریل سال ۱۸۰۵م. در دانمارک به دنیا آمد. داستانهای آندرسن تماماً داستانهایی تخیلی، کودکانه و سرشار از پندهای اخلاقی هستند. در فاصله سالهای ۱۸۷۲ـ۱۸۳۵ هانس درحدود ۱۶۸ داستان کودکان، شعر، رمان و حتی نمایشنامه و خاطره نوشت.

آندرسن در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمد. مادرش بسیار خرافاتی بود. چهارده‌سال بیشتر نداشت که خانه پدری را ترک کرد و به کپنهاک رفت و مدتی بازیگر تئاتر سلطنتی شد.

او با کمک جوناس کالین، مدیر تئاتر به مدرسه رفت، ولی در آنجا مورد ضرب و شتم قرار گرفت. آندرسن در آن سالها از رفتار خشونت‌آمیز مدیر

مدرسه آزار فراوان دید. وی دوباره با کوشش کالین درفاصله سالهای ۱۸۲۸-۱۸۲۷ به دانشگاه کپنهاک رفت. آندرسن تحت تأثیر داستانهای سروالتر اسکات و نویسندگانی چون هوفمان که داستانهای تخیلی کودکانه می‌نوشتند شروع به گفتن شعر و نوشتن داستان کرد. در ۱۸۳۰ به سواحل مدیترانه سفر کرد و حتی مدت کوتاهی نیز در ایتالیا اقامت داشت. او مشاهداتش از این سفرها را در کتاب بازار شاعر (۱۸۴۲) و در سایر سفرنامه‌هایش نوشته است.

از آثار ارزشمند او می‌توان به دخترک کبریت‌فروش، کلاوس کوچک و کلاوس بزرگ، لباس جدید امپراتور، جوجه اردک زشت، ملکه برفها، کفشهای قرمز، باغ بهشت و ملکه گلها اشاره کرد.

آثار آندرسن به بیش از صد زبان دنیا ترجمه شده‌اند. اکثر داستانهای او بر داستانهای کودکان و همچنین فرهنگ عامه بیشتر کشورها تأثیر گذاشته است. او زندگی دشوار و سراسر درد خود را دستمایه بسیاری ا داستانهایش قرار داد.

آندرسن در ۴ اوت ۱۸۷۵ زندگی را وداع گفت.

اخوان‌ثالث، مهدی

شاعر ایرانی، متولد ۱۳۰۸هـش مشهد، تحصیلات ابتدایی و متوسط در شهر مشهد گذراند، کار خود را با شعر به سبک خراسانی آغاز کرد. عنوان یکی از وفادارترین یاران نیما با نشر مجموعه زمستان (۱۳۳۵)، نش داد که به شکل تازه‌ای از شعر حماسی و اجتماعی دست یافته است. مجموعه آخرشاهنامه اوج شعر و شاعری خود را در واپسین سالهای حج

نیما نشان داد. صلابت و سنگینی شعر خراسانی، گرایش به زبان ادبی گذشته و در مجموع تخیّل سرشار او که از اشاره‌ها و سنتهای حماسی و اساطیر کهن مملو است و علاقه ویژه‌اش به زبان حماسی و فکر فردوسی، از مهدی اخوان ثالث شاعری ممتاز می‌سازد. او از نخستین کسانی است که به تجزیه و تحلیل شعر نو نیمایی بویژه از نظر وزن و قالب پرداخت و بعدها بدعتها و بدایع نیمایوشیج (۱۳۵۷) و عطا و لقای نیمایوشیج (۱۳۶۱) را چاپ کرد.

آثار دیگرش عبارتند از: دوزخ امّا سرد، زمستان (۱۳۳۵)، از این اوستا، پاییز در زندان، منظومه شکار، آخر شاهنامه (۱۳۳۸)، زنگی می‌گوید، ترا ای کهن بوم و بر...

استاندال Stendhal

نویسنده فرانسوی. نام واقعی ماری ـ هن ـ ری‌بیله، در ۲۳ ژانویه ۱۷۸۳م. در شهر گرنوبل به دنیا آمد. یکی از بزرگترین رمان‌نویسان قرن نوزدهم که آثارش به خاطر جنبه‌های روان‌شناسانه و سیاسی شهرت پیدا کرده‌اند. در هفت سالگی مادرش را از دست داد. از پدرش بشدّت نفرت داشت. کودکی دشوار و محنت‌آلودی را گذراند. او از اعدام لویی شانزدهم لذت فراوان برد و تندروی‌های جمهوریخواهان را به نظر تحسین نگریست. استاندال در مدرسه اکول سانترال شهر گرنوبل تحصیل کرد و درآنجا با آثار شکسپیر آشنا شد. در سال ۱۷۹۹ به پاریس رفت تا وارد مدرسه پلی‌تکنیک آنجا شود، ولی در امتحان ورودی مردود و پس از آن بیمار شد. پس از معالجه به نوشتن نمایشنامه پرداخت، ولی موفقیتی به دست نیاورد. پس از تبعید ناپلئون به

جزیره الب، او هم به ایتالیا رفت و هفت‌سال در آنجا ماند.

همزمان با خلع شارل دهم از سلطنت و شروع پادشاهی لویی فیلیپ، استاندال را کنسول تریت کردند، اما دراثر مخالفت مترنیخ به سیویتاوکیا فرستاده شد. این مکان برای استاندال حکم تبعیدگاه را داشت. او در آخر عمر فلج شد و در ۲۳ مارچ ۱۸۴۲ در پاریس درگذشت.

آثار مهم استاندال عبارتند از: سرخ و سیاه، راهبه کاسترو، زندگی آیدن و موزار و ماستار، زندگی روسینی، عشق رامین و شکسپیر، آرنانس، گردشهای رم، یادداشتهای یک سیّاح، سفر در جنوب، صومعه پارم، لوسین لورن، وقایع ایتالیا، رمانها و نوولها، نامه‌ها، درباره هنر و ادب، زندگی ناپلئون، یادداشتها، زندگی هانری برولدر، خاطره‌های خودخواهی.

استین، جین *Jane Austen*

جین استین در ۱۶ دسامبر ۱۷۷۵م. متولد شد. جین در خانه تعلیم و آموزش دید و از همان نوجوانی برای سرگرمی اعضای خانواده‌اش شروع به گفتن داستانهای ساده و کوتاه کرد. وی هفتمین فرزند کشیش دهکده استیونتون بود و چون خانواده‌اش اهل معاشرت بودند، می‌توانست فرصتهای ارزشمندی درمورد عادات و آداب طبقه متوسط و اشراف به دست آورد.

بیست و یک سال بیشتر نداشت که داستانی با عنوان نخستین تأثیرات چاپ کرد. این داستان طرح اولیه اثر مشهور وی غرور و تعصب بود.

در سال ۱۸۰۱ پدر جین استعفا داد و جین همراه خانواده‌اش به ناحیه بث نقل مکان کرد. در سال ۱۸۰۳ طرح داستان دیرنورثانجر را به ناشری در

لندن واگذار کرد. در ۱۸۰۵، پس از فوت پدر، همراه خانواده‌اش ابتدا به ساوثمپتون و سپس به جاوتون همپشایر نقل مکان کرد. جین هنوز با دنیای خارج به وسیله برادرانش در ارتباط بود. در سال ۱۸۱۱ رمان حس و حساسیت را با هزینه شخصی منتشر کرد. از دیگر آثار او می‌توان به: غرور و تعصب (۱۸۱۳)، پارک مانسفیلد (۱۸۱۴) اشاره کرد. کتابهای وی در گمنامی منتشر شدند، ولی از همان ابتدا، خوانندگان بسیاری علاقمند به خواندن آثار او بودند که از آن جمله می‌توان از سر والتر اسکات و پرنس ریجنت نام برد. در سال ۱۸۱۶ قوای جسمیش رو به تحلیل رفت، با این حال، ترغیب را به رشته تحریر درآورد و «دیرنورثانجر» را بازنویسی کرد.

با مرگ جین استین در ۱۸ جولای ۱۸۱۷ آخرین اثر او به نام ساندیتون ناتمام ماند و بعدها نویسنده دیگری این کتاب را تمام کرد. جسد جین در کلیسای جامع وینچستر به خاک سپرده شد. برادر وی هنری، با انتشار آثار وی توانست او را به عنوان یک نویسنده برجسته به جهانیان بشناساند.

اشتاین‌بک، جان *Steinbek, John*

جان اشتاین بک در سال ۱۹۰۲م. در سالیناس کالیفرنیا در یک خانواده آلمانی ـ ایرلندی متولد شد. پدرش خزانه‌دار بخشداری و مادرش معلم بودند. او از کودکی در مزارع کار می‌کرد. در سال ۱۹۱۹ برای ادامه تحصیل به دانشگاه استانفورد رفت، با این حال هنوز در مزرعه کار می‌کرد. دانشگاه را تمام نکرد و به نیویورک رفت . در ۱۹۲۹ کتاب جام زرین را چاپ کرد. سپس چمن‌زارهای بهشت (۱۹۳۲) و به خدایی ناشناخته (۱۹۳۳) را منتشر ساخت. چاپ این کتابها موفقیتی برای او نداشت. در ۱۹۳۵ تورتیلا فلات را منتشر

کرد و با انتشار این کتاب توانست اولین موفقیت ادبی خود را به دست آورد. دلیل عمده این موفقیت گرایش او از رمانتیسم به رئالیسم بود. داستان بعدی او نبردی مشکوک (۱۹۳۶) بود که با مخالفت منتقدان روبه رو شد. برخی آن را اثری برجسته دانستند و گروهی دیگر بر آن تاختند.

انتشار موش‌ها و آدم‌ها (۱۹۳۷) شروع تازه‌ای در زندگی او بود. این کتاب با استقبال غیرقابل باوری از طرف مردم روبه رو شد. اسب سرخ را در سال ۱۹۳۷ و مجموعه داستان دره دراز و خون نیرومندی دارد را در سال ۱۹۳۸ منتشر، اما شاهکار عظیم خود یعنی خوشه‌های خشم را در سال ۱۹۳۹ چاپ کرد.

از دیگر آثار او می‌توان به دهکده از یادرفته (۱۹۴۱)، دریای کورتز (۱۹۴۱)، که درباره مباحث زیست‌شناسی و کتابی غیرداستانی بود، اشاره کرد. بمب‌ها را بیفکنید (۱۹۴۲)، ماه پنهان است (۱۹۴۲)، دویت مک‌گیل کدی با رابرت لویی استیونس دیدار کرد (۱۹۴۳)، راسته کنسروسازان (۱۹۴۴)، اتوبوس سرگردان (۱۹۴۷)، مروارید (۱۹۴۷)، شرق بهشت (۱۹۵۲)، پنج‌شنبه خوش (۱۹۵۴)، فرمانروایی زودگذر پین (۱۹۵۷)، زمستان ناخشنودی ما (۱۹۶۱)، مسافرت‌های جان به همراه چارلی (۱۹۶۲)، که این آخری شرح سفر سه‌ماهه او با سگ محبوبش چارلی است. در ۱۹۴۳، اشتاین بک خبرنگار جنگی روزنامه هرالد تریبون شد و به اروپا رفت. اعطای جایزه نوبل به اشتاین بک در ۱۹۶۲ با نظرات مختلفی روبه رو شد. برخی او را شایسته دریافت این جایزه می‌دانستند و عده‌ای عقیده داشتند اشتاین بک بعد از رمان خوشه‌های خشم اثر قابل توجهی ننوشته است که شایسته دریافت این جایزه باشد.

اشتاین بک در سال ۱۹۶۸ درگذشت.

اعتصامی، پروین

پروین اعتصامی فرزند یوسف اعتصام‌الملک آشتیانی در سال ۱۲۸۵ هـش در تبریز به دنیا آمد. چون پدرش مردی فاضل و دانشمند بود از همان کودکی فارسی و عربی را نزد پدر و آموزگاران خصوصی فراگرفت. وی از هشت سالگی زبان به شاعری گشود و هنگامی که در عنفوان جوانی درگذشت، در شمار معروفترین شاعران زمان بود.

پروین به پیشنهاد پدرش برای فراگیری زبان انگلیسی وارد کالج امریکایی تهران شد و پس از آن در سفرهای داخل و خارج همراه پدر بود. نخستین شعرهایش را در مجلهٔ بهار که پدرش منتشر می‌کرد، چاپ کرد و اهل ادب او را تشویق بسیار کردند.

حشر و نشر پدر با ادبا و نویسندگان مشهور از عوامل دیگر تقویت ذوق و قریحهٔ شاعری او به شمار می‌رود.

یکی از مشوقین راستین او ملک‌الشعرای بهار بود که بعدها بر دیوان او مقدمه نوشت. پدر او قطعات دلکش و زیبا را از کتب خارجی به فارسی ترجمه و دختر خردسالش را تشویق می‌کرد تا آنها را به نظم درآورد. همین امر سبب علاقه مفرط پروین به شعر و شاعری و سبب ورود او به عرصه شعر و شاعری شد. پروین در زندگی زناشویی خود ناکام بود چون بیش از دوماه نتوانست با همسر خود زندگی کند و به دلیل عدم توافق اخلاقی از او جدا شد و به تهران بازگشت.

وی در اشعار خود قطعات دردناکی در عطوفت به کودکان و درماندگان سروده است که شاید طعم تلخ ناکامی در ازدواج در آن بی‌تأثیر نبوده باشد.

اندیشه‌های او نو و متضمن نکات اجتماعی و اخلاقی و انتقادی هستند، و تمثیلات نغز و اندرزهای حکیمانه و تفکرات او مایهٔ شگفتی است.

پروین در غالب آثار خویش مانند مادری مهربان با فرزندان دلبند خویش سخن می‌گوید، واقع‌بین است و بدین سبب تلخیهای حیات را خوب درک می‌کند و آن را به خواننده عرضه می‌دارد.

در قصاید خود پیرو سبک شاعران قرن پنجم و ششم بخصوص ناصرخسرو است و قطعات، مثنویها و غزلیات او غالباً ساده هستند و به شیوه عراقی سروده شده‌اند. بیشتر قطعات او به صورت «مناظره» هستند. دوطرف مناظره در شعر وی گاهی دو انسان هستند مانند: دزد و قاضی، مست و هشیار؛ یا دو جانور همچون: گربه و شیر، مور و مار؛ یا دو شیء مثل: سیر و پیاز، کرباس و الماس، گل و شبنم.

پروین در روزگاری می‌زیست که اختناق سیاسی و مشکلات اجتماعی زیادی مشهود بود، ولی او برخلاف شعرای دیگر با تکیه بر لطافت روح و مناعت اندیشه به جای منعکس‌ساختن اوضاع اجتماعی و سیاسی نامطلوب، با طرح کلیات اخلاقی و بیان فقر و محرومیت و نیازهای شدید عاطفی بویژه در نسل جوان، به نوعی برداشت اجتماعی ـ اخلاقی بسنده کرده است.

اقبال آشتیانی

عباس اقبال آشتیانی فرزند محمدعلی در سال ۱۲۷۷ هـش در آشتیان به دنیا آمد. در سال ۱۳۲۸ برای ادامه تحصیل به تهران آمد و ابتدا به مدرسه شرکت گلستان و سپس به مدرسهٔ دارالفنون وارد شد. پس از فراغت از تحصیل در کتابخانه عمومی معارف به کار مشغول شد و همزمان در مدرسهٔ

دارالفنون، زبان فارسی تدریس می‌کرد.

در سال ۱۳۰۴ شمسی به پاریس رفت و موفق به اخذ لیسانس ادبیات از دانشگاه سوربن شد. پس از بازگشت به وطن، به سمت استادی دانشکده ادبیات انتخاب شد. وی از اعضاء دائمی فرهنگستان ایران بود.

در سال ۱۳۲۳ مجلهٔ یادگار را منتشر کرد. در اواخر عمر رایزن فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا بود.

اقبال از استادان مسلّم ادبیات و تاریخ ایران بود. او در سال ۱۳۳۴ در سن ۵۷سالگی در فقر و تنگدستی بدرود حیات گفت.

برخی از تألیفات او عبارتند از:

۱ـ تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخ علم جغرافیا
۲ـ تاریخ ایران، از صدر اسلام تا استیلای مغول
۳ـ خدمات ایرانیان به تمدن عالم
۴ـ ترجمهٔ سه سال در دربار ایران.

اگزوپری، آنتوان دوسنت
Exupery, Antoie De Saint

نویسنده فرانسوی، سومین فرزند کنت ژان دوسن اگزوپری، بازرس بیمه‌های اجتماعی شهر پاریس، در ۲۹ ژوئن سال ۱۹۰۰م. در شهر لیون به دنیا آمد. چهارساله بود که پدرش مرد و خانواده را بی‌سرپرست گذاشت و از آن به بعد نگهداری و تربیت او و خواهرانش برعهده مادر قرار گرفت. در سال ۱۹۰۹ به مدرسه شبانه‌روزی ژزوئیت‌ها به نام نتردام دوسنت‌کروا رفت، ولی پنج‌سال بعد آنجا را ترک کرد. در سال ۱۹۱۲ کتاب ژول سزار را از لاتین

ترجمه کرد تا بفهمد رومیها ابزار جنگی خود را چگونه می‌ساختند. در سال ۱۹۲۶ با داستان خلبان در محافل ادبی پاریس، شهرت زیادی به دست آورد. در بهار آن سال در یکی از کمپانیهای هواپیمایی استخدام شد و به تولوز رفت. در سال ۱۹۲۷ درحالی که خلبان هواپیماهای پست بود، کتاب پیک جنوب و در سال ۱۹۳۰ رمان پرواز شبانه را نوشت. این کتاب جایزه فمینا را برد. در سال ۱۹۴۴ در جنگ علیه هیتلر شرکت کرد و در روز ۳۱ ژوئیه هواپیماهای آلمانی به هواپیمای او حمله کردند.

آثار مهم او عبارتند از: شازده کوچولو، قلعه زندانی شن، مانون.

انوری، اوحدالدین علی

اوحدالدّین علی ملقب به انوری در قریه بدنه از ولایت ابیورد و دشت خاوران خراسان متولد شد. در جوانی در طوس به تحصیل علوم و ادبیات پرداخت. در نجوم پیشرفت شایان توجهی کرد و مشهور شد، لیکن به‌دلیل فقر مالی نتوانست به شهرتی که شایسته او بود، برسد.

وی در مدح سلطان سنجر قصیده‌ای ساخت که منجر به راهیابی او به دربار سلطان شد و از آن پس به اوج شهرت و جلال رسید.

در سال ۵۴۸ هجری که سلطان سنجر مغلوب ترکان شد، انوری با مشقت و رنج فراوان از مهلکه جان سالم به در برد. مدتی در بلخ و سپس در مرو اقامت داشت، ولی همواره با آزار و اذیت و تحقیر مردم روبه رو بود. پس از مدتی به نیشابور و بلخ رفت و در آنجا هم هدف استهزاء مردم واقع شد. بناچار گوشه عزلت برگزید و از معاشرت با مردم دست کشید.

انوری از بزرگترین قصیده‌سرایان ایران است.

دیوان او شامل سیزده‌هزاربیت از قصیده، رباعی، غزل و قطعه است.
وی بین سالهای ۵۸۵ و ۵۸۷ در شهر بلخ درگذشت.

اورول، جورج *Orwell, George*

اریک آرتور بلیر معروف به جورج اورول در سال ۱۹۰۳م. در هندوستان متولد شد. وی تحصیلاتش را در شهر اتون گذراند و در فاصله بین سالهای ۱۹۲۲ـ۱۹۲۸ در اداره سلطنتی انگلستان در برمه خدمت کرد. سپس به فرانسه رفت و از آنجا با سمت معلمی به انگلستان رفت و بعدها در یک مغازه کتاب‌فروشی مشغول به کار شد. در سال ۱۹۳۷ به اسپانیا رفت و به همراه جمهوریخواهان به مبارزه پرداخت و درطی این نبردها بشدّت زخمی شد.

اورول در طی جنگ جهانی دوم ضمن خدمت در گارد محلی، برای بی.بی.سی نیز کار می‌کرد. در ۱۹۴۳ مسؤولیت صفحات سیاسی و نقد وبررسی ادبی نشریه تریبیون را به عهده گرفت. این مقاله‌ها روش خاص و نثر ویژه وی را به خوانندگانش شناساندند. او یکی از اعضای دائمی نشریه آبزرور مخبر ویژه آن نشریه در فرانسه و آلمان بود. جورج اورول در سال ۱۹۴۵ با انتشار مزرعه حیوانات به شهرت رسید.

کتاب ۱۹۸۴ او هم به موفقیتی همانند مزرعه حیوانات دست یافت.

جورج اورول در ۲۵ ژانویه ۱۹۵۰ در لندن درگذشت.

از آثار او می‌توان به: مزرعه حیوانات، آس‌وپاس‌ها، در ژرفنا، سالهای برمه، درود بر کاتالونیا و ۱۹۸۴ اشاره کرد.

اوستا، مهرداد

محمدرضا رحمانی مشهور به مهرداد اوستا از شعرای معاصر، در سال ۱۳۰۸ هـش در بروجرد متولد شد. پس از پایان تحصیلات متوسطه به تهران رفت و فعالیتهای ادبی خود را آغاز کرد. مدتی در اهواز معلم بود. از دهه بیست به انجمنهای ادبی تهران راه یافت و سپس به طبع‌آزمایی در قلمرو شعر نیمایی پرداخت. منظومه آرش کمانگیر از جمله موفقترین آثار ادبی وی در این شیوه است.

سالها در دانشکده هنرهای زیبا به تدریس شعر و ادبیات اشتغال داشت و همزمان به سرودن اشعار نیز ادامه داد. بیشتر علاقه داشت در قالب قصیده به طبع آزمایی بپردازد و در قصیده‌گویی شیوه‌ای استادانه و مستقل داشت که آن را سبک خراسانی نو می‌خوانند.

در سال ۱۳۶۲ ریاست شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را عهده‌دار شد.

اوستا در هفدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۰ بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع گفت.

مهمترین آثار وی عبارتند از: مقالات ادبی، امام حماسه‌ای دیگر، تیرانا، پالیزبان، تصحیح دیوان سلمان ساوجی، روش تحقیق در دستور زبان فارسی.

اُهنری O'Henry

نام واقعیش ویلیام سیدنی پورتر است. در ۱۱ سپتامبر ۱۸۶۳م. در گرنیس‌برو کارولینای شمالی به دنیا آمد. تحصیلات خود را تمام نکرد و برای امرار معاش در فروشگاهها و شرکتهای مختلف کار می‌کرد. سرانجام در بانکی در تگزاس استخدام و مشغول به کار شد و در سال ۱۸۸۷ ازدواج کرد.

ضمن کار در بانک با نام مستعار اُهنری برای روزنامه هودسن، که یک روزنامه محلی بود، صفحه‌ای فکاهی به نام سنگ غلتان را می‌گرداند.

در سال ۱۸۹۶ به بانک دستبرد زد و تحت پیگرد قانونی قرار گرفت، اما با حمایت دوستانش از رفتن به زندان رهایی یافت. سپس بی‌خبر شهر را ترک و به هندوراس فرار کرد. در آنجا پس از باخبرشدن از بستری‌شدن زنش به امریکا بازگشت. بعد از بازگشت، دستگیر شد و دادگاه او را به سه سال زندان محکوم کرد. زندان در تحول روحی او تأثیر عمیقی گذاشت، زیرا پس از آزادشدن، سرگذشت و زندگی زندانیان را مایه و منشأ داستانهای خود قرار داد.

اُهنری به نیویورک رفت و در مجلات این شهر شروع به نوشتن کرد. او شیفته داستان هزار و یک شب بود و در عالم رؤیا نیویورک را همچون بغداد هزار و یک شب و ثروتمندان نیویورک را همچون خلفای عرب تصویر می‌کرد. داستانهای او تقریباً به دوازده‌جلد می‌رسند و مهم‌ترین آنها عبارتند از: دله‌دزدان و پادشاهان (۱۹۰۴)، چهارمیلیون (۱۹۰۶)، چراغ تزیین‌یافته (۱۹۰۷)، صدای شهر (۱۹۰۸)، شماره ششی‌ها و شماره هفتی‌ها (۱۹۱۱). از

اُهنری اغلب به عنوان پایه‌گذار داستان کوتاه نام می‌برند.

اُهنری در پنجم ژوئن ۱۹۱۰ براثر بیماری کبد درگذشت.

ایرج میرزا

ایرج میرزا، جلال‌الممالک، پسر غلامحسین میرزا در سال ۱۲۹۱ هـ.ق در تبریز به دنیا آمد. وی نوادهٔ فتحعلی‌شاه قاجار بود. دوران کودکی وی با فراگیری زبانهای فارسی، عربی و فرانسه سپری شد. او از محضر استادانی همچون بهار شیروانی و عارف اصفهانی سود جست. همزمان در حوزه درس آشتیانیهای مقیم تبریز معانی و بیان و منطق را فراگرفت. وی با عبدالحسین، پسر امیرنظام گرّوسی همکلاس بود و به همین جهت امیرنظام توجه خاصی به او داشت و به او لقب فخرالشعرا داد.

در شانزده‌سالگی ازدواج کرد، ولی پس از سه سال همسر و پدرش روی در نقاب خاک کشیدند. در سن نوزده‌سالگی، مظفرالدین میرزا ولیعهد او را موظف به سرودن قصاید و اشعار مدحی و رسمی در مراسم و اعیاد کرد.

ایرج پس از مدتی به سمتها و مشاغل اداری مختلف از جمله بازرسی اداره کل مالیّه خراسان گماشته شد.

ایام اقامت او در خراسان مصادف بود با قیام کلنل پسیان که ایرج نسبت به وی احترام خاصی قائل بود و پس از فاجعه قتل او در رثایش شعر سرود.

وی با شعرا و ادیبان آن دیار همچون ادیب نیشابوری حشر و نشر داشت و خود را شاعر خراسان می‌خواند. منظومه عارفنامه او که به شیوه جلایرنامه قائم‌مقام فراهانی ساخته شد، نام او را برسر زبانها انداخت بطوری که هنگام ورود به تهران شاعران وادیبان و مردم عادی پایتخت از او

بگرمی استقبال کردند.

حدود چهار هزار بیت شعر از ایرج باقی مانده است. اشعار او در قالبهای قصیده، غزل و قطعه سروده شده‌اند. شعر او ساده و روان و مشتمل بر کلمات و تعبیرات عامیانه است. همچنین مسایل مختلف اجتماعی و هزلیات و شوخیهای نیشدار و ریشخندها و تمثیلاتی که شاعر از غالب آنها نتایج اجتماعی می‌گیرد، به زبانی بسیار ساده و گاه نزدیک به زبان محاوره بیان شده‌اند.

از بهترین اشعار وی قطعهٔ قلب مادر است که از زبده‌ترین و مشهورترین اشعار وی محسوب می‌شود.

آنچه ایرج از آن دوری جسته است، پرهیز از شغل شاعری و درآمدن در سلک درباریان مدّاح و متملّق و گداپیشه است. وی پس از سفر به اروپا و آشنایی با مظاهر تمدن جدید و کسب معرفت و کمالات، جهان‌بینی تازه‌ای پیدا کرد که رنگ اشعار او را بیکباره دگرگون ساخت و مضامین تازه‌ای را در آن جایگزین کرد. مضامین اشعار ایرج مواردی همچون انتقاد از وضع سیاسی و اجتماعی کشور، تشویق جوانان به دانش‌آموزی و فراگیری فنون جدید، اعتقاد و توجه به پرورش و آموزش کودکان، علاقه به مادر و پاسداری از مقام شامخ او، وطن دوستی و ایران‌پرستی هستند. وی در ۲۳ اسفند ۱۳۰۴ هـش در اوج تنگدستی و فقر براثر سکته قلبی درگذشت و در گورستان ظهیرالدوله تهران به خاک سپرده شد.

آثار ایرج میرزا عبارتند از: عارفنامه، زهره و منوچهر، مثنوی انقلاب ادبی، مثنوی شاه و جم.

بالزاک، انوره دو Balzac, Honore de

اونوره دو بالزاک در ۲۰ مه ۱۷۹۹م. در شهر تور به دنیا آمد. خانواده بالزاک پس از سقوط ناپلئون به پاریس رفتند و انوره مدت دوسال در آنجا به مدرسه رفت. پس از پایان تحصیلات سه‌سال منشی وکیل دعاوی شد، اما در سال ۱۸۲۸ در آستانه ورشکستگی قرار گرفت و متحمل بدهیهای سنگینی شد. سپس به نویسندگی روی آورد. انتشار دو کتاب یاغی‌ها و فیزیولوژی زناشویی در ۱۸۲۹ او را در آستانه شهرت قرار داد. بالزاک در سالهای بین ۱۸۳۴ ـ ۱۸۲۸ زندگی پرآشوبی داشت. او مردی خوش‌پوش و خوش‌ظاهر بود و هرچه را که به دست می‌آورد، پیشاپیش خرج می‌کرد. در همین سالها با روزنامه‌های کوچک همکاری می‌کرد و برای آنها مطلب می‌نوشت. بعدها آشنایی نزدیک او با شیوه‌های این روزنامه‌ها و عدم پایبندی آنها به اصول اخلاقی و اجتماعی باعث شد تا بالزاک نسبت به مطبوعات کینه و بغضی در دل انباشته کند و بعدها آتش این کینه، در بخش دوم کتاب آرزوهای بربادرفته‌اش شعله‌ور شد.

بالزاک در سالهای ۱۸۳۶ و ۱۸۴۰ به ترتیب سردبیر نشریه‌های لاکرونیک دوپاری و لارووپاریزین بود که البته موفقیت‌آمیز نبود. او درهمین سالها به ایتالیا سفر کرد. در سال ۱۸۵۰ با اولین هانسکی ازدواج کرد، اما این زندگی مشترک دیری نپایید چون بالزاک در ۱۸ اوت ۱۸۵۰ روی در نقاب خاک کشید.

آثار او عبارتند از: باباگوریو، چرم ساغری، زنبق دره، زن سی‌ساله، آرزوهای‌بربادرفته،لویی‌لامبرت، سرافینا، کشیش تو، اوژنی گرانده، سرهنگ شابر،دوشس‌دولانژه،زن‌ترک‌شده،یاغی‌ها،فیزیولوژی‌زناشویی‌وهدف‌زندگی

برشت، برتولت Brecht, Bertolt

برتولت برشت در ۱۰ فوریه ۱۸۹۸م. در اوگسبورگ آلمان متولد شد. برشت مدرسه ابتدایی و دبیرستان را در همان شهر تمام کرد و برای تحصیل در رشته پزشکی در هیجده‌سالگی به مونیخ رفت. در ۱۹۱۸ به خدمت سربازی فراخوانده شد و در بیمارستانهای نظامی پشت جبهه مشغول به کار شد. در همین زمان شعر هم می‌گفت و شعرهایش را برای سربازان زخمی می‌خواند. در ۲۱سالگی اولین نمایشنامه‌اش، بعل را نوشت. یک سال بعد دومین نمایشنامه‌اش آوای طبل‌ها در دل شب، را نوشت و موفق به گرفتن جایزه کلیست شد. به سال ۱۹۲۵ با نمایشنامه آدم، آدم است، نخستین طرح تئاتر حماسی خویش را عرضه کرد. در سال ۱۹۳۳ با روی‌کار آمدن هیتلر از آلمان فرار کرد. تا این سال چهارده نمایشنامه نوشته بود که اکثر آنها روی صحنه اجرا شده بودند و از میان آنها می‌توان به اپرای دوپولی، عظمت و انحطاط شهر ماهاگونی، ژان مقدس کشتارگاهها، استثنا و قاعده، اشاره کرد. پس ازترک‌آلمان به‌سوییس پناهنده شدوبه‌فرانسه،دانمارک،سوئد، انگلستان و فنلاند رفت. در ۱۹۴۱ به امریکا رفت و تا دوسال پس از جنگ در آنجا ماند.

بیشتر نمایشنامه‌های او در اروپا و امریکا روی صحنه آمدند از جمله: کله‌گردها و کله‌تیزها (۱۹۳۳)، ترس بزرگ و فقر رایش سوم (۱۹۳۵)، ننه‌دلاور و فرزندانش، زندگی گالیله (۱۹۳۸)، محاکمه لوکرس، زن نیکدل سچوان (۱۹۳۹)، ارباب پونتیلا و نوکرش ماتی، صعود مقاومت‌ناپذیر آرتور و لوئی (۱۹۴۱)، دایره گچی قفقازی (۱۹۴۵). برشت در دسامبر ۱۹۴۷ امریکا را ترک کرد و به آلمان بازگشت. ۲سال بعد با همکاری زنش هلنه وایگل یک گروه

تئاتری را به نام برلینر آشامبل ترتیب داد.

برشت در سال ۱۹۵۰ آخرین کارش یعنی روزهای کمون را نوشت. او با همکاری‌بازیگران،تکنیسین‌ها،دکورسازهاوموسیقیدانان‌نمایشنامه‌هایش را روی‌صحنه‌می‌آورد.شعروموسیقی‌اجزای‌جداناپذیرنمایشنامه‌های‌اوبودند.

در دهم اوت ۱۹۵۶ برای آخرین بار زندگی گالیله را با گروه برلینز آشامبل اجرا کرد و چهار روز بعددر ۱۴ اوت ۱۹۵۶ دنیای خاکی را وداع گفت.

برونته، شارلوت، امیلی، آن
Bronte, Charlotte, Emily, Anne

پاتریک برانتی[1] پدر خواهران برونته که بعدها نام خود را به برونته تغییر داد در سال ۱۷۷۷م. در ایرلند به دنیا آمد. وی پس از تحصیلات در کلیسای انگلستان مشغول به کار شد و در سال ۱۸۱۲ با ماریا بران ول، که دختر یک تاجر بود، ازدواج کرد.

ثمره این ازدواج تولد شش فرزند بود. ماریا، الیزابت، شارلوت (۱۸۱۶-۱۸۵۵)، پاتریک‌بران‌ول، امیلی جین (۱۸۱۸-۱۸۴۸) و آن (۱۸۲۰-۱۸۴۹).

در سال ۱۸۲۰ پاتریک برونته، کشیش هاورث شد. یک سال بعد خانم برونته درگذشت و آقای برونته تمام دختران خود جز آن را به مدرسه شبانه‌روزی کلرگی در کروان‌بریج فرستاد. این همان مدرسه‌ای است که شارلوت در جین‌ایر به نام لووود از آن نام برده است. شرایط بد زندگی در شبانه‌روزی باعث مرگ ماریا و الیزابت شد. پس از چندی شارلوت و امیلی این مدرسه شبانه‌روزی را ترک کردند.

1- Patrick Branty

پاتریک برونته مردی عبوس، بداخلاق و سختگیر بود. او تنها به فرزندانش اجازه می‌داد در اتاق مطالعه بنشینند و مطالعه کنند. خانه آنها در مکان دلگیری که اطراف آن خلنگ‌زار بود، قرار داشت و تنها تفریح بچه‌ها غیر از مطالعه، قدم زدن در اطراف خلنگ‌زارها بود.

همین زندگی بی‌روح و سرد دامنه خیالپردازی بچه‌ها را وسعت بخشید. آنها مدام به کمک یکدیگر شعر، مقاله، داستان و نمایشنامه می‌نوشتند. تا سال ۱۸۳۲ این همکاری ادامه داشت. آنها دنیایی خیالی برای خود ساخته بودند. دنیای خیالی بران‌ول و شارلوت، آنگریا بود. این خواهر و برادر برای مردم آنگریا داستانهای عاشقانه خلق می‌کردند و دنیای خیالی امیلی و آن، کندال بود و این دونیز حماسه‌های غم‌انگیزی در این باره خلق کردند.

این افسانه‌ها و خیال‌پردازیها، تأثیر عمیقی در ذهن برونته‌ها برجای گذاشت، بطوری که شارلوت بدرود آنگریا و امیلی، اشعار کندال را نوشتند.

بران‌ول جوانی با استعداد بود، ولی از این استعداد استفاده‌ای نکرد. وی حتی در مشاغلی که انتخاب می‌کرد، موفقیتی به دست نیاورد تا این که شخصیتش چنان درهم ریخت که از او موجودی میخواره و مجنون ساخت.

دختران هرکدام کوشیدند آرزوهای خود را جامه عمل بپوشانند. آنها هرکدام مدتی آموزگار سرخانه بودند، ولی همگی از این شغل نفرت داشتند. تنفرشان به دو دلیل بود: یکی آنکه خانه و بیشه‌زار محبوب و خاطره‌برانگیزشان را ترک می‌کردند و دوم آنکه معلم سرخانه‌بودن برایشان اعتبار خاصی به همراه نداشت. در سال ۱۸۴۲ شارلوت و امیلی تصمیم گرفتند مدرسه‌ای تأسیس کنند. به همین دلیل برای آموختن زبان به مدرسه شبانه‌روزی در بروکسل رفتند که آقای کنستانتین هژ آن را اداره می‌کرد. اما عشق نافرجام شارلوت به آقای هژ باعث دگرگونی روحی شارلوت شد و

طرح تأسیس مدرسه با شکست مواجه شد. در سال ۱۸۴۵ تمام خانواده دوباره درکنار هم بودند و این زمان به تنها چیزی که می‌اندیشیدند، ادبیات بود.

درسال ۱۸۴۶ با تلاش شارلوت برای راضی‌کردن خواهران برای چاپ آثارشان، آنها مجموعه اشعارشان را با نام‌های مستعار کوربل، الیس‌بل، اکتون‌بل، که به ترتیب شارلوت، امیلی و آن بودند، منتشر کردند. این مجموعه شعر توفیق چندانی برای آنها به بار نیاورد، ولی حتی چاپ آن خواهران برونته را آن‌چنان دلگرم کرد که تا تابستان سال ۱۸۴۶ هریک از آنها داستانی نوشتند.

بلندیهای بادگیر اثر امیلی، و آگنس گری اثر آن برای چاپ پذیرفته شد، اما رمان پروفسور شارلوت در دست ناشران بی‌نتیجه دست به دست می‌گشت. شارلوت جین‌ایر را نوشت و این داستان در ماه اوت ۱۸۴۷ به انتشارات اسمیت الدر و شریک سپرده شد. ماه بعد کتاب منتشر شد و شارلوت را بلندآوازه کرد.

بلندیهای بادگیر نیز برای نخستین‌بار در ۲جلد ـ از یک دوره ۳جلدی ـ انتشار یافت. جلد سوم این دوره آگنس‌گری اثر آن بود. قسمتی از هزینه چاپ و انتشار این ۲ کتاب را آن و امیلی پرداختند. تمام این رمانها در چاپ اول با نام‌های مستعار بل منتشر شدند.

به علت استفاده از نام مستعار، همه فکر می‌کردند بلندیهای بادگیر را شارلوت نوشته است، اما پس از مرگ امیلی، این کتاب برای دومین بار منتشر شد و این‌بار نام وی به عنوان نویسنده روی جلد کتاب چاپ شد. این اشتباه زمانی هم که دومین رمان آن یعنی مستأجر وایلدفل در ۱۸۴۷ منتشر شد به وقوع پیوست. آن زمان نیز مردم به اشتباه، شارلوت را نویسنده این اثر

می‌دانستند.

در ۲۴ سپتامبر ۱۸۴۸، بران‌ول مرد.

سِل میراث خانواده برونته بود. امیلی در مراسم تشییع جنازه بـران‌ول سخت سرما خورد و به بیماری سل مبتلا شد و در اثر آن در ۱۹دسامبر ۱۸۴۸ چشم از جهان فرو بست.

پس از امیلی، آن نیز که آثار این بیماری در او مشخص شده بود، در ۲۸ مه سال ۱۸۴۹ در اسکاربورو با دنیا وداع کرد. شارلوت در زمان مرگ، بخش عمده‌ای از رمان خود یعنی شرلی را تمام کرده بود. وی سالهای آخر عمرش را همراه پدر در هاورث گذراند. شارلوت در سـال ۱۸۵۴ بـا آرتـور نـیکولز، کشیش کلیسای انگلستان ازدواج کرد و یک‌سال بعد درگذشت.

بهار، محمدتقی

محمّد تقی بهار، شاعر معاصر در سال ۱۲۶۶ هـ‌ق در مشهد به دنیا آمد. پدرش محمدکاظم صبوری، ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی بود. وی نزد پدر، شعر و فنون ادب را آموخت و پس از مرگ او به فرمان مظفرالدین شاه عنوان ملک‌الشعرایی به فرزندش واگذار شد. از دیگر اسـاتید او مـی‌توان از ادیب نیشابوری نام برد که بهار از محضر او برای تکمیل دانش خود به زبان عربی و فارسی سود جست.

وی در عین حال شاعر، محقق، نویسنده و استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و مرد سیاست بود. در دوران استبداد صغیر روزنامه خـراسـان و پس از آن روزنامه نوبهار را در مشهد منتشر کرد که به دلیل سیاست ضدّروسی آن، پس از یکسال توقیف شد، اما وی از پای ننشست و روزنـامهٔ تـازه بـهار را

تأسیس کرد که آنهم پس از مدتی توقیف و او به تهران تبعید شد.

یک‌سال بعد به عنوان نماینده مردم خراسان به مجلس راه یافت. بهار در مجلس و دیگر محافل سیاسی همه‌جا برای آزادی و عدالت اجتماعی و تجدّد شور و ا شتیاق نشان داد. وی در تهران مجله دانشکده را تأسیس کرد که ارگان انجمن ادبی دانشکده بود.

پس از کودتای ۱۲۹۹ زبان پهلوی را آموخت و در کتب نظم و نثر فارسی به تحقیق و تتبع پرداخت.

دیوان بهار ترکیبی از قصیده، غزل، مثنوی و ترجیع‌بند، مسمّط، ترکیب‌بند، تصنیف و مضامین آن شامل: مسایل سیاسی و اجتماعی، وطنیات و اخلاقیات در دو قالب جدید و قدیم است.

اشعار دوران جوانی او بیشتر مدح و منقبت و مرثیه است که به مناسبتهای گوناگون مذهبی سروده است. در این اشعار روح دیانت و ایمان به صورتی لطیف جلوه می‌کند و خرافه‌پرستی را به مسخره و استهزاء می‌گیرد، مانند قصیدهٔ جهنم و قطعهٔ نکیر و منکر. برخی از تصنیف‌های او در یاد و خاطرهٔ همگان جای گرفته‌اند، مانند مرغ سحر ناله سر کن. وی در اشعار خود، هم از دوران رونق فرهنگ و عدالت اجتماعی و شادمانیها و پیروزیها سخن گفته است و هم تیره‌بختیها و سیه‌روزیها و علل آن را بازگو می‌کند.

بهار همواره در ستایش آزادی و مبارزه با جهل و فساد قلم زد تا این که براثر بیماری در اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ هـ‌ش دار فانی را وداع گفت.

قصیده وطنیّه او که به هنگام بیماری در لوزان سوییس در سال ۱۳۲۷ هـ‌ش به یاد وطن سروده شده است از قصاید معروف و آزادیخواهانه اوست.

آثار و تألیفات او عبارتند از:

۱ـ تاریخ احزاب سیاسی. ۲ـ سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی

۳ـمقالات و نوشته‌های پراکنده بهار که مجموعه آنها سالها پس از مرگ او با عنوان بهار و ادب فارسی در دوجلد چاپ شده است ۴ـتصحیح تاریخ بلعمی، تاریخ سیستان، مجمل‌التواریخ و القصص و جوامع‌الحکایات عوفی ۵ـدیوان اشعار در دوجلد.

پژمان بختیاری، حسین

حسین پژمان بختیاری در سال ۱۲۷۹ هـ‌ش در تهران به دنیا آمد. پدرش علیمراد خان از بختیاریها بود و مادرش عالمتاج زنی دانشمند و صاحب ذوق از نوادگان میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی بود که شعر نیکو می‌گفت و «ژاله» تخلص می‌کرد. با پایان یافتن تحصیلات، پژمان با ادبیات فرانسوی کاملاً آشنا شد و به دلیل آشنایی با فن تلگراف بی‌سیم به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد.

وی از عنفوان جوانی به شعر و ادبیات علاقه وافری داشت و دیوان شاعران را مطالعه می‌کرد. کتاب «بهترین اشعار» که توسط پژمان گردآوری شده، حاکی از ذوق و قریحه و حسن انتخاب اوست. چاپ تصحیح‌شده‌ای از دیوان حافظ نیز به کوشش او منتشر شده است.

پژمان در شعر به شعرای متأخر تأسی داشت و بیشتر در قالبهای قصیده، غزل و مثنوی شعر می‌سرود.

پژمان به مثنوی‌سرایی بیشتر از سایر قالبهای شعری علاقه داشت. در شعر او مخاطبین و مفاهیم اجتماعی و عاطفی بسیار دیده می‌شود.

پژمان علاوه بر سرودن شعر چندکتاب از فرانسه به فارسی ترجمه کرده است که عبارتند از: وفای زن اثر بنیامین کنستانتین، آتالا ورنه اثر

شاتوبریان.

وی در سال ۱۳۵۵ هـش دار فانی را وداع گفت.

پو، ادگار آلن Poe, Edgar Allan

شاعر، منقد و نویسنده داستانهای کوتاه در ۱۹ ژانویه ۱۸۰۹م. در شهر بوستون به دنیا آمد. در سال ۱۸۱۱ پدرش را از دست داد. زندگی او با رنجهای جسمی و روانی فراوان همراه بود، طوری که در جوانی از پای درآمد. در نیویورک اشعار خود را چاپ کرد، ولی همچنان گمنام بود. پس از مدتی سردبیر یک مجله شد. بعد با دخترعموی خود ازدواج کرد، ولی همسرش در جوانی درگذشت.

آثارمهم‌او عبارتند از: تامرلین وسایراشعار، اشعار،کلاغ،نوشته‌ای‌که در بطری‌پیداشد،آدمکشی‌های‌کوچه‌بزرگ،داستانهای‌شگفت‌انگیز،الیوزا، سوسک‌طلایی،به‌هلن،اسرافیل،دوزخ،دوقتل، مرگ‌سرخ، تیمورلنگ، به خواب رفته،گربه‌سیاه، بشکه‌آمونتیلادو،قلب‌رازگو،الاعراف،ولادیمیر، زنده به گور.

پو در ۱۶ اکتبر ۱۸۴۹، در سن چهل‌سالگی در فیلادلفیا از دنیا رفت.

پوشکین، الکساندر
Pushkin, Alexander

شاعر و نویسنده روسی، در ششم ژوئن ۱۷۹۹م. در مسکو در خانواده‌ای اشرافی به دنیا آمد. در سال ۱۸۱۷ وارد خدمت وزارت امور خارجه روسیه شد. در سال ۱۸۲۰ با انتشار یک مجموعه شعر شهرت زیادی

به دست آورد. در همان سال قصیده‌ای در ستایش آزادی سرود که باعث شد حکومت وقت او را تبعید کند. در سال ۱۸۲۲ پس از بازدید از قفقاز، قطعهٔ زندان قفقاز را سرود. پوشکین در ۱۸۲۴ از شغل خود منفصل شد چون مقامات امنیتی آن روز دولت تزاری عقاید آزادیخواهانه او را خطرناک می‌دانستند. در این سال به ملک پدری در پسکوف رفت و در آنجا آثار مهمی را چون بوریس گودونف و اوژین اونیگین که سرگذشت خود اوست، آفرید. منظومه فواره باغچه سرای شهرت فراوانی را برای او به همراه آورد. در سال ۱۸۲۷ رمان کولیها را نوشت. در سال ۱۸۳۱ با زنی به نام ناتالیا ازدواج کرد و مورّخ دربار روسیه شد. در این دوره کتاب تاریخ شورش بوکاچف و منظومه دختر کاپیتان را نوشت. او در شورش سال ۱۸۲۵ شرکت کرد، با این همه در سال ۱۸۳۲ بار دیگر او را در وزارت امور خارجه استخدام کردند. عمری کوتاه داشت و بسیار کار می‌کرد. آثار او همگی از جمله آثار ارزشمند ادبیات رومانتیک روسیه هستند.

پوشکین در سن ۳۸سالگی در دوئل کشته شد.

پیراندللو، لوئیجی *Pirandello, Luigi*

نمایشنامه‌نویس و نویسنده شهیر قرن بیستم ایتالیا در ۲۸ ژوئن ۱۸۶۷م. در آگری گنتوی سیسیل به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی و عالی به استادی دانشسرای دختران در رشته سبک‌شناسی رسید. پدرش تاجر گوگرد بود و قرار بود اوهم تاجر گوگرد شود، ولی اشتیاق او به مطالعه، وی را در سال ۱۸۸۷ به دانشگاه رم و سپس بُن کشاند. در دانشگاه بن در سال ۱۸۹۱ دکترای زبان‌شناسی گرفت. در سال ۱۸۹۴ با دختر یک تاجر گوگرد

ثروتمند ازدواج کرد و این امکان برای او فراهم شد که بتواند نویسندگی را آغاز کند. در سال ۱۹۰۳ خانواده گرفتار مشکل مالی شد و پیراندللو ناچار شد به تدریس بپردازد. بیماری روانی همسرش روی داستانهای کوتاه او تأثیر زیادی گذاشت. در سال ۱۹۱۷ با داستان دردمطبوع رسماً شروع به نوشتن و از سبک وریسم پیروی کرد. او تئاتر در تئاتر را با نوشتن نمایشنامه شش شخصیت در جستجوی نویسنده ابداع کرد و در سال ۱۹۳۴ جایزه نوبل ادبیات را ربود. در سال ۱۸۹۷ استاد دانشگاه رم شد و تا سال ۱۹۲۱ در این مقام ماند. در ۱۰ دسامبر ۱۹۳۶ در رم درگذشت. آثار مهم او عبارتند از: عشق بی‌دلبستگی، درد مطبوع، سفیدی‌ها و سیاهی‌ها، مسخره‌بازی مرگ و زندگی، نوبت، بذله‌گویی مرحوم ماتیاپاسال، زمان، زن مطرود، هانری چهارم. او بیش از پنجاه نمایشنامه نوشته است.

تاگور، رابیندرانات *Tagore, Rabindranath*

شاعر متصوّف بنگالی، در ۷ مه سال ۱۸۶۱م. در کلکته به دنیا آمد. به خاطر اشعارش در سال ۱۹۱۳ برنده جایزه نوبل شد. او بیشترین تأثیر را در معرفی فرهنگ و شعر هند به غرب داشت.

او پسر بزرگ مهاراجه تاگور است. در سال ۱۸۹۰ مجموعه اشعار اجتماعی و سیاسی او منتشر شد. در سال ۱۸۹۱ برای اداره املاک پدر به صیداپور رفت و در کنار روستاییان با فقر زندگی کرد. نوشته‌های بعدی تاگور همه از این دوران تأثیر گرفته‌اند. در سال ۱۹۱۲ مجموعه داستانهای خود را منتشر کرد.

آثار مهم او عبارتند از: قایق طلایی، محصول دیر، رویاها و پیشکش.

در فاصله سالهای ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۷ همسر و پسر و دخترش را از دست داد. تاگور کسی است که به گاندی لقب مهاتما (روح بزرگ) را داده است. او اغلب اوقات برای سخنرانی به کشورهای امریکا، چین، ژاپن، مالزی و اندونزی می‌رفت. کارهایش را غالباً خود به انگلیسی ترجمه می‌کرد. داستانهای او به اندازه شعرهایش مشهور نیستند. همچنین استعداد زیادی در سرودن تصنیف داشت و صدها شعر را به صورت موسیقی تنظیم کرد.

تاگور در سال ۱۹۴۱ میلادی درگذشت.

تالستوی، کنت لئو *Tolstoi, Count Leo*

لئونیکلایویچ تالستوی در ۹ سپتامبر ۱۸۲۸م. در دهکده یاسنایاپالینا واقع در شهر تولا به دنیا آمد. او به زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی و ایتالیایی مسلط بود. پدر و مادرش را در کودکی از دست داد و تربیت او به یکی از اقوام دورش محول شد.

درسال ۱۸۴۴ وارد دانشگاه غازان شد و در ۱۸۴۷ پیش از اتمام، تحصیلاتش را رها کرد و به زادگاهش بازگشت و بیشتر وقت خود را به مطالعه اختصاص داد.

در ۱۸۵۲ داوطلبانه به قفقاز رفت و در جنگهای این منطقه شرکت جست. تالستوی داستانهای کودکی، دوران جوانی و برخی از داستانهای دیگرش را درباره حوادث جنگی قفقاز نوشت و در همانجا شروع به نوشتن داستان قزاقها کرد. درهمین سال نکراسوف شاعر معروف روسی داستان کودکی وی را در مجله خود ـ معاصر ـ منتشر کرد. انتشار این داستان باعث شهرت تالستوی شد و داستانهای دیگرش شهرت او را تثبیت کردند. تالستوی پس از

بازگشت از قفقاز به ارتش دونای انتقال یافت و برای شرکت در دفاع از سواستوپول به کریمه رفت و تأثرات خود از محاصره سواستوپول را در سه داستان به نام حکایات سواستوپول نوشت. پس از سقوط شهر به پترزبورگ رفت و در آنجا با نویسندگان بزرگ آن زمان روس آشنا شد.

تالستوی در اواخر سال ۱۸۵۶ از خدمت استعفا داد و پس از دوماه به کشورهای فرانسه، سوییس، آلمان و ایتالیا سفر کرد. پس از مراجعت، زمانی در مسقط‌الرأس و زمانی در مسکو به سر برد. در ۱۸۵۹ در محل تولد خود مدرسه‌ای برای تعلیم و تربیت روستائیان افتتاح کرد. در ۱۸۶۹ دوباره به اتفاق خواهرش به اروپای مرکزی سفر کرد. در این سفر بیشتر به وضع تعلیم و تربیت در مدارس فرانسه، آلمان، ایتالیا، بلژیک و انگلستان پرداخت. در سپتامبر ۱۸۶۳ با سوفیا اندره یونا ازدواج کرد. او در اواخر همین سال شروع به نوشتن بزرگترین اثر ادبی خود، یعنی جنگ و صلح کرد.

در سپتامبر ۱۸۸۱ با خانواده‌اش به مسکو رفت و به تعلیم و تربیت جوانان پرداخت. در فاصله سالهای ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰ سه اثر ادبی نوشت. در سالهای آخر زندگی با کوشش خستگی‌ناپذیری کار می‌کرد و با وجود بیماری که از سال ۱۹۰۱ بر او عارض شده بود، روحاً قوی بود. تالستوی در هفتم نوامبر ۱۹۱۰ زندگی را بدرود گفت. او را در جنگل مسقط‌الرأس، در محلی که در هنگام حیات نشان داده بود، دفن کردند.

از آثار او می‌توان به: جنگ و صلح، آناکارنینا، کودکی نوجوانی جوانی، سرگیوس پیر، قزاقها، پولیکوشا، چه باید کرد؟، اعترافنامه، آهنگ کروئیستر، ابلیس، رستاخیز، مرگ ایوانویچ، حاجی مراد و... اشاره کرد.

تواین، مارک *Twain, Mark*

نویسنده امریکایی، نام اصلی او ساموئل لانگهورن کلمنتس بود. در ۳۰ نوامبر ۱۸۳۵م. در ناحیه مونروئه ایالت فلوریدا به دنیا آمد. در طول زندگی نویسنده، سخنران و هجونویس مشهوری شد. در سراسر دنیا به خاطر داستانهایی که شخصیت‌های آن نوجوانان هستند شهرت فراوانی کسب کرده است. مشهورترین این داستانها ماجراهای تام سایر (۱۸۷۶) و ماجراهای هاکلبری‌فین (۱۸۸۵) هستند.

مارک تواین روی رودخانه می‌سی‌سی‌پی بزرگ شد. تقریباً نیمی از زندگی خود را به صورت یک آواره سپری کرد. در آن زمان برای روزنامه‌های محلی مقاله می‌نوشت و کارهای عجیب و غریب دیگری هم انجام می‌داد. مدت چهارسال کارآموز کشتی بخار و روی رودخانه می‌سی‌سی‌پی سرگردان بود و در سال ۱۸۶۳ گواهی‌نامه کشتی‌رانی خود را گرفت. در سال ۱۸۶۱ به غرب سفر کرد و برای نشریات مختلف مقاله نوشت. در سال ۱۸۶۳ نام مستعار مارک تواین را برای خود انتخاب کرد. داستانهای سرشار از نشاط و طنز او بزودی برایش شهرت فراوانی را به ارمغان آوردند.

در سال ۱۸۷۰ ازدواج کرد و در هارتفورد در کونکتی‌کات ساکن شد. در بیست‌سال بعدی، تعدادی از بهترین آثارش از جمله تام سایر، شاهزاده و گدا (۱۸۸۱)، هاکلبری‌فین، و یک یانکی اهل کونکتی کات در درباره شاه آرتور (۱۸۸۹) را نوشت. در سال ۱۸۹۱ گرفتار مشکلات مالی شد و بناچار همراه خانواده به اروپا رفت و در آنجا تراژدی ویلسون بی‌کلّه (۱۸۹۴) را نوشت. در

سال ۱۹۰۰ با دیگران همراه خانواده به امریکا برگشت. در سالهای آخر عمرش سخنران و نویسنده بزرگی شد و شهرت عظیمی کسب کرد. سرانجام در سال ۱۹۰۶ یعنی چهار سال قبل از مرگش، شرح حال خود را نوشت که در بخشهای پیاپی چاپ شد.

مارک تواین در ۲۱ آوریل ۱۹۱۰ در شهر ردینگ کونکتی‌کات درگذشت. بعدها همینگوی و فالکنر در معرفی آثار او تلاش بسیار کردند. تأثیر مارک تواین بر ادبیات قرن بیستم امریکابسیار عظیم است.

تورگنیف، ایوان Turgenov, Ivan

ایوان سرگه‌یویچ تورگنیف، شاعر و نویسنده روسی در ۹ نوامبر ۱۸۱۸م. در منطقه اریول به دنیا آمد. پدر ایوان در سال ۱۸۳۴ از دنیا رفت. رفتار خالی از محبت او نسبت به همسرش باعث شده بود که او به زنی خودکامه مبدل شود. او پس از مرگ شوهر، اداره املاک را به عهده گرفت و با این که دلبستگی شدیدی به ایوان داشت، ولی با رفتار خشن و مستبدانه خود روح حساس ایوان را آزار می‌داد. ایوان برای اولین بار در املاک مادر رفتارهای غیرانسانی‌ای را که با خدمتکاران می‌شد، دید. همین ستمگریها بعدها الهام‌بخش او برای نوشتن یادداشتهای یک شکارچی شد.

ایوان در ۱۸۳۳ وارد دانشگاه مسکو شد و سپس همراه مادرش به سن‌پترزبورگ رفت و در دانشگاه آنجا به تحصیلات خود ادامه داد. او برای تکمیل فلسفه پس از پایان تحصیلات به دانشگاه برلن آلمان رفت. در ۱۸۴۱ به روسیه بازگشت. در بازگشت می‌خواست کرسی استادی دانشگاه سن‌پترزبورگ را به دست آورد، ولی موفق نشد.

نخستین اثرش را با نام دیوار در سال ۱۸۳۴ در مجله ادبی ساوره‌مینک پوشکین چاپ کرد. او در این شعر از لردبایرون، شاعر نامدار انگلیسی تقلید کرده بود. اثر دیگرش را در سال ۱۸۴۳ با نام پاراشا منتشر کرد که با اقبال مواجه شد. در سال ۱۸۵۰ بعد از مرگ مادر شاعری را رها کرد و به نثر روی آورد. تورگنیف نمایشنامه‌های متعددی نیز نوشت که از میان آنها می‌توان به یک ماه در حومه (۱۸۵۵) اشاره کرد.

از دیگر آثارش می‌توان از:

رودین (۱۸۵۶)، آشیانه اشراف (۱۸۵۹)، آستانه فردا (۱۸۶۰)، پدران و فرزندان (۱۸۶۲) نام برد.

تورگنیف پس از انتشار پدران و فرزندان، روسیه را به قصد آلمان ترک کرد و در آنجا نیز به فعالیت ادبی خود ادامه داد و در سال ۱۸۶۷ دود را منتشر کرد.

کارهای ادبی آخرین دوره زندگی تورگنیف، که در خارج از روسیه نوشته شده‌اند، رنگ استپ‌ها (۱۸۷۰)، سیلابهای بهاری (۱۸۷۲)، سرود پیروزی عشق (۱۸۸۱) هستند. در سال ۱۸۷۰ سفیر افتخاری فرهنگ روسیه در پاریس شد و با نویسندگانی چون امیل زولا، هنری جیمز، گوستاو فلوبر، برادران کنگور و ژرژ ساند در ارتباط بود. در ۱۸۷۹ نایب‌رئیس کنگره ادبی بین‌المللی پاریس شد و در ۱۸۷۹ دانشگاه آکسفورد به او دکترای افتخاری داد.

تورگنیف در سوم سپتامبر ۱۸۸۳ درگذشت.

جامی، نورالدین عبدالرحمن

نورالدین عبدالرحمن جامی در سال ۸۱۷ هـ‌ق در خرجرد جام به دنیا آمد. در جوانی در هرات و در مدرسه نظامیه مشغول تحصیل شد.

جامی به علت ارادتی که به شیخ‌الاسلام احمد جام داشت و نام مولدش، تخلّص جامی گرفت. وی از علما و عرفای بزرگ ایران است. جامی صوفی و از پیروان طریقه نقشبندیه و سنّی، لیکن از تعصبات خشک این مذهب برکنار بود.

جامی نه تنها در ایران بلکه در هندوستان، افغانستان و آسیای صغیر هم معروف بود. سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیرعلیشیر نوایی وی را محترم می‌شمردند. سلاطین عثمانی با او مکاتبه و روابط دوستانه داشتند. به دلیل اطلاعات زیادی که در خصوص علوم مختلفه داشت، آثار او از تنوع بسیاری برخوردارند طوری که به کثرت تألیفات شهرت یافته است.

از مهمترین آثار او می‌توان به بهارستان، نفحات‌الانس، نقدالنصوص فی شرح نقش الفصوص، لوایح، لوامع، شواهدالنبوه و اشعةاللمعات اشاره کرد.

دیوان جامی شامل قصیده، ترجیع‌بند، غزل، ملمع، قطعه و رباعی است.

جامی علاوه بر این، هفت مثنوی به نام سبعه یا هفت اورنگ سروده است. هفت اورنگ او به تقلید خمسه نظامی شامل هفت مثنوی به نامهای: سلسلةالذّهب، سلامان و ابسال، تحفةالاحرار، سبحةالابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامهٔ اسکندری است.

جامی در سال ۸۹۸ هجری وفات یافت.

جمالزاده، محمدعلی

سیدمحمدعلی جمالزاده پسر سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی در سال ۱۳۰۹ هـ‌ق در اصفهان متولد شد. پس از طی تحصیلات مقدماتی در تهران عازم بیروت و سپس پاریس شد.

در سال ۱۳۳۳ هـ‌ق در فرانسه موفق به دریافت لیسانس حقوق شد. در سالهای آغازین جنگ جهانی اول به برلن رفت و در کنار آزادیخواهان ایران به مبارزه پرداخت. نخستین داستان وی به نام فارسی شکر است در روزنامه کاوه منتشر شد.

جمالزاده در نوشته‌های خود کلمات و تعبیرات عامیانه و متداول در زبان فارسی آن زمان را به کار می‌گرفت و سعی داشت آن را به طبیعت و ذوق خوانندگان نزدیک کند طوری که او را پیشگام داستان‌نویسی و ساده‌نویسی فارسی می‌خوانند.

مهمترین آثار جمالزاده عبارتند از: دارالمجانین، سر و ته یک کرباس، راه‌آب‌نامه، تلخ و شیرین، شاهکار، هفت کشور، شورآباد، قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریشدار، قصه ما به سر رسید.

جمالزاده در سال ۱۳۷۶ هـ.ش درگذشت.

چخوف، آنتون پاولوویچ
Chekhov, Antone Pavlovoch

آنتون چخوف در ۹ ژانویه ۱۸۶۰م. در یکی از بندرهای تجاری جنوب

روسیه به نام تاگانروگ به دنیا آمد. چخوف بیشتر سالهای کودکی خود را در زادگاهش گذراند. پدرش مردی سختگیر بود که با فرزندان و همسر مهربانش رفتاری خشونت‌آمیز داشت. در سال ۱۸۷۱، پدرش که کارمند دفتری امور بازرگانی بود، کار خود را رها و با خانواده به مسکو عزیمت کرد، ولی چخوف را در تاگانروگ تنها گذاشت تا تحصیلاتش را به پایان برساند و خرجش را نیز خود با تدریس خصوصی به دست آورد. این سه سال در شکل بخشیدن به شخصیت چخوف نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. او در اوت ۱۸۷۵ با بورس تحصیلی در دانشکده پزشکی دانشگاه مسکو به تحصیل پرداخت. دیری نگذشت که پدرش بکلی ناتوان شد و سرپرستی خانواده بر دوش چخوف افتاد. او این مسؤولیت را برعهده گرفت و هرگز شانه از زیر بار آن خالی نکرد. به توصیه برادرش الکساندر شروع به نوشتن داستانهای کوتاه کرد و آنها را برای مجلات فکاهی فرستاد. در مارس ۱۸۸۰ نخستین داستانش در مجله فکاهی سنجاقک چاپ شد. وی نخستین داستانهای کوتاه و جدی خود را به نامهای بانوی قصر و گلهای دیرشکفته در ۱۸۸۲ نوشت. در همین سال تحصیلات پزشکی خود را نیز به اتمام رساند و مشغول طبابت شد. اکثر بیماران او مردم فقیر بودند و چخوف بناچار برای گذران معاش به داستان‌نویسی روی آورد. در همین ایام به بیماری سل، که در خانواده آنها سابقه داشت، مبتلا شد.

محتوای اغلب داستانهای چخوف، زندگی مردم طبقه متوسط روسیه بود. او در فاصله بین سالهای ۱۸۸۴-۱۸۸۲ بیش از سیصد داستان کوتاه برای مجله‌ها نوشت. در همین زمان برای مجله رسمی پترزبورگ نیز داستان می‌نوشت. در دسامبر ۱۸۸۵ به سن‌پترزبورگ رفت. در همین سفر متوجه شد که داستانهایش مقبول خوانندگان و نقل مجالس ادبی هستند و با سوورین،

سردبیر نشریه با نفوذ دوران جدید آشنا شد. چخوف در آن زمان هنوز با نام مستعار داستان می‌نوشت، ولی در مارس ۱۸۸۶ دیمیتری گریگورویچ به او نامه‌ای نوشت و توصیه کرد داستانهایش را با نام اصلی منتشر کند. او نیز دست از داستان‌نویسی در مجلات فکاهی برداشت و داستانهایش را در مجله دوران جدید چاپ کرد. درخشانترین داستانهای کوتاه او گروهبان پریشبیف، شکارچی و اندوه در این مجله چاپ شدند. چخوف نمایشنامه‌های بسیاری نیز نوشت که از آن میان می‌توان به ایوانف (۱۸۸۷)، خرس (۱۸۸۸)، خواستگاری (۱۸۸۸)، شیطان چوبی (۱۸۸۹)، مرغ دریایی، دایی وانیا، سه خواهر و باغ آلبالو (۱۹۰۳) اشاره کرد.

در ۶ مه ۱۹۰۱ با اولگا کنیپر، بازیگر تئاتر ازدواج کرد. این دو فقط تابستانها کنار هم بودند، چون به اصرار چخوف، اولگا همچنان در فصل تئاتر در مسکو می‌ماند و چخوف هم این روزها را در مناطق جنوبی می‌گذراند. دوستی صمیمانه او با گورکی و تالستوی دلزدگی‌هایش را جبران می‌کرد. در سال ۱۹۰۰ عضو افتخاری فرهنگستان علوم روسیه شد، ولی دوسال بعد با مخالفت تزار با انتخاب گورکی در فرهنگستان، استعفا داد.

حضور مکرر چخوف در جلسات تمرین باغ آلبالو با وجود منع پزشکان، سرانجام در زمستان ۱۹۰۴ او را از پا انداخت. همسرش او را به آسایشگاهی در جنوب آلمان برد تا شاید توان ازدست رفته را بازیابد، ولی چخوف در ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۴ در همانجا درگذشت.

حافظ

خواجه شمس‌الدین محمد از شعرای نامی قرن هشتم، درحدود سال ۷۲۶

هجری قمری در شیراز متولد شد. پدرش بهاءالدین از اهالی اصفهان و مادرش اهل کازرون بودند.

وی در زادگاه خود نزد دانشمندانی چون قوام‌الدین عبدالله به تحصیل علوم پرداخت و در تفسیر حکمت و ادبیات عرب مهارت یافت.

حافظ، قرآن را بسیار مطالعه می‌کرد و آن را از حفظ داشت و تخلّص شعری وی نیز به همین مناسبت بوده است.

او با امرای اینجو و سلاطین آل مظفر و همچنین ملوک ایلخانی معاصر بود. حافظ با برخورداری از ذوق لطیفی که در درک مسائل عرفانی داشت، تعالیم حکمت را با آیات قرآنی در آمیخت و غزلیاتی سرود که غالب ابیات آنها از این گونه معانی عرفانی و فلسفی سرشار هستند.

از ویژگیهای حافظ، خوش‌آهنگ‌بودن کلام، تنوع مضامین، روانی گفتار و استواری لفظ و معنی و اغلب اشعار او به آیات قرآنی و احادیث نبوی مزیّن هستند.

حافظ در شعر خود امثال فراوانی آورده و اغلب گفتار وی نیز به صورت ضرب‌المثل درآمده است.

حافظ تمام عمر را با ریاکاران و زهدفروشان دروغین مبارزه کرد. او در به کاربردن واژه‌های جدید نیز استادی بی‌نظیر بود و کلماتی نظیر دیرمغان، پیر مغان، رطل‌گران، سالوس، طاغوت و... برای اولین بار در شعر حافظ به کار رفته است.

این شاعر توانا کمتر به مدح پرداخت و تا آنجا که ممکن بود از صحبت زورمندان و ارباب بی‌مروت دنیا کناره می‌جست. در قصایدش مبالغه‌ها و چاپلوسی برخی شاعران پست اندیشه دیده نمی‌شود. آزادگی و قناعت شعار حافظ بود.

شیراز در دوره‌ای که حافظ می‌زیست گرچه وضع سیاسی آرام و ثابتی نداشت، لیکن مرکزی بزرگ از مراکز علمی و ادبی ایران و جهان اسلامی محسوب می‌شد واین نعمت را تدبیر اتابکان سلغری فارس برای شیراز فراهم کرده بود.

حافظ ستمها، خونریزیها و ریاکاریهای حکمرانان و زاهدان ریاکار را سخت نکوهش می‌کرد و همین که حاکمی نسبتاً مهربان بر سر کار می‌آمد، حافظ غرق در شور و نشاط می‌شد.

حافظ چندی به سیر و سیاحت پرداخت و سپس گوشه‌گیری اختیار کرد و تسلیم عالم تخیّل شد. اینطور که از تذکره‌ها و حتی اشعار حافظ برمی‌آید او دارای زن و فرزند بود.

درباره عشق او به دختری به نام شاخ نبات افسانه‌هایی بر زبانها جاری است و براساس همین داستانها حافظ او را به عقد و ازدواج خود درآورد.

حافظ در سرودن انواع شعر طبع‌آزمایی می‌کرد و در سرودن غزل، قصیده، ملمع، قطعه، رباعی و ترانه‌های شیرازی مهارت داشت، اما غزل حافظ از شکوه و جذبه خاصی برخوردار است.

برخی از شاعران جهان از جمله گوته، هوگو و بالزاک غزلیات حافظ را می‌ستودند.

حافظ را لسان‌الغیب نیز می‌گفتند. دیوانش را محمد گلندام که یکی از شاگردانش بود، پس از مرگ وی جمع آوری کرد.

حافظ توانست با تلفیق اندیشه‌های عرفانی و عاشقانه سبک خاصی در شعر فارسی ایجاد کند که تا امروز نظیر نداشته است.

استقبالهای حافظ از سعدی و همچنین از غزلیات مولوی متعدد است. همچنین حافظ را دنباله‌رو خواجو در شعر معرفی می‌کنند، زیرا وی در مدت

توقف خواجو در شیراز با آن شاعر حشر و نشر داشت و از مجلس او استفاده می‌کرد. وفات حافظ را به سال ۷۹۲ ذکر کرده‌اند.

حالت، ابوالقاسم

ابوالقاسم حالت شاعر، مترجم و محقق پرکار معاصر در سال ۱۲۹۸ شمسی در تهران به دنیا آمد. وی پس از پایان تحصیلات به استخدام شرکت نفت درآمد. حالت از همکاران و عضو هیأت تحریریهٔ مجله توفیق بوُد و در دهه اخیر نیز با مجله گل‌آقا همکاری داشت.

آثار وی در زمینه طنز با نامهای مستعار خروس لاری، هدهدمیرزا و... چاپ شده است. حالت، سراینده نخستین سرود جمهوری اسلامی بود و در قوالب کهن نیز شعر می‌سرود و در تذکره‌نویسی نیز تجربه داشت.

دیوان او شامل مثنوی، قطعه، قصیده، غزل و رباعی است.

برخی از آثار او عبارتند از: پروانه و شبنم که شامل قصاید اخلاقی و عرفانی است وتذکره شاهان.

مهمترین آثار او در زمینه طنز عبارتند از: گلزار خنده، فکاهیات حالت، دیوان ابوالعینک، دیوان شوخ.

از ترجمه‌هایش می‌توان از تاریخ فتوحات مغول، تاریخ تجارت، ناپلئون در تبعید، زندگی من، زندگی برروی می‌سی‌سی‌پی، پیشروان موشک بازی، بهار زندگی، جادوگر شهر زمرد و بازگشت به شهر زمرد را نام برد.

وی در سوم آبان‌ماه ۱۳۷۱ بر اثر سکته قلبی در سن ۷۳سالگی دار فانی را وداع گفت.

حجازی، محمد

محمد حجازی نویسنده معاصر در سال ۱۲۸۰ شمسی در تهران متولد شد. در دوازده‌سالگی کتابی در فن باغبانی از فرانسه به فارسی ترجمه کرد. پس از تحصیلات مقدماتی و متوسطه برای ادامه تحصیل راهی فرانسه و موفق به دریافت لیسانس در رشته مهندسی تلگراف شد.

در مراجعت به ایران به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد. علاوه بر این به خلق آثاری از قبیل: هما، پریچهر، زیبا، آئینه، پروانه، ساغر، آهنگ، نسیم، محمدآقا را وکیل کنید، هزارسخن، و پیام پرداخت.

برخی از ترجمه‌هایش عبارتند از: حکمت ادیان، شادکامی، سلامت روح، رشد شخصیت.

محمدحجازی در سال ۱۳۵۲ هـ‌ش روی در نقاب خاک کشید.

خاقانی شروانی، افضل‌الدین

حسان العجم افضل‌الدین بدیل (ابراهیم) بن علی خاقانی حقایقی شروانی یکی از بزرگترین شعرای ایران است.

لقب حسان‌العجم را که بحق شایسته اوست، عمویش کافی‌الدین عمر به وی داد. پدرش نجیب‌الدین علی مردی نجّار بود و خاقانی بارها در اشعار خود به درودگری او اشاره کرده است. مادرش رومی بود که بعدها مسلمان شد.

خاقانی پس از مرگ پدر تا سن بیست و پنج سالگی تحت سرپرستی

عمویش کافی‌الدین عمر که مردی طبیب و فیلسوف بود، قرار داشت.

وی نزد عمو و پسرعموی خود وحیدالدین عثمان به تحصیل علوم ادبی و حکمی پرداخت و همچنین فنون شاعری را نزد ابوالعلاء گنجوی شاعر بزرگ معاصر خود فراگرفت. تخلّص وی در ابتدا حقایقی بود، ولی پس از آن که ابوالعلاء گنجوی او را به خدمت خاقان منوچهر معرفی کرد، لقب خاقانی را بر وی نهاد.

بعد از مدتی خاقانی به دربار منوچهر بن فریدون شروانشاه راه یافت و پاداش و صلهٔ بسیار از او دریافت کرد، لیکن پس از مدتی قصد عزیمت به خراسان و عراق را داشت که با مخالفت شروانشاه روبه رو شد. عاقبت به عراق رفت و در آنجا بیمار شد، ولی با شنیدن خبر حمله غزان به خراسان و حبس سنجر و قتل امام محمدبن یحیی ناگزیر از ادامه سفر منصرف شد و به شروان بازگشت. اما پس از چندی به قصد حج و دیدن امرای عراقین راهی مکه شد. در زیارت مکه و مدینه، قصاید غرّا سرود و با تنی چند از رجال بزرگ آن دیار ملاقات کرد.

در ادامه سفر خود به بغداد، کاخ مداین را دید و قصیده معروف ایوان مدائن را درباره آن کاخ مخروبه ساخت.

در بازگشت به شروان دوباره به دربار شروانشاه راه یافت، اما میان آن دو به دلیل سعایت و دشمنی اطرافیان کدورت و دشمنی به وجود آمد و در نتیجه خاقانی به زندان افتاد. اما این حبس سبب سرودن قصاید زیبای حبسیهٔ او شد که در دیوانش ثبت است. پس از گذشت یک سال با شفاعت عزالدوله، از حبس نجات یافت.

با برخی از شاعران معاصر خود همچون ابوالعلاء گنجوی و رشیدالدین وطواط مراوده و دوستی داشت، ولی بعدها کارشان به هجو و بدگویی از

یکدیگر کشید. او دختر ابوالعلاء گنجوی را به همسری برگزید.

خاقانی از بزرگترین شاعران قصیده‌گو و از ارکان شعر فارسی است. قدرت اندیشه و مهارت او در ترکیب الفاظ و خلق معانی و ابتکار مضامین جدید بی‌نظیر است. وی بر غالب علوم عصر خود همچون صرف و نحو، فلسفه، ریاضی، نجوم و شعر و ادب احاطه کامل داشت.

خاقانی در عین مدّاحی مردی آزاده و بلندهمّت بود و با وجود این که مدتها در دربار شروانشاه و خلیفه به سر برد همواره از قبول امور دیوانی و درباری اجتناب کرد.

خاقانی در زندگی سختیها و ناملایمات بسیاری را تحمل کرد.

بزرگترین مصیبتی که به او روی آورد مرگ پسر و همسرش بود و دو مرثیه در رثای آنها سرود. وی در آخر عمر از کار دیوانی دست کشید و گوشه عزلت را برگزید. دیوان وی شامل هیجده هزاربیت از قصیده، غزل، ترجیع‌بند، ترکیب بند و رباعی است. مشهورترین اثر خاقانی منظومه تحفةالعراقین است که مکرر به چاپ رسیده است.

خاقانی در سال ۵۹۵ هـق در تبریز درگذشت و در مقبرةالشعراء محله سرخاب تبریز مدفون شد.

خیّام

خواجه امام، حجةالحق، حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم مشهور به خیّام نیشابوری از حکما، ریاضیدانان و شاعران بزرگ ایران در اواخر قرن پنجم هجری است. سال ولادت او معلوم نیست. مرحوم عباس اقبال آشتیانی وی را از شاگردان ابن‌سینا دانسته است. ابوالحسن علی بن زید بیهقی که خیام را در

ایام جوانی ملاقات کرده بود درباره او می‌گوید: خیام تندخو بود، ولی هوش و ذکاوت بسیار داشت، طوری که در اصفهان هفت‌بار کتابی را خواند و حفظ کرد و زمانی که به نیشابور بازگشت آن را روی کاغذ نوشت و بعد از آنکه املاء او را با نسخه اصل مقایسه کردند، بین آنها تفاوت زیادی مشاهده نشد.

خیّام در لغت و فقه و تاریخ عالِم و در اجزاء حکمت از ریاضیات و معقولات آگاه‌ترین فرد بود.

خیّام مورد احترام سلطان ملکشاه بود و سلطان او را در مقام ندمای دربار می‌نشاند. او اشعاری به فارسی و عربی دارد، از جمله رباعیّات او که در جهان مشهور هستند و به بسیاری از زبانهای دنیا ترجمه شده بسیاری از این ترجمه‌ها با تحقیقات درباره احوال و آثار و افکار او همراه بوده‌اند.

رباعیات خیام بسیار ساده و بی‌آلایش و دور از تصنّع و تکلّف هستند و در کمال فصاحت و بلاغت سروده شده‌اند و شامل معانی عالی و محکم و استوار هستند. در این رباعیات، خیام افکار فلسفی خود را که غالباً درمورد اسرار خلقت و آفرینش و ناپیدایی سرنوشت انسان است، بیان می‌کند. او به معاد که اهل ادیان به آن معتقدند، معتقد نیست و چون فنای ابناء بشر را از مصائب جبران‌ناپذیر می‌شمارد، می‌خواهد این مصیبت آینده را با استفاده از لذات آنی جبران کند. این رباعیات را خیام غالباً به دنبال تفکرات فلسفی خود سروده و قصد او از ساختن آنها شاعری نبوده و به همین دلیل وی در دوران خود شهرتی در شاعری نداشته است و به نام حکیم و فیلسوف شناخته می‌شده است، اما بعدها که رباعیهای لطیف فیلسوفانه وی شهرتی به دست آوردند، نام او در شمار شاعران درآمد و بیشتر از این جنبه مشهور شد.

از آثار او در ریاضی می‌توان به جبر و مقابله، لوازم الامکنة و... اشاره کرد.

وفات وی را بین سالهای ۵۰۶ و ۵۳۰ هـ‌ق ذکر کرده‌اند. آرامگاه وی در نیشابور است.

داستایوسکی، فئودور میخائیلوویچ

Dostoyevsky, Fyodor (Mikhalovich)

داستان‌نویس روسی، در ۱۱ نوامبر ۱۸۲۱م. در مسکو به دنیا آمد. بینش روانکاوانه او طوری است که تاریکترین زوایای روح بشر را می‌کاود و به همین دلیل یکی از برجسته‌ترین داستان‌نویسان دنیا و تأثیر او بر ادبیات قرن بیستم جهان غیرقابل تردید است.

داستایوسکی از دانشگاه جنگ در رشته مهندسی فارغ‌التحصیل شد. همه عمرش را وقف نویسندگی کرد. با رمان مردم بیچاره (۱۸۴۶) و داستانهایی از سن‌پترزبورگ کارش را شروع کرد. در سال ۱۸۴۹ به اتهام شرکت در یک گروه روشنفکری آزادیخواه به مرگ محکوم شد. سپس حکم اعدام به حکم تبعید به سیبری تبدیل شد. خانه اموات (۶۲-۱۸۶۱) حاصل تجربه‌های او در سیبری است. در سال ۱۸۵۴ از تبعید آزاد شد و در سال ۱۸۵۷ ازدواج کرد. پس از سفر به اروپا، به همراه برادرش مجله اپوکا را تأسیس و درآن یادداشتهای زیرزمینی را چاپ کرد (۱۸۶۴). جنایت و مکافات اولین رمان عظیم او در سال ۱۸۶۶ چاپ شد. ازدواج دوم او با آنا اسنیتکینا، ازدواجی سعادتبار بود.

سایر آثار او عبارتند از: ابله (۶۹-۱۸۶۸)، دل‌نازک (۷۲-۱۸۶۹).

با چاپ آخرین اثرش برادران کارامازوف (۸۰-۱۸۷۹) یکی از بزرگترین نویسندگان کشور خود و جهان شد.

سرانجام در ۹ فوریه سال ۱۸۸۱ در پترزبورگ درگذشت.

دانشور، سیمین

سیمین دانشور نویسنده معاصر در سال ۱۳۰۰ هـش در شیراز به دنیا آمد. در بیست و هشت‌سالگی موفق به اخذ درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی شد. در سال ۱۳۲۹ با جلال آل‌احمد ازدواج کرد. مدتی در مدرسه عالی موسیقی تهران، مدرس موسیقی بود و پس از آن، به تدریس ادبیات و تاریخ هنر در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت.

در سال ۱۳۲۷ نخستین مجموعه داستانش را به نام آتش خاموش منتشر ساخت. از دیگر آثار او می‌توان از داستان شهری چون بهشت و رمان جذاب و دلنشین سووشون که سبب اشتهار این نویسنده شد، نام برد.

دانشور مدتی مدیر مجلهٔ نقش و نگار بود، همچنین با مجلاتی چون کتاب ماه کیهان و آرش همکاری داشت.

وی همچنین برخی از آثار نویسندگان مشهور خارجی را به فارسی ترجمه کرده است که عبارتند از:

سرباز شکلاتی از برنارد شاو، دشمنان از آنتوان چخوف، بنال وطن اثر الن پیتون و کمدی انسانی اثر سارویان.

دفو، دانیل *Defue, Daniel*

نویسنده انگلیسی، در لندن به دنیا آمد. خانواده او از نظر مذهبی با بقیه مردم انگلستان فرق داشتند، با این همه دانیل در مدرسه نوفینگتن که

مدرسه‌ای مذهبی بود، درس خواند.

پس از مدتی به تجارت روی آورد و از طریق دریا و خشکی به کشورهایی چون آلمان، ایتالیا و اسپانیا سفر کرد و به تجارت پرداخت، ولی ورشکست شد و بناچار به انگلستان برگشت و از ۱۶۹۵ تا ۱۶۹۹م. منشی محاکم حقوقی در لندن بود. در سال ۱۷۰۲ به علت نوشتن مقاله‌ای علیه دولت وقت دستگیر و زندانی شد و تا سال ۱۷۰۳ در زندان ماند. پس از آزادی، مدتی به کارهای سیاسی و انجام مأموریتهای دولتی مشغول بود، ولی بتدریج از سیاست کناره گرفت و به ادبیات روی آورد و کتاب رابینسون کروزوئه را نوشت و شهرت فراوانی کسب کرد. نویسندگانی چون جوناتان سویفت به تقلید از او آثار مشابهی را به وجود آوردند. او در ۱۷۳۱ در مورفیلد وفات یافت.

آثار مهم او عبارتند از: رابینسون کروزوئه، تاریخ جنگهای شارل هفتم، خاطرات یک سوار، کامیابیها و شکستهای مل‌فلاندر مشهور، زندگی کاپیتان سینگلتون دزد دریایی.

دولت‌آبادی، محمود

محمود دولت‌آبادی در سال ۱۳۱۹هـ‌ش در روستای دولت‌آباد سبزوار متولد شد. دوران کودکی و نوجوانی وی در روستای دولت آباد سپری شد و در همه لحظات عمر، زندگی روستایی اعم از فقر و ناداری، کارگری، دامداری و کشاورزی را تجربه کرد.

نخستین داستان وی با نام ته‌شب در سال ۱۳۴۱ در مجلهٔ آناهیتا به طبع رسید. در سال ۱۳۴۴ به مشهد و سپس به تهران رفت. اولین مجموعه

داستانهای او تحت عنوان لایه‌های بیابانی در سال ۱۳۴۷ منتشر شد.

وی از سال ۱۳۴۷ براساس یک ماجرای تاریخی که در ایام خردسالی او در حوالی زادگاهش اتفاق افتاده بود، نوشتن رمان بلند و پرآوازه کلیدر را آغاز کرد که نوشتن آن ۱۵سال به طول انجامید.

او به شیوه‌ای جذّاب و مصوّر مسائل زندگی روستایی خراسان را در مرحله گذر به زندگی شهری به رشته تحریر درآورده است.

دولت‌آبادی با نوشتن رمان کلیدر سهم قابل ملاحظه‌ای در رسانیدن رمان فارسی به مرحله‌ای از کمال به خود اختصاص داده است.

شخصیتهای داستانهای وی محرومان روستایی و رنجدیدگان قصبات دورافتاده و مهجور خراسان هستند، مردمی سخت‌کوش، بردبار، صبور که در مصاف با طبیعت لقمه نان بخور و نمیری برای امرار معاش به دست می‌آورند و همچنان در چمبرهٔ سنتهای دست و پاگیر پیشینیان گرفتارند.

آثار مهم دولت‌آبادی عبارتند از: از خم چنبر، باشبیرو، اوسنهٔ باباسبحان، دیدار بلوچ، گاواره‌بان، عقیل عقیل، روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، جای خالی سلوچ.

دوما، الکساندر (پدر) *Dumas, Alxandre*

یکی از محبوبترین نویسندگان قرن ۱۹ فرانسه، در ۲۴ ژوئیه ۱۸۰۲م. به دنیا آمد. تحصیلات درستی نداشت، با این همه خیلی زود توانست به عنوان نویسنده رمانهای تاریخی شهرت عظیمی کسب کند. آثار معروف او کنت مونت کریستو و سه تفنگدار از شهرت جهانی برخوردار هستند.

در خاطرات خود که سرشار از اغراق و خودپسندی است ماجراهای

زندگی پرفراز و نشیب خود را شرح و تصویر منحصر بفردی از زندگی ادبای فرانسه در دوران رمانتیک ارائه می‌دهد.

پدرش یک سرباز عادی ارتش بود که در دوره ناپلئون به مقام ژنرالی رسید. الکساندر جوان به پاریس رفت که وکیل شود و بالاخره هم در املاک دوک اورلئان که بعدها شاه لویی فیلیپ شد، شغلی به دست آورد، ولی سعی کرد بخت خود را در تئاتر بیازماید. او با هنرپیشه بزرگ فرانسوا ژوزف تالما و شعرای جوانی که بزودی مکتب رومانتیسم را بنا نهادند سر جنگ داشت. از دیدگاه انتقادی معاصر، نمایشنامه‌های دوما پیش‌پا افتاده و ملودرام هستند، ولی در اواخر سالهای ۱۸۲۰ و اوایل ۱۸۳۰، مردم با علاقه فراوانی آنها را تماشا می‌کردند. در نمایشنامه هنری سوم (که در سال ۱۸۲۹ اجرا شد) رنسانس فرانسه را با اغراق فراوان توصیف می‌کند. ناپلئون بناپارت (۱۸۳۱) کتابی است برای افسانه‌ساختن از امپراتور فقید و آنتونی (۱۸۳۱) تلاش دوماست برای خلق افتخارات گذشته روی صحنه تئاتر. هرچند دوما بازهم نمایشنامه‌های متعدد نوشت، ولی عمده تلاش او در زمینه رمانهای تاریخی بود. او در رمانهای خود به حقایق تاریخی وقعی نمی‌گذاشت و تنها هدفش، نگارش قصه‌ای پرکشش بود که رنگ و بوی تاریخی هم داشته باشد. این داستانها عموماً متعلق به تاریخ قرن‌های ۱۶ و ۱۷ بودند.

آثار دیگر او عبارتند از: لاله سیاه، ملکه مارگو، خانم مونسورو، گردن‌بند ملکه، ویکنت‌دوبراژلون، پس از بیست‌سال.

سرانجام در ۵ دسامبر ۱۸۷۰ درگذشت.

دوما، الکساندر (پسر) Dumas, Alxandre

داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس فرانسوی، پسر الکساندر دوما، یکی از بنیانگذاران نمایشنامه‌نویسی رئالیستی، در ۲۷ ژوئیه ۱۸۲۴م. در پاریس به دنیا آمد. کمدیها و درامهای متعددی نوشته و در آنها از نظریه اخلاق اجتماعی دفاع کرده است. غالباً بیمار بود و همین امر جلوی فعالیت ذهن خلاق او را می‌گرفت.

آثارمهم او عبارتند از: خانم کاملیا، نصف جهان، اندیشه‌های خانم اوبری، مسأله پول، زن خارجی.

از آنجا که خود فرزند نامشروع پدرش بود، روی این موضوع و مسائل اخلاقی حساسیت فراوان به خرج می‌داد و سعی می‌کرد خطاهایی را که فرانسویان در زندگی زناشویی و تربیت فرزند مرتکب می‌شدند، به باد انتقاد بگیرد.

او در سال ۱۸۹۵ دار فانی را وداع گفت.

دوموریه، دافنه Duumaurier, Daphne

داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس انگلیسی، ملقب به لیدی براونینگ، دختر سرجرالد دوموریه در سال ۱۹۰۷م. متولد شد و در لندن و سپس در پاریس، درخانه، تحصیل کرد. اولین رمان خود را به نام روح دوست‌داشتنی در سال ۱۹۳۱ نوشت. قبل‌از نگارش ربه‌کا در سال ۱۹۳۸، سه داستان دیگر و شرح حال دقیقی از پدرش نوشت. با داستان ربه‌کا یکی از محبوبترین

نویسندگان زمان خود شد. تقریباً همه پانزده داستان او در زمره پرفروشترین داستانهای دنیا بودند و از روی بسیاری از آنها فیلمهای موفقی ساخته شد.

داستانهای کوتاه پرندگان، حالا نگاه نکن، شرح حالهای برانول برونته، خانواده ویکتوریایی او، شرح حال خود او در دوجلد و کورنوال غیب‌شده از دیگر آثار او هستند.

او با آجودان ـ ژنرال سرفردریک براونینگ ازدواج کرد و در سال ۱۹۸۹ درگذشت.

دیگر آثار او عبارتند از: شهرِ مرد فرانسوی، مری‌آن، دختر عمویم راشل، مسافرخانه جامائیکا، قانون بریتانیا، خانه‌ای در کنار دریا، قربانی، ژنرال شاه.

دهخدا، علی‌اکبر

علامه علی‌اکبر دهخدا در سال ۱۲۷۵ هـ‌ش در تهران به دنیا آمد. پدرش خانباباخان اهل قزوین بود. هنگامی که بیشتر از ده سال نداشت پدرش از دنیا رفت و علی‌اکبر با سرپرستی مادر به فراگرفتن دانش و علوم پرداخت. وی مدت ده‌سال به فراگرفتن علوم قدیمه پرداخت و حتی فقر و تنگدستی نیز نتوانست مانعی برسر راه پیشرفت او باشد. پس از آن به مدرسه سیاسی رفت و زبان فرانسه را آموخت و به همراه معاون‌الدوله غفاری راهی اروپا شد و همزمان با فراگرفتن علوم و معارف جدید در وین به تکمیل زبان فرانسه مشغول شد. در روزهای اول مشروطه به ایران بازگشت و در انتشار روزنامه صوراسرافیل که از نشریات پرآوازه صدر مشروطه بود، با میرزا

جهانگیرخان شیرازی به همکاری پرداخت.

سلسله مقالات طنزآمیز و نغز دهخدا با نام چرند و پرند و با اسامی مستعار: دخو، خرمگس، سگ حسن‌دله، غلام گدا، اسیرالجوال، دخوعلی و روزنومه‌چی در این روزنامه چاپ می‌شدند و همین مقالات بودند که بعدها نام دهخدا را به عنوان پایه‌گذار ساده‌نویسی در ایران بلندآوازه کردند.

پس از کودتای محمدعلی شاه و قتل میرزا جهانگیرخان و گروهی دیگر از آزادیخواهان، دهخدا به اروپا رفت و در سوئیس سه شماره دیگر از صوراسرافیل را منتشر کرد. بعد از آن به استانبول رفت و روزنامهٔ سروش را با همکاری گروهی دیگر منتشر کرد. پس از برکناری محمدعلی‌شاه، مردم کرمان و تهران دهخدا را به نمایندگی مجلس برگزیدند. همزمان با جنگ جهانی اول مدتی در چهارمحال و بختیاری متواری بود و پس از جنگ به تهران آمد و از مشاغل سیاسی کناره‌گیری کرد و به تحقیق و پژوهش در لغت و زبان فارسی پرداخت. مدتی ریاست مدرسه علوم سیاسی و چندی هم ریاست دانشکده حقوق را برعهده داشت. پس از شهریور ۱۳۲۰، که ایران به اشغال قوای بیگانه درآمد، یکسره از کارهای دولتی روی گرداند و گردآوری و تنظیم لغات فارسی، مشغله اصلی او شد.

با روی کار آمدن مصدق از دولت ملی او پشتیبانی کرد و همین امر سبب شد که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مورد بی‌مهری و اذیت و آزار دولت وقت قرار گیرد. وی در اسفند ماه ۱۳۳۴ هـ‌ش در تهران وفات یافت.

آثار دهخدا را می‌توان به دو دسته ادبی و تحقیقی تقسیم کرد: مهمترین آثار ادبی وی عبارتند از: چرند و پرند، دیوان اشعار. مهمترین آثار تحقیقی او: امثال و حکم، لغت‌نامه.

دیکنز، چارلز Dickens, Charles

چارلز دیکنز در ۷ فوریه سال ۱۸۱۲م. زمانی که انگلستان هنوز درگیر جنگ با ناپلئون بود، متولد شد. خانواده او فقیر بودند. زمانی که ۱۲سال داشت پدرش را برای نپرداختن بدهیهایش به زندان انداختند و او مجبور شد برای تأمین مخارج خواهران و برادرش کار کند، به همین دلیل در یک کارخانه واکس‌سازی مشغول به کار شد. پس از آزادی پدر از زندان، چارلز که بسیار علاقه داشت خواندن و نوشتن را بیاموزد، ولی به دلیل وضع نامناسب مالی قادر به رفتن به مدرسه نبود، در تعطیلات تابستان، نزد یکی از دوستان خود مشغول درس‌خواندن شد. کوششهای او برای خواندن درس به نتیجه نرسید و در یک دفتر وکالت مشغول کار شد. با این حال طبع بلند او باعث شد که به تحصیلات ادامه دهد و آن را به پایان برساند و چون در تندنویسی مهارت کامل داشت به سمت خبرنگار پارلمانی برگزیده شد. در ۲۴سالگی شروع به نوشتن کرد و داستانهایش مورد توجه مردم قرار گرفتند و او را به شهرت و معروفیت رساندند. در سال ۱۸۴۶ سردبیر روزنامه دیلی‌نیوز شد و در سال ۱۸۴۹ خود مجله هاوس هولدرز را تأسیس کرد. با این که این مجله رونق زیادی پیدا نکرد ولی همین، شروع موفقیت بزرگی برای چارلز بود. او نیز مانند سایر داستان‌نویس‌ها مقداری اخبار و حوادث روزانه را جمع‌آوری می‌کرد و آنها را پایه و اساس داستانهایش قرار می‌داد. دیکنز از اتفاقاتی که برای خود و نزدیکانش می‌افتاد، در داستانهایش سود می‌برد.

چارلز دیکنز در نهم ژوئن ۱۸۷۰ در محلی به نام گایدزهیل درگذشت. او را در گورستان وستمینستر، گورستانی که شاعران بزرگ و مردان صاحب

نام انگلستان را دفن می‌کنند، به خاک سپردند.

آثار او عبارتند از: آرزوهای بزرگ، الیورتویست، خانه قانون‌زده، داستان دوشهر و دیوید کاپرفیلد.

رولان، رومن Roland, Roman

نویسنده و بیوگرافی‌نویس بزرگ فرانسه، در نیورنه واقع در کلامی فرانسه به دنیا آمد. تحصیلاتش را در رشته تاریخ به اتمام رساند، ولی به ادبیات علاقه خاصی داشت. ابتدا نمایشنامه می‌نوشت، ولی چون موفقیتی به دست نیاورد به نوشتن شرح حال بزرگان دنیا پرداخت. در سال ۱۹۰۳ زندگی بتهوون و در ۱۹۰۵ زندگی میکل‌آنژ را نوشت. در جنگ جهانی به سوئیس رفت و در سال ۱۹۱۶ جایزه ادبی نوبل را دریافت کرد. هشت سال از زندگی خود را صرف نوشتن ژان‌کریستف کرد. در اواخر عمر به تفکرات عرفانی شرق بخصوص هندیها تمایل پیدا کرد. او علاقه عجیبی به رهبر آزادی هند، مهاتماگاندی داشت و در سال ۱۹۳۲ در سوئیس با او ملاقات کرد.

از دیگر آثار او می‌توان از زندگینامه تولستوی و جان شیفته نام برد.

رومن رولان در سال ۱۹۳۲ چشم از جهان فروبست.

رهی معیّری، محمدحسین

محمدحسین معیّری متخلص به رهی از غزلسرایان نامی معاصر است. وی در سال ۱۲۸۸هـ‌ش در تهران متولد شد. در وزارت اقتصاد مشغول به کار شد و پس از بازنشستگی به خدمت کتابخانه سلطنتی درآمد. سفرهای

متعددی به کشورهای همجوار از جمله پاکستان و افغانستان کرد که در اشتهار او سهم بسزایی داشت.

از شعرای بزرگی که بر طبع و ذوق رهی اثری محسوس برجای گذاشتند می‌توان از سعدی، مولوی و حافظ نام برد.

او را می‌توان یکی از غزلسرایان برجستهٔ معاصر دانست که به دلیل هنری که در حُسن ترکیب و انسجام ترانه‌ها و تصنیفهای خود نشان داد از سایرین متمایز شد.

در ادبیات انتقادی معاصر، فکاهیات رهی که با امضای زاغچه و شاه پریون منتشر شده‌اند قابل تعمق و ارزشمند هستند.

رهی در نقاشی و موسیقی نیز تبحر و مهارت خاصی داشت. دیوان اشعارش به نام سایه عمر منتشر شده است.

رهی در سال ۱۳۴۷ هـ‌ش در سن ۵۹سالگی درتهران درگذشت.

ژید، آندره *Gide, Andre*

نویسنده فرانسوی، برنده جایزه نوبل ۱۹۴۷م.، متولد ۲۲ نوامبر ۱۸۶۹ در پاریس. پدرش از اهالی کوهستانهای مرکزی فرانسه و مادرش از خانواده‌ای صنعتگر و بازرگان اهل نرماندی بود. در پنجمین سال تحصیل براثر سوء رفتار از دبستان اخراج شد. یازده‌ساله بود که پدرش مرد و چون مادر خواست او را برای بار دوم به مدرسه بفرستد، دچار حمله عصبی شد. از آنجا که به ادبیات علاقه فراوان داشت، در آن رشته به تحصیل ادامه داد و دیپلم ادبی گرفت.

نخستین کتاب او دخترهای آندره والتر نام داشت. پس از انتشار این

کتاب از محضر مالارمه شاعر فرانسوی بهره برد و با پل والری و سپس اسکاروایلد آشنا شد. جوانی او در بیهودگی سپری شد، اما بعد تمایل پیدا کرد که به سفر در افریقا بپردازد و در الجزایر بود که اندیشه او شکل گرفت. در همانجا هم دچار بیماری سل و مدتی بستری شد. پس از بهبود به فرانسه برگشت، و چون تب بر او عارض شد یک لحظه فکر خودکشی از سرش گذشت، ولی به خاطر بیماری مادر به لاروک رفت. پس از مرگ مادر با مادلن روندو دخترخاله‌اش ازدواج کرد. شهرت او روز به روز بیشتر شد تا سرانجام جایزه نوبل را دریافت کرد. او در ۱۹ فوریه سال ۱۹۵۱ در پاریس درگذشت.

آثار مهم او عبارتند از: مائده‌های زمینی، آهنگ روستایی، سکه‌سازان، در تنگ، بازگشت از شوروی، پرومته سست‌زنجیر، تزه.

سپهری، سهراب

سهراب سپهری متولد ۱۳۰۷ هـ‌ش کاشان، در مرداد ۱۳۳۲ دوره نقاشی دانشکده هنرهای زیبا را به پایان رساند. علاقه به شعر و نقاشی همواره در سهراب به یک اندازه بود. سفرهای وی به رم، آتن، قاهره، توکیو، تاج‌محل، پاریس و آگره برای او نوعی سلوک روحی و معنوی و سیر در انفس بود تا گشت و گذار جهان. او قبل از مسافرت به ژاپن و هند با فکر و اندیشه بودایی آشنایی داشت، ولی با این سفر آشنایی و علاقه او عمیقتر شد. او که برای یادگیری حکاکی روی چوب به آن دیار سفر کرده بود، با حال و هوای نوعی شعر کوتاه ژاپنی که هایکو نام داشت نیز آشنا شد. وی در سال ۱۳۳۰ ابتدا به عنوان نقاشی نوپرداز شهرت یافت و کار شعر را نیز درهمان ایام آغاز کرد.

نخستین مجموعه شعر را در ۱۳۳۰ با نام مرگ رنگ و در ۱۳۳۲ زندگی خوابها و در ۱۳۴۰ آوار آفتاب و شرق اندوه را چاپ کرد.

مجموعه‌های صدای پای آب، حجم سبز، مانو را در ۱۳۴۶ چاپ کرد. شعر سهراب از لحاظ ساخت و قالب از قید وزن عروضی، ردیف و قافیه رها و در اکثر مواقع آهنگین است. اشعار سهراب پس از چاپ همواره با انتقاد مواجه می‌شدند، منقدان شعر و شیوه شاعری او را سرزنش می‌کردند و او را بی‌مسؤولیت، منفی‌گرا و رویگردان از جامعه معرفی می‌کردند، ولی سهراب هیچ‌گاه با عقاید دیگران کاری نداشت و بی‌توجه به این جنجالها به کار خود ادامه می‌داد.

سهراب سپهری در اول اردیبهشت ۱۳۵۹ براثر سرطان درگذشت.

سروانتس سآودرا، میگل‌دو
Cervantes Saavedra, Miguel de

میگل‌دو سروانتس سآودرا در ۱۵۴۷م. درشهر آلکالا اسپانیا به دنیا آمد. پدرش پزشکی دوره‌گرد بود و به همین دلیل میگل در بیشتر مسافرتها با پدر همراه بود. به مسافرت و شمشیرزنی علاقه داشت. در ۱۵۷۱ در یک نبرد دریایی شرکت کرد و زخمی شد. در سال ۱۵۷۵ هنگام مراجعت به اسپانیا به دست اعراب دستگیر و در الجزایر زندانی و سپس به عنوان غلام فروخته شد. پس از دوبار فرار ناموفق، بالاخره براثر کوشش پدر و مادر و همراهی بازرگانان مسیحی ساکن الجزیره آزاد شد و به پرتغال رفت. در سال ۱۵۸۱ برای انجام مأموریتی به اوران رفت و سپس در جنگهای آزورس شرکت و در بازگشت ازدواج کرد. در سال ۱۵۸۷ شروع به نوشتن نمایشنامه کرد. در این

ایام شعر هم می‌سرود، ولی هیچ‌یک با استقبال روبه‌رو نشد. در سال ۱۵۸۴ رمان گالایتا موجب شهرتش شد. سروانتس در فاصله سالهای ۱۵۹۰ـ۱۵۸۷ شغلهای مختلفی را امتحان کرد تا این که دوباره شروع به نوشتن نمود. با ناشری قرارداد بست، ولی این‌بار هم موفق نشد. ناچار به سویل بازگشت و به عنوان مأمور وصول مالیات شروع به کار کرد، اما در ۱۵۹۷ به علت ناآشنایی با فن حسابداری از صندوق کم آورد و به زندان افتاد. در زندان قسمتی از شاهکار خود به نام دن‌کیشوت را نوشت. این کتاب نخستین‌بار در سال ۱۶۰۵ چاپ شد و در همان ابتدا در اسپانیا و پرتغال از او استقبال شد. او قسمت دوم دن‌کیشوت را پس از ده سال منتشر کرد. دن‌کیشوت در سال ۱۶۱۲ به انگلیسی و در ۱۶۱۴ به فرانسه ترجمه و باعث شد سروانتس به اوج شهرت برسد.

سروانتس در ۲۳ آوریل ۱۶۱۶ درگذشت.

سعدی

شیخ مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی، نویسنده و شاعر بزرگ قرن هفتم هجری درحدود سال ۶۰۶ هجری در میان خانواده‌ای که از عالمان دینی بودند در شیراز چشم به جهان گشود. در دوران کودکی، پدرش تربیت و ارشاد او را بر عهده گرفت، ولی سعدی در همان سنین یتیم شد و بنا به قولی تحت تربیت نیای مادری خود مسعودبن مصلح الفارسی پدر قطب‌الدین شیرازی قرار گرفت و مقدمات علوم ادبی و شرعی را آموخت. پس از چندی برای اتمام تحصیلات به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه آن شهر به ادامه تحصیل پرداخت.

سعدی در عنفوان جوانی خدمت اساتیدی چون ابوالفرج بن الجوزی دوم را درک کرد واز او به عنوان شیخ و مربی یاد کرده است. همچنین با شیخ شهاب‌الدین سهروردی در ارتباط بود و از سخنان عارفانهٔ او تأثیر می‌پذیرفت و نظریات و عقاید سهروردی را در گفته‌های خود منعکس می‌کرد.

سعدی طبعی ناآرام داشت و به سیر و سیاحت در اقصای دنیا پرداخت. سفرهای طولانی خود را در حجاز و شام و لبنان و روم آغاز کرد و از هر خرمنی خوشه‌ای برداشت.

بنا بر قول دولتشاه، سعدی چهارده نوبت به سفر حج رفت.

مقارن سال ۶۵۵ سعدی به شیراز بازگشت و در خدمت اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی که در آن زمان بر شیراز حکومت می‌کرد و امنیت و آسایش را در این شهر برقرار کرده بود، قرار گرفت.

سعدی در عین مدّاحی پادشاهان و رجال این سلسله، زندگی را به آزادگی و ارشاد و خدمت خلق می‌گذراند. وی با شمس‌الدین صاحب دیوان جوینی و برادرش عطاملک در ارتباط بود و ایشان را می‌ستود.

سعدی در این زمان با فراغت از سفر، به تألیف و تصنیف شاهکارهای خود پرداخت. آثار وی به دو دسته آثار منظوم و آثار منثور تقسیم می‌شوند.

از آثار منثور او می‌توان به شاهکارش گلستان اشاره کرد که در عین حال آمیخته با اشعار فارسی و عربی است.

۱) در رأس آثار منظوم سعدی یکی از شاهکارهای بلامنازع شعر فارسی قرار دارد که در نسخ کهن سعدی‌نامه نامیده شده و بعدها به بوستان شهرت یافته است. این منظومه در اخلاق و تربیت و وعظ و تحقیق است و در ده باب:

۱ـعدل ۲ـاحسان ۳ـعشق ۴ـتواضع ۵ـرضا ۶ـذکر ۷ـتربیت ۸ـشُکر ۹ـتوبه

۱۰ـ مناجات و ختم کتاب سروده شده است.

سعدی بوستان را در سال ۶۵۵ هجری به تمام کرد. این کتاب به نام ابوبکر بن سعد زنگی است که سعدی در دیباچه، کتاب را به او تقدیم کرده است.

۲) مجموعه دوم از آثار منظوم سعدی قصاید عربی اوست که حدود هفتصدبیت را شامل می‌شود.

۳) قصاید فارسی در موعظه و نصیحت و توحید و مدح پادشاهان.

۴) مرثیه‌هایی که در رثای المستعصم‌بالله و ابوبکر بن سعد زنگی و چندتن دیگر سروده است.

۵) انواع شعر همچون ملمع، ترجیع بند، بدایع، غزلیات قدیم و...

کلیات سعدی نیز عنوانی است که به مجموعه آثار منظوم و منثور او داده شده است. علت اشتهار سعدی را می‌توان به چندمورد خلاصه کرد:

الف ـ سعدی گوینده‌ای است که زبان فصیح و بیان معجزه‌آسای خود را تنها وقف مدح و یا بیان احساسات عاشقانه نکرده، بلکه آن را بیشتر در خدمت ابناء بشر به کار گرفته و در راه سعادت بشر و خصوصاً راهنمایی گمراهان به راه راست به کار برده است.

ب ـ وی نویسنده و شاعری مطلع، جهاندیده و سرد و گرم روزگار چشیده بود و همه تجارب خود را برای صلاح کار همنوعان و هدایت آنان به راه راست در گفتار خود بازگو می‌کند.

ج ـ سعدی سخن گرم و لطیف خود را در نظم و نثر اخلاقی و اجتماعی خویش همراه با امثال و حکایات دلپذیر که جالب توجه خوانندگان باشد بیان کرد و آنان را تنها با نصایح خشک و ملال‌انگیز از خود دور نکرد.

د ـ وی هم در مدح و هم در غزل راهی نو و تازه پیش گرفت. در مدح

مواعظ و اندیشه‌های حکیمانه را مبنا قرار داد و در غزل و اشعار غنایی هم از بیان حکمت و امثال غفلت نورزید.

هـ ـ سعدی در عین وعظ و حکمت و هدایت خلق شاعری شوخ و بذله‌گو و شیرین زبان است و در سخن جدّ و هزل خود آنقدر لطایف به کار می‌برد که خواننده خواه و ناخواه مجذوب او می‌شود و دیگر او را رها نمی‌کند.

فصاحت و شیوایی کلام سعدی بحدّی است که واقعاً او را سزاوار عنوان سعدی آخرالزمان ساخته است.

سال وفات سعدی را در مآخذ گوناگون بین سالهای ۶۹۱ هـ ق و ۶۹۵ هـ ق ذکر کرده‌اند. وی در شیراز در آرامگاه سعدیّه مدفون است.

سویفت، جاناتان *Swift, Jonathan*

نویسنده داستانهای مشهور گالیور، در ۳۰ نوامبر ۱۶۶۷م. در شهر دوبلین ایرلند به دنیا آمد. او در طنز و شعر دستی داشت و درعین حال کشیش و سیاستمدار هم بود. از او به عنوان بزرگترین طنزنویس زبان انگلیسی یاد می‌کنند.

پدر و مادرش ایرلندی ـ انگلیسی بودند. در مدرسه کیل کنی و کالج ترینیتی دوبلین تحصیل کرد و سپس بیشتر عمرش را در انگلستان و بخصوص در مورپارک استان سوری گذراند و دستیار ادبی سرویلیام تمپل شد. در آنجا توانست رابطه صمیمانه‌ای با ایسترجانسون برقرار کند و در همین زمان اولین هجویات مهم خود را با نام داستان یک تغار (۹۹ـ۱۶۹۶) و نبرد کتابها (۱۶۹۷) نوشت و همه را در سال ۱۷۰۴ منتشر کرد. در فاصله سالهای ۱۷۱۰ و ۱۷۱۳، مجموعه نامه‌هایی را به ایستر جانسون نوشت که با

نام نشریه به استلا جمع‌آوری شد. در این نامه‌ها می‌توان فعالیتهای سیاسی ویگ‌ها و وابستگی سویفت به حزب توری را که بعدها نویسنده آنها شد، ردیابی کرد.

در سال ۱۷۱۳، به خاطر خدمات سیاسیش به ریاست کلیسای سنت‌پاتریک دوبلین منصوب شد. پس از مرگ ملکه آن در سال ۱۷۱۴ از این شغل کناره‌گیری کرد و درهمین سال حزب توری هم سقوط کرد. در اوایل سال ۱۷۲۰ دوباره به فعالیتهای اجتماعی، بخصوص امور ایرلند علاقمند شد و نامه‌های پرده‌دوز (۳۵ـ۱۷۲۴) و پیشنهاد متعادل (۱۷۲۹) را منتشر کرد. شاهکار او سفرهای گالیور ابتدا در سال ۱۷۲۶ منتشر شد. از او به عنوان برجسته‌ترین شهروند ایرلند یاد می‌کنند.

جاناتان سویفت در ۱۹ اکتبر ۱۷۴۵ در دوبلین درگذشت.

شاملو، احمد

شاعر، مترجم و نویسنده معاصر، متولد تهران. در سال ۱۳۲۶هـش اولین مجموعه اشعارش به نام آهنگهای فراموش‌شده را چاپ کرد. در همین سال، داستان زن پشت در مفرغی را نوشت. او در فاصله سالهای ۲۹ـ۱۳۲۷ چند داستان دیگر هم نوشت و مجموعه آنها را در سال ۱۳۵۲ با عنوان درها و دیوار چین منتشر کرد. داستانهای شاملو متأثر از هدایت و آلن‌پو هستند و در آنها مسائلی چون مرگ و معاشقه با مردگان را نوشته است. در سال ۱۳۳۰ مجموعه اشعارش را با عنوان قطعنامه چاپ کرد. سالها با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری کرد و برای آنها داستانهای فراوانی نوشت. سردبیر چندمجله نیز بود که از میان آنها می‌توان به جنگ اصفهان و

کتاب هفته اشاره کرد.

بعضی از آثار او عبارتند از: آهنگها و احساس، هوای تازه (۱۳۳۶)، باغ آیینه، آیدا در آیینه، شکفتن در مه، ابراهیم در آتش، لحظه‌ها و همیشه، پابرهنه‌ها (ترجمه ۱۳۳۷).

شکسپیر، ویلیام *Shakespear, Wiliam*

شاعر و نمایشنامه‌نویس شهیر انگلیسی، در اواخر قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷میلادی زندگی می‌کرد. ابتدا برای یک سالن تئاتر کوچک در استانفورد نمایشنامه می‌نوشت. بن جانسون معتقد است که شکسپیر متعلق به زمان خاصی نیست. در هیجده‌سالگی با دختری به نام آن‌هاتاوی ازدواج کرد و صاحب دختری به نام سوزان و دوقلوهایی به نامهای هامنت و جودیت شد. در سال ۱۵۸۴ در لندن به عنوان نمایشنامه‌نویس شهرت پیدا کرد و در آنجا به زندگی ادامه داد و عضو کمپانی تئاتر لندن و کمپانی لرد چمبرلین شد. در سال ۱۶۱۰ بازنشسته شد و به زادگاهش بازگشت و در آنجا فردی متشخّص شد. در سال ۱۶۱۶ درگذشت و جسدش را در کلیسای استانفورد به خاک سپردند.

آثار مهم او عبارتند از: اتللو، مکبث، هملت، جولیوس‌سزار، رومئو و ژولیت، تاجر ونیزی، شاه‌لیر، رویای نیمه‌شب‌تابستان، هنری ششم، دو نجیب‌زاده ورونایی، ریچارد سوم، تیتوس آندرونیکوس، شاه‌جان، ریچارد دوم، هنری چهارم، هیاهوی بسیار برای هیچ، هنری هشتم، آنتونی و کلئوپاترا، غزلیات.

شولوخف، میخائیل (الکساندرویچ)
Sholokhov, Mikhail (Alexandrovich)

نویسنده روسی، در ۱۱ مه سال ۱۹۰۵م. در وشنسکایادر وستوف به دنیا آمد. در مدرسه گرامر درس خواند و در سال ۱۹۲۰، هنگامی که ناحیه دن درگیر جنگ داخلی شد، داوطلبانه به ارتش سرخ پیوست تا با گارد سفید بجنگد. در سال ۱۹۲۲ به مسکو رفت و دوسال در آنجا ماند، اما دوباره به وشنسکایا برگشت و تا آخر عمر در آنجا ماند. اولین مقاله او امتحان در روزنامه پراودا چاپ شد، آنگاه نشریات مسکو، داستانهای کوتاه او را که درباره جنگ داخلی ناحیه دن نوشته شده بودند، بطور مسلسل چاپ کردند. این داستانها در سال ۱۹۲۶ در دو مجموعه به نامهای داستانهایی از دن و استپ آزور چاپ شدند.

دن آرام، شاهکار شولوخف، در فاصله سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۰ در چهارجلد چاپ شد. این رمان یکی از بهترین آثار رئالیستی قرن نوزدهم است و در آن، نویسنده به سه مرحله از زندگی قزاقان دن در سالهای قبل از انقلاب، سالهای جنگ داخلی و بعد از جنگ داخلی می‌پردازد. شولوخف در سال ۱۹۶۵ برای دن آرام جایزه نوبل ادبیات را ربود. اثر مهم دیگر او زمین نوآباد است که در آن درباره نظام اشتراکی زمین، کالخوزها و ساخوزها، در روستاهای دن و مشکلات روستائیان و مسؤولان برنامه‌ریزی می‌کند.

شولوخف در جنگ جهانی دوم داوطلبانه به جنگ دشمن فاشیست رفت و خبرنگار جنگی شد و تجارب دست اولی کسب و آنها را در کتاب سرنوشت یک انسان در سال ۱۹۵۷ چاپ کرد. سپس طرحها و مقاله‌های خود را در

کتابی به نام کلامی درباره سرزمین مادری که بین سالهای ۱۹۵۷ ـ ۱۹۵۱ نوشته شده بود منتشر کرد. آخرین اثر او آنها به خاطر میهنشان جنگیدند ناقص ماند و به همان شکل چاپ شد.

او در فوریه ۱۹۸۴ درگذشت.

شهریار

سیدمحمد حسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار در سال ۱۲۸۵ هـ‌ش در تبریز متولد شد. پدرش میرزا آقا خشکنابی وکیل دادگستری و از افراد سرشناس تبریز بود.

دوران کودکی شهریار مصادف با ایام انقلاب تبریز و نهضت مشروطه بود و به همین سبب مدتی در ناامنی و آوارگی در وطن آبا و اجدادیش، خشکناب، به سر برد. تحصیلات ابتدایی را در تبریز آغاز کرد و تحصیلات متوسطه را در مدرسه دارالفنون به پایان رساند. سپس به تحصیل طب پرداخت، لیکن به واسطهٔ تنگدستی و فقر و ناکامی در عشق تحصیل طب را رها کرد و در خطّ شاعری افتاد.

پس از ترک تحصیل دیداری با کمال‌الملک نقاش در خراسان داشت و بنا به این مناسبت شعری تحت عنوان زیارت کمال‌الملک سرود.

شهریار بناچار از سال ۱۳۱۰ هـ‌ش وارد خدمات دولتی شد و تا ایام بازنشستگی در بانک کشاورزی اشتغال به کار داشت.

وی در سرودن انواع شعر همچون قصیده، مثنوی، غزل، قطعه و رباعی مهارت داشت.

شهریار حتی قطعاتی به شیوهٔ شعر نو سروده است چون: ای وای

مادرم، دومرغ بهشتی، مومیایی، پیام به اینشتین.

در قطعه پیام به اینشتین روح انسان دوستی و همدردی موج می‌زند.

معروفترین منظومه شهریار «حیدربابایه سلام» است که به زبان ترکی سروده شده است. در این منظومه شاعر با دلدادگی تمام از اصالت و زیباییهای روستا و فرهنگ روستایی یاد کرده است.

شهریار مرید شاعرانی چون حافظ، سعدی، مولوی و فردوسی بود و بیشترین اشعارش را در قالب غزل سروده است.

غزلیات وی از لحاظ زبان و احساس در اوج لطافت و زیبایی سروده شده‌اند و یادگار دوران جوانی و پختگی او هستند.

شعر شهریار سرشار از اندیشه‌های دینی و اخلاقی است و عشق و ارادت او را بویژه به حضرت علی (ع) نشان می‌دهد.

شهریار در سال ۱۳۶۷ در سن ۸۴سالگی درگذشت و در مقبرة‌الشعرای سرخاب تبریز مدفون شد.

عبید زاکانی

خواجه نظام‌الدین عبیدالله زاکانی قزوینی متخلّص به عبید شاعر و نویسنده مشهور ایران در قرن هشتم هجری است. وی از خاندان زاکانان است که شاخه‌ای از عرب بنی‌خفاجه بودند و پس از مهاجرت به ایران به حدود قزوین رفتند و در آن نواحی سکونت گزیدند. از کودکی تا ایام پیری در دربار سلاطین به احترام می‌زیسته و عناوینی از قبیل صاحب معظم، خواجه و صاحب اعظم داشته است.

عبید از اوان جوانی به مطالعه کتب و سخن علما و حکما پرداخت. وی با

علوم زمان و زبان و ادبیات عربی، همچنین علم نجوم آشنایی داشته است.

دولتشاه وی را مردی خوش طبع و اهل فضل دانسته است.

عبید در سالهای بین ۷۵۸ ـ ۷۴۲ از عراق به فارس رفت و در همان دیار سکنی گزید. او در شیراز به خدمت شیخ ابواسحاق اینجو رسید و به مدح آن پادشاه ادب‌دوست و وزیر شاعر و فاضلش رکن‌الدین عبیدالملک پرداخت. بعد از آن که فارس به دست آل مظفر افتاد، عبید تعلق خاطری به امیر مبارزالدین محمّد نشان نداد و آن مرد خونریز ریاکار تندخوی را مدح نگفت.

عبید مدتی هم در بغداد در خدمت سلطان معزّالدین اویس جلایری بود و در چند قصیده به مدّاحی او پرداخت و چندی را نیز در مصاحبت سلمان ساوجی گذراند. در سال ۷۶۶ هجری عبید که دربار سلطان اویس جلایری را رها کرده و از تنگی معیشت به فغان آمده بود، روی به کرمان و به درگاه شاه شجاع، که پادشاهی شاعردوست و ادب‌پرور بود، آورد و در قصیده‌ای که در مدح او پرداخت یادآور شد که همواره در خدمت سلاطین روزگار به عزّت گذرانده است و از او نیز انتظار احسان و اکرام دارد.

آثار عبید زاکانی به نظم و نثر هردو باقی مانده است. اشعار وی بطور کلی به دو دسته اشعار مطایبه و هزل و اشعار جدّی تقسیم می‌شوند و عبید در هردو قسم آن استادی توانا بود.

اشعار مطایبه و هزل عبید همه به قصد عیب‌جویی از اندیشه‌ها و کردار و گفتار معاصران سروده شده‌اند، لیکن بی‌خبران آنها را از جنس هزل و مضحکه پنداشته‌اند. عبید در اشعار خود از مردم فاسد و عنان گسیختهٔ زمان خود شدیداً انتقاد کرده است.

منظومه موش و گربه عبید از مهمترین منظومه‌های انتقادی به شمار می‌رود که با لحنی کاملاً طنزآمیز و همراه با زبان مطایبه و به شیوه

قصّه‌پردازان شوخ‌طبع و با مهارتی عجیب ساخته شده است.

موش و گربه قصیده‌ای است در نود بیت در بیان صفت گربه‌ای مزوّر از سرزمین کرمان و کیفیّت ریاکاری و تزویر او در جلب اعتماد موشان از راه توبه و انابه و آنگاه دزدیدن و خوردن آنها و پیش‌گرفتن رفتار درشتی که منجر به جنگ سختی میان موشان و گربکان در بیابان فارس شد.

در این منظومه، عبید از یک‌طرف وضع عامهٔ مردم و از طرف دیگر وضع طبقه قضات و حکّام را بررسی کرده و از آنها به نام طبقهٔ محکوم و طبقه حاکم نام برده است.

قصیده موش و گربه عبید بزودی در میان همه فارسی‌زبانان شهرت یافت و مدتها در شمار کتب درسی اطفال بود و هنوز هم از قصه‌های شیرین زبان فارسی است.

شیوه عبید در سخنوری شیرین و دلپسند و نثر او بسیار روان و ساده و خالی از حشو و زواید است.

اشعار جدّ عبید که کلیّات او را تشکیل می‌دهند، مجموعه اشعاری هستند درحدود ۳۰۰۰ بیت مرکب از قصاید و ترکیب‌بندها، ترجیع‌بند، غزلیات، رباعیات و مثنوی طولانی عشاق‌نامه.

مثنوی عشاّق‌نامه را در ۷۲۰ بیت و طی دو هفته سرود. عبید در سال ۷۷۱ هجری وفات یافت.

عطّار

فریدالدین ابوحامد محمّد بن ابوبکر ابراهیم بن اسحاق عطّار نیشابوری شاعر و عارف مشهور ایران در قرن ششم و آغاز قرن هفتم است. ولادت وی

را بین سالهای ۵۱۲ تا ۵۳۷ هجری در نیشابور ذکر کرده‌اند.

گفته‌اند پدرش عطّار (داروفروش) بود و فریدالدین پس از مرگ پدر کار او را دنبال کرد و در داروخانه خود مشغول طبابت شد. وی در همان اوان جوانی دچار انقلاب درونی گردید و چون سرمایه‌ای بزرگ از ادب و شعر اندوخته بود، اندیشه‌های عرفانی خود را به نظم درآورد.

جامی دربارهٔ انقلاب درونی عطّار و علت توبه وی، چنین آورده است:

«روزی در دکان عطاری مشغول معامله بود، درویشی آنجا رسید و چندبار شئ‌لله گفت. عطار به درویش توجهی نکرد. درویش گفت ای خواجه تو چگونه خواهی مرد؟ عطار گفت همانطور که تو خواهی مرد! درویش گفت تو هرگز همچون من نمی‌توانی بمیری و سپس کاسه چوبین خود را زیر سر نهاد و گفت الله، و جان بداد».

عطّار پس از این جریان متحوّل و متغیّر شد. دکان را برهم زد و به طریقه عرفا روی کرد. عطّار پس از مرگ درویش دست از کسب مال برداشت و به صومعه شیخ الشیوخ العارف رکن‌الدین اکاف رفت و به دست شیخ که عارف و محقق آن روزگار بود، توبه کرد و به مجاهدت مشغول شد، و چندسال در حلقهٔ درویشان شیخ بود.

به هرحال عطّار قسمتی از عمر خود را به رسم سالکان طریقت در سفر گذراند و از مکّه تا ماوراءالنهر بسیاری از مشایخ را زیارت کرد و در همین سفرها بود که به خدمت مجدالدین بغدادی نیز رسید.

عطّار چه هنگام اشتغال به کار عطاری و چه در دورهٔ عزلت و گوشه‌گیری که در اواخر عمر دست داده بود، مردی پرکار و فعال و به نظم مثنویهای بسیار و دیوان غزلیات، قصاید، رباعیات و تألیف کتاب نفیس و ارزشمند تذکرة‌الاولیا سرگرم بود.

عطّار بحق از شاعران بزرگ متصوّفه و از مردان نام‌آور تاریخ ادبیات ایران است. کلام ساده، روان و جذّاب او که با عشق و اشتیاقی سوزان همراه است، همواره سالکان راه حقیقت را راهبری کرده است.

مهمترین آثار عطّار عبارتند از: منطق‌الطیر، تذکرةالاولیا، اسرارنامه، الهی‌نامه، مصیبت‌نامه، وصیت‌نامه، بلبل‌نامه، خسرونامه و...

از میان این مثنویهای عرفانی دل‌انگیز از همه مهمتر و شیواتر، منطق‌الطیر است که منظومه‌ای است رمزی بالغ بر ۴۶۰۰بیت.

موضوع آن بحث طیور (پرندگان) از یک پرنده افسانه‌ای به نام سیمرغ است. مراد از طیور، سالکان راه حق و مراد از سیمرغ، وجود حق است.

از میان انواع طیور که اجتماع کرده بودند، هدهد سمت راهنمایی آنان را پذیرفت و آنان را که هریک به عذری متوسل می‌شدند، با ذکر دشواریهای راه، در طلب سیمرغ به حرکت درمی‌آورد و پس از طی هفت وادی به هفت مرحله از مراحل سلوک (یعنی: طلب، عشق، معرفت، بی‌نیازی، توحید، حیرت، فقر و فنا) می‌رسیدند. بسیاری از آنها به علل گوناگون از پای درآمدند و از آن همه مرغان تنها سی مرغ بی‌بال و پر و رنجور باقی ماندند که به حضرت سیمرغ راه یافتند.

گفته‌اند عطّار به دست مغولی کافر کشته شد. مقبره او در نزدیکی شهر نیشابور است.

علوی، بزرگ

بزرگ علوی نویسنده معاصر در سال ۱۲۸۲ هـ‌ش به دنیا آمد. وی از دوستان نزدیک هدایت بود. ۵سال از عمرش در زندان قصر گذشت. سپس از

ایران گریخت و در خارج به سر برد. دوران تحصیل را در آلمان سپری کرد. نوشته‌های بزرگ علوی از زندگی مردم سرچشمه گرفته‌اند و بیشتر زبان حال طبقات پایین اجتماع هستند. با انتشار مجموعه داستان چمدان به شهرت رسید.

برخی از آثارش عبارتند از:

چشمهایش، ورق‌پاره‌های زندان، بادسام، انتظار، پلیس ینگی دنیا. و ترجمه‌های متعددی همچون: شبی در پاییز از ماکسیم گورکی، مستنطق از پریستلی، کسب و کار خانم وارن از برناردشاو، باغ آلبالو از آنتوان چخوف.

فاکنر، ویلیام *Faulkner, William*

ویلیام فاکنر در ۱۸۹۷م. در نیوآلبانی می‌سی‌سی‌پی به دنیا آمد. در سالهای آخر دبیرستان در آکسفورد درس را رها کرد و به منظور شرکت در جنگ جهانی اول، در نیروی هوایی کانادا به آموزش خلبانی مشغول شد، اما جنگ، قبل از این که آموزش او اتمام شود، پایان یافت و او دوباره به آکسفورد بازگشت. مدت کوتاهی در دانشگاه به تحصیل پرداخت. پس از مدت کوتاهی دانشگاه را ترک و برای امرار معاش شروع به کار کرد. نخستین کار ادبی او در سال ۱۹۲۴ منتشر شد.

این کار یک مجموعه شعر به نام The Marble بود. از این مجموعه استقبال نشد. در همین ایام او با شروود اندرسن آشنا و همین آشنایی باعث شد تا در سال ۱۹۲۵ نخستین رمانش به نام مزد سربازان را به چاپ برساند. در ۱۹۲۶ اثر دیگرش حشرات را چاپ کرد. در سال ۱۹۲۸ سادتوریس را منتشر کرد.

ماجراهای آثار فاکنر در محلی خیالی به نام یوکناپاتاوفا، نامی که فاکنر برای سرزمین مادریش در جنوب امریکا انتخاب کرده است، اتفاق می‌افتد. فاکنر در این داستانها رنجش خود را از نابسامانی‌های اجتماعی، بویژه مسأله سیاهان و تبعیض نژادی ابراز می‌کند. بیشتر منتقدان بر این عقیده هستند که فاکنر بزرگترین الهام بخش فکری و سبکی گابریل گارسیا مارکز در نوشتن کتاب صدسال تنهایی است.

فاکنر در ۱۹۵۰ جایزه نوبل را نصیب خود ساخت. او در سال ۱۹۶۲ بدرود حیات گفت.

فراهانی، ادیب‌الممالک

میرزا محمدصادق امیری ملقّب به ادیب‌الممالک در سال ۱۲۷۷ هـ‌ق در یکی از روستاهای اراک به دنیا آمد. نسب او به میرزا عیسی قائم‌مقام فراهانی می‌رسد. وی پس از فوت پدر و هنگامی که پانزده سال بیشتر نداشت به‌دلیل فقر مادی و فشار حاکم از اراک به تهران مسافرت کرد و پس از آشنایی با امیرنظام گرّوسی، تخلّص امیری را از نام او برای خود برگزید و با او به کرمانشاه رفت، اما پس از مدتی به تهران بازگشت و مظفرالدین شاه به او لقب ادیب الممالک داد.

وی سفرهایی به خوارزم، مشهد و باکو کرد و در شهر باکو با روزنامه ارشاد که به زبان ترکی منتشر می‌شد، همکاری و برگ ضمیمهٔ آن را به فارسی منتشر می‌کرد. همزمان با صدور فرمان مشروطه و گشایش مجلس شورای ملی در تهران، سردبیر روزنامه مجلس شد.

وی در سرودن انواع شعر به ویژه آمیختن و آکندن اشعار به مضامین

اجتماعی و قصیده و قطعه استاد بود.در روزنامه‌ها نظریات انتقادی و اصلاحی فراوانی داشت. آخرین سالهای عمر وی در خدمت دادگستری گذشت، اما حرفه اصلی او روزنامه‌نگاری بود. دیوان اشعار وی شامل قصیده‌ها، مسمّطها و ترجیع‌بندهای اوست که متأثر از حوادث و مسایل سیاسی آن دوران هستند.

در قصیده‌سرایی مقلّد شعرای پیش از خود همچون انوری بود. غالب اشعار او متأثر از زندگی اجتماعی و مبارزات سیاسی او هستند.

ادیب‌الممالک در سال ۱۳۳۵ هـق در سن ۵۸سالگی براثر سکته درگذشت.

فرخزاد، فروغ

فروغ فرخزاد در سال ۱۳۱۳هـش تهران متولد شد. پدر او یک نظامی بود که با فرزندانش رفتاری خشن داشت. فروغ پس از پایان کلاس سوم دبیرستان، برای ادامه تحصیل به هنرستان بانوان رفت و خیاطی و نقاشی را یاد گرفت. شانزده‌ساله بود که ازدواج کرد، ولی این ازدواج خیلی زود به متارکه انجامید. در ۱۳۳۱ نخستین مجموعه شعرش به نام اسیر چاپ شد. دومین مجموعه شعر او دیوار نام داشت. از این مجموعه به دلیل برخی از سنت‌شکنیها انتقاد بسیار شد. پس از این مجموعه، فروغ سومین مجموعه شعرش عصیان را انتشار داد. از ۱۳۳۷ به کار سینما روی آورد و همراه با ابراهیم گلستان در گلستان‌فیلم شروع به کار کرد. در ۱۳۳۸ به انگلستان رفت و پس از بازگشت به فیلمبرداری پرداخت. در ۱۳۴۱ فیلم خانه سیاه است را کارگردانی کرد که این فیلم در فستیوال اوبرهاوزن ایتالیا جایزه بهترین فیلم مستند را به دست آورد.

چهارمین مجموعه شعرش را در ۱۳۴۳ با نام تولدی دیگر چاپ کرد و با این مجموعه، حیاتی دوباره را در سیر شاعری از خود نشان داد. در ۱۳۴۳ به ایتالیا، آلمان و فرانسه سفر کرد. در ۱۳۴۴ یونسکو از زندگی او فیلمی نیم‌ساعته تهیه کرد.

فروغ فرخزاد در ۲۴بهمن ۱۳۴۵ براثر تصادف درگذشت.

فرّخی یزدی، محمد

محمد فرّخی یزدی آزادیخواه و شاعر مشهور در سال ۱۳۰۶ هـق در یزد متولد شد. وی استعداد شاعری و جوهر اعتراض را از همان اوان تحصیل در کار و کردار خود آشکار ساخت و به سبب شعری که سروده بود از مدرسه اخراج شد. در عنفوان جوانی به عضویت حزب دموکرات یزد درآمد و پس از چندی به گناه شعری که در ستایش آزادی ساخته بود، به دستور حاکم یزد ضیغم‌الدوله قشقایی لبهای وی را دوختند و او را زندانی کردند.

وی مردی مبارز و منتقد و بی‌باک بود.

در سالهای آغازین مشروطیت به تهران رفت و در سال ۱۳۴۰ هـق روزنامه طوفان را منتشر کرد و طی مقالات آتشین و انتقادآمیز ستیز جاودانه خود را با استبداد و بی‌قانونی و هرج و مرج اعلام داشت. در دوره هفتم مجلس از سوی اهالی یزد به نمایندگی مجلس شورا انتخاب شد و همراه دو جناح اقلیت مجلس با هیأت حاکمه به مبارزه پرداخت. چندین بار روزنامه طوفان توقیف شد، لیکن وی مجدداً آن را منتشر کرد. سرانجام تحت فشار شدید دولت ناگزیر ایران را ترک و راهی برلن شد. در سال ۱۳۱۲ هـش به تهران بازگشت و درکنار سایر آزادیخواهان با قرارداد ۱۹۱۹ وثوق‌الدوله به

مخالفت پرداخت.

در زندگی سیاسی خود، یک‌بار از سوءقصد جان سالم به دربرد و یک بار هم در زندان خودکشی کرد که او را نجات دادند.

سرانجام در سال ۱۳۱۸ هـش در زندان قصر تهران بطرز فجیعی با تزریق آمپول هوا به قتل رسید.

فرخی در سرودن غزلیّات و رباعیات تبحر خاصی داشت و محتوای غزلیات او را سیاست و مسایل حاد اجتماعی تشکیل می‌دهد نه عشق و عواطف شخصی.

فرخی شاعری نستوه، مبارز و آزاده بود که زیر بار ظلم و ستم نمی‌رفت و همواره با استبداد و ظلم در ستیز بود، و جان خود را سرانجام در این راه ازدست داد.

فردوسی، ابوالقاسم

حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر بزرگ حماسه‌سرای ایران و یکی از گویندگان مشهور عالم و از ستارگان درخشندهٔ آسمان ادب فارسی ایران است. نام پدرش منصور بن حسن ذکر شده است. وی در سال ۳۲۹ هـق در فاز یا باژ طوس متولد شد. فردوسی از خانواده‌ای دهقان بود. این خاندان صاحب ثروت و مکنت بودند، لیکن شاعر استاد براثر نظم شاهنامه و گذراندن عمر در این راه ثروت خود را از دست داد و در پیری تهیدست و بی‌چیز شد.

وی مردی وطن‌پرست بود. این مطلب از جای جای شاهنامه و خصوصاً از شور فردوسی در ستایش ایران و نژاد ایرانی بخوبی آشکار است. وی تا

زمانی که گرفتار فقر و تهیدستی نشد به دربار پادشاهان و جوایز ایشان توجهی نکرد.

در حدود سال ۳۶۹-۳۳۷ به نظم داستانهایی همت گماشت که داستان بیژن و گرازان را باید در رأس همه آنها قرار داد.

فردوسی داستانهای مهم و منفرد دیگری مانند داستان سهراب، اکوان دیو و رزمهای رستم را که هریک در عهد او شهرت و رواج فراوانی داشتند، به نظم درآورد.

نظم شاهنامه ظاهراً براثر شهرت کار دقیقی در قرن چهارم هجری در خراسان، و رسیدن نسخه‌ای از گشتاسب‌نامهٔ دقیقی به دست فردوسی در اواخر همین دهه صورت گرفته است. شروع نظم شاهنامه بدرستی معلوم نیست، ولی شواهد و قرائن حاکی از آن هستند که زمانی که فردوسی به نظم شاهنامه همت گمارد اوضاع خراسان آشفته و پریشان و زمانهٔ جنگ بود (حدود سال ۳۷۱ هـق).

فردوسی از امرای نزدیک، کسی را لایق آن نمی‌دانست که اثر عظیم و جاودان خود را به او تقدیم کند و همواره در پی بزرگی می‌گشت که سزاوار آن اثر بدیع باشد و سرانجام محمود غزنوی بزرگترین پادشاه عصر خود را شایسته این امر یافت. ظاهراً این امر در شصت و پنج یا شصت و شش سالگی شاعر یعنی زمانی که فقر و تهیدستی او به نهایت رسیده بود، اتفاق افتاد.

نخستین نسخه شاهنامه در سال ۳۸۴ هـق به پایان رسید که استاد شاعر سی‌سال برای به نظم‌درآوردن آن رنج و تعب فراوانی را متحمل شده بود.

فردوسی حدود سال ۳۹۴ یا ۳۹۵ هجری تصمیم گرفت که یک‌بار دیگر در شاهنامه تجدیدنظر کند و در موارد لازم مدح سلطان محمود غزنوی و اثرات آن را بیفزاید و اثر جاوید خود را به شاه غزنین تقدیم کند تا بدینوسیله هم از

فقر و تهیدستی رهایی یابد و هم شاهنامه خود را از دستبرد حوادث مصون نگاه دارد. این کار شش‌هفت سال به طول انجامید. هنگامی که فردوسی شاهنامه را به دربار محمود تقدیم کرد، حامی او فضل بن احمد اسفراینی از کار برکنار شده و مطرود دربار بود و فردوسی طرفداری در دربار محمود غزنوی نداشت و شاهنامه قبول نشد.

فردوسی که از طوس به غزنین رفته بود از توجه و محبت پادشاه غزنوی بهره نگرفت و با آنکه پادشاه غزنوی تعهد کرده بود که در برابر هربیت یک دینار به او بدهد به جای دینار، درهم داد و این کار باعث خشم و ناراحتی فردوسی شد. چنانکه بنا به روایات همهٔ درهمهای محمود را به حمّامی و سایرین بخشید.

از عوامل کدورت فردوسی و محمود می‌توان به اختلاف مذهبی میان فردوسی که مذهب تشیّع داشت و محمود که به تسنّن معتقد بود، همچنین اختلاف عقیده این دو بر سر مسائل نژادی و ملی اشاره کرد.

فردوسی ایرانی میهن‌پرستی بود و در شاهنامه نیز به حکم شرایط حماسه ملی ناگزیر همواره از دشمنان ایران مانند تازیان و ترکان، بد یاد کرده است.

خِسّت ذاتی سلطان محمود که فردوسی به آن اشاره کرده است مانع از آن شد که صِله واقعی و بزرگی که فردوسی توقع داشت به او بدهد.

فردوسی پس از بازگشت از مازندران به خراسان رفت و مدتی در موطن خود با خاطری افسرده و در پریشانی و تنگدستی به سر برد تا این که احمدبن حسن میمندی که دائماً در فکر شفاعت فردوسی نزد محمود بود، بالاخره در یکی از سفرهای هند، موفق به انجام این کار شد و سلطان را وادار کرد تا هنگام ورود به غزنین انعام و صلهٔ شاعر را به او بازگرداند، ولی دیگر دیر

شده بود، چون هنگامی که از دروازه رودبار طَبَران این صله و انعام را می‌آوردند، جنازه فردوسی را از دروازهٔ رزان بیرون می‌بردند.

نظامی عروضی می‌گوید: از فردوسی دختری مانده بود که بسیار بزرگوار و باکرامت بود، طوری که وقتی خواستند انعام سلطان محمود را به او بسپارند قبول نکرد و گفت به آن نیازی ندارم.

وفات فردوسی را در سال ۴۱۱ یا ۴۱۶ هجری ذکر کرده‌اند. مزار وی در طوس نزدیک مزار عباسیه قرار دارد.

فلوبر، گوستاو *Flaubert, Gustave*

نویسنده فرانسوی در سال ۱۸۲۱م. در شهر روان به دنیا آمد. پدرش جراحی ثروتمند از اهالی نورماندی بود. در سن هیجده‌سالگی به پاریس رفت و حقوق خواند. پس از مرگ پدر در سال ۱۸۴۵ با ثروت عظیمی که از او باقی مانده بود در کرواسه ویلایی خرید و تا آخر عمر در آنجا زندگی کرد و جز برای دیدن دوستانی چون تورگنیف به پاریس نمی‌رفت. فلوبر کتابهای زیادی ندارد، ولی همان چند اثرش جزو شاهکارهای ادبی دنیا هستند. هنگامی که مادام بواری منتشر شد، خیلی‌ها او را مستحق مجازات می‌دانستند و حتی مقامات رسمی هم مجازاتش کردند. در اوج دوران رومانتی‌سیسم، فلوبر به کار آفرینش آثار رئالیسم پرداخت. کتابهای مهم او عبارتند از: سالامبو، وسوسه سنت‌آنتوان، تربیت احساساتی.

کافکا، فرانتس Kafka, Franz

نویسنده بزرگ چکسلواکی در سال ۱۸۸۳م. در پراگ در خانواده‌ای یهودی به دنیا آمد. پدرش تاجر و بسیار سختگیر بود و کافکا از بچگی از او بشدّت می‌ترسید. در دانشگاه پراگ درس خواند و دکترای حقوق گرفت. ابتدا مدتی به کارهای حقوقی مشغول بود و بعد به پاریس رفت. هنوز دانشجو بود که مطالعهٔ آثار نویسندگان بزرگ را شروع کرد. با نویسنده آلمانی، ماکس‌برود که او هم یهودی بود، دوست نزدیک بود و این شخص بسیار سعی کرد تا کافکا را به زندگی خوش‌بین کند، اما فایده نداشت و رابطه دوستی آنها قطع شد. او هرگز ازدواج نکرد و سرانجام بیماری سل به سراغش آمد و در سال ۱۹۲۴ در آسایشگاهی در وین جان سپرد. او وصیت کرد که آثارش را بسوزانند تا در گمنامی بمیرد، ولی خوشبختانه کسی به وصیت او عمل نکرد. آثار مهم او عبارتند از: قصر، دیوار چین، گروه محکومین، مسخ، طبیب دهکده، امریکا، آشکار.

کامو، آلبر Camus, Albert

نویسنده فرانسوی در سال ۱۹۱۳م. در الجزایر به دنیا آمد و در همانجا هم بزرگ شد. او بعد از اتمام تحصیل در شمال افریقا کارهای مختلفی را انجام داد و سپس به روزنامه‌نگاری پرداخت و به فرانسه آمد و در آنجا به نوشتن داستان و نمایشنامه پرداخت و با نوشتن نمایشنامه‌هایی چون طاعون، افسانه سیزیف و بیگانه شهرت فراوان کسب کرد.

کامو در سال ۱۹۵۷ جایزه ادبی نوبل را دریافت کرد. او همچون ژان‌پل سارتر، پیرو فلسفه اگزیستانسیالیسم است. در سال ۱۹۶۰ در تصادف کشته شد. آثارش زیبا و همراه با تجزیه و تحلیل دقیق قهرمانان قصه‌های اوست.

کریستی، آگاتا *Christie, Agatha*

آگاتا مری کلاریسا میلر در سال ۱۸۹۰م. در دون‌شایر، منطقه‌ای که اکثر داستانهای وی در آن محل اتفاق می‌افتند، متولد شد.

در ده سالگی پدرش را از دست داد. در همین سالها بسیار به خواندن کتابهای جین استین، چارلز دیکنز، کونان دویل (خالق شخصیت شرلوک هولمز) علاقه داشت. در سال ۱۹۱۴ با کلنل آرشیبالد کریستی، یک اشرافزاده انگلیسی، ازدواج کرد. سال ۱۹۲۶ مادرش را از دست داد و درهمان سال از شوهرش جدا شد.

آگاتاکریستی در سال ۱۹۳۰ با سرماکس مالون زمین‌شناس و استاد دانشگاه آکسفورد ازدواج کرد. آگاتا کریستی در ازدواج اول خود، تجربه‌های زیادی را از محیط اشرافی انگلستان به دست آورد و در زندگی با همسر دومش که یک باستان‌شناس بود و آگاتا با وی سفرهای زیادی به مشرق زمین کرد، با رسوم و آداب زندگی مردم این مناطق آشنا شد. وی متأثر از دو عامل یادشده شروع به نگارش داستانهای جنایی کرد. درواقع کریستی دنباله‌رو کارهای پلیسی کونان دویل بود، ولی روش تازه‌تر و واقع‌بینانه‌تری در پیش گرفت.

وی نزدیک به شصت اثر از خود به جای گذاشت. قهرمانان اصلی او در این داستانها، پیرزنی انگلیسی به نام جین مارپل و یک کارآگاه بلژیکی به نام

هرکول پوآرو بودند. وی نمایشنامه‌نویس زبردست و توانایی نیز بود. نمایشنامه معروف او به نام تله‌موش از نمایشنامه‌های مشهور و معروف اوست که عنوان ملکه جنایت را نصیب وی ساخت.

آگاتا کریستی در ۴۴سالگی یکی از زیباترین داستانهای خود را با نام قتل در قطار سریع‌السیر شرق به چاپ رساند. وی علاوه بر آثار پلیسی خود آثار رمانتیک هم دارد که در بهاران از تودورم برگزیده این آثار است. وی برای آثار رمانتیک خود از نام مستعار مری وس‌مارکوت استفاده می‌کرد. او در سال ۱۹۷۶ درگذشت.

گوته، یوهان ولفگانگ فون

Goethe, Johann Wolfgang Von

یکی از نوابغ عالم ادبیات، در فرانکفورت آلمان و در ۲۸ اوت ۱۷۴۹م. به دنیا آمد. او در زمینه نقد، روزنامه‌نگاری، نقاشی، مدیریت تئاتر، سیاست، داستان‌نویسی، آموزش و پرورش، نمایشنامه‌نویسی، شعر، علوم و فلسفه طبیعی کار می‌کرد.

یکی از آخرین اروپائیانی بود که برای بسط و ایجاد رنسانس عظیم اروپا تلاشهای گرانبهایی کرد. دید وسیع و قدرت خلاقش او را درمیان همه نویسندگان آلمان ممتاز کرده است . گوته در لایپزیک و استراسبورگ درس حقوق خواند. او در زادگاه خود نزد معلمان خصوصی زبانهای لاتین، یونانی، ایتالیایی، انگلیسی، عبری و موسیقی و نقاشی را یاد گرفت و در رشته حقوق نیز درجه دکترا گرفت، ولی از آنجا که عاشق ادبیات بود در شهر وایمار اقامت کرد و در ادبیات به مقام استادی رسید. با شیللر شاعر آلمانی

دوست بود و دوستی آنها ده‌سال ادامه داشت. در این دوره ذوق ادبی گوته تا آخرین حد شکوفا شد.

ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۰۸ در شهر ارفورت به دیدنش رفت و به او نشان لژیون دونور داد. گوته علاوه بر رشته‌های ادبی، در علوم، فیزیک، پزشکی نیز تحقیق می‌کرد و کتابهای تغییر حال گیاهان و تئوری رنگها را در این زمینه نوشت. آثار مهم گوته عبارتند از: ورتر، فاوست، ایفی‌ژنی، اگمنت، سالهای ویلهلم ماستر، نامزدی کورنت، نغمه‌های رومی، هرمان و دوروته، دیوان شرقی و غربی. او به اشعار حافظ علاقه وافر داشت و در معرفی شاعر بلندمرتبه ایران به ادبیات آلمان و جهان خدمات بسزایی انجام داد. با آن که در رشته‌های مختلف کار کرده است به مکتب خاصی تعلق ندارد و خود نیز مکتبی را به وجود نیاورده است ولی روی ادبیات آلمان و اروپا تأثیر عمیقی برجای گذاشته است.

گوته در ۲۲مارس ۱۸۳۲ در وایمار دار فانی را وداع گفت.

گورکی، ماکسیم *Gorky, Maxim*

الکسی ماکسیمویچ پشکوف معروف به ماکسیم گورکی در سال ۱۸۶۸م. در یکی از شهرهای روسیه به نام نیژنی‌نی‌گرود متولد شد. پدر گورکی مبل‌ساز بود. در کودکی پدر و مادرش را از دست داد و در نتیجه پدربزرگ او که مردی خسیس و خشن بود، سرپرستیش را به عهده گرفت. او نه سال بیشتر نداشت که مجبور شد برای امرار معاش کار کند. سه سال در یک دکان کفاشی، پادویی کرد، ولی به علت فشار زیاد کار از دکان کفاشی فرار کرد. مدت ده سال انجام هرکاری را قبول و شغلهای شاگردآشپزی و

ظرف‌شویی را در کشتی بخار، باربری و نان‌فروشی را تجربه کرد تا این که به عنوان منشی وکیل دعاوی مشغول به کار شد. ماکسیم گورکی به سراسر روسیه مسافرت کرد، بنابراین از نزدیک با زندگی مردم آشنا شد. او همچنین با معنی فقر و دربه دری آشنایی کامل داشت و بعدها از این اندوخته‌ها در نوشته‌هایش بهره‌های فراوان برد. گورکی در سال ۱۸۹۲ در روزنامه تفلیس اولین داستانش را چاپ کرد. سه سال بعد در انتشار مجله ماهانه ثروت روسی با ولادیمیر کارولنکو که طرفدار اصلاحات بنیادی بود، شروع به همکاری کرد.

از ۱۸۹۸ شهرت و آوازه گورکی از مرزهای روسیه گذشت و در اروپا و امریکا پیچید. در ۱۹۰۲ نمایشنامه از اعماق او در تئاتر هنر مسکو و تئاترهای آلمان موفقیت چشمگیری پیدا کرد. وی در همین سال عضویت در حزب سوسیال دمکرات روسیه را پذیرفت. در انقلاب ۱۹۰۵، فعالیت سیاسی گسترده‌ای را شروع کرد، اما بعد از شکست انقلاب گرفتار و زندانی شد. با توقیف گورکی، تزار با اعتراض‌های گسترده‌ای در خارج از خاک روسیه مواجه و به همین دلیل مجبور به آزادکردن او شد. گورکی پس از آزادی از روسیه گریخت و تا سال ۱۹۱۳ در اروپا به فعالیتهای انقلابی خود ادامه داد.

بعد از عفو عمومی، به روسیه بازگشت و فعالیت سیاسی خود را دوباره شروع کرد. پس از تحولاتی که در سال ۱۹۱۷ در روسیه پیش آمد، گورکی خود را مدتها از سیاست کنار کشید، اما بعدها به لنین پیوست. او سعی می‌کرد همواره مدافع و حافظ فرهنگ و صلح باشد و در این راه به عنوان فردی غیرحزبی کمک شایانی به نویسندگان و دانشمندان در سالهای سخت انقلاب کرد. او یک مؤسسه ادبی تأسیس کرد که در آن نویسندگان و شاعران به ترجمه آثار کلاسیک دنیا می‌پرداختند.

گورکی در سال ۱۹۳۶ درگذشت.

مشـــهورترین آثـــار گـــورکی عـــبارتند از: مـــادر، کـــودکی، چـلکاش، دانشکده‌های من، دشمنان، آرتامانوفها، کلیم سامگین، شهر شیطان زرد و...

گوگول، نیکلای واسیلیویچ
Goegol, Nikolay Vasilyevich

نویسنده و نمایشنامه‌نویس روسی، در ۳۱ مارس ۱۸۰۹م. در اوکراین به دنیا آمد. داستان بلند او نـفوس مـرده و داسـتان کـوتاهش پـالتو را مـبنای رئالیسم قرن نوزدهم روسیه می‌دانند.

اولین تلاشهای گوگول جوان در زمینه شعر و نویسندگی با یأس روبه رو شد. ابتدا تصمیم گرفت به امریکا برود، ولی در آلمان که بود پولش تمام شـد. در سـنت‌پترزبورگ هشت قـصه را در دوجـلد (۳۲-۱۸۳۱) بـا عـنوان شامگاهان در مزرعه‌ای نزدیک دیکانکا چاپ کرد که شهرت زیادی برای او به همراه آورد.

بلینسکی، منتقد شهیر روسی معتقد بود که بخشهایی از کـتاب تـاراس بولبای گوگول از آثار شکسپیر هم قوی‌تر هستند. سایر آثار او عـبارتند از: انتقام مدحش، قزاقان، تاراس بولبا، آنا ویگلورسکا، شب قبل از میلاد مسیح، عروسی بازرس، شنل، یادداشتهای روزانه یک دیوانه.

در آخر عمر بطور داوطلبانه خود را به رم تبعید کرد و شاهکارش نفوس مرده را در آنجا نوشت (۱۸۴۲).

گوگول در ۴ مارس ۱۸۵۲ در مسکو درگذشت.

لندن، جک London, Jack

جان گریفیث لندن، در سال ۱۸۷۶م. در سانفرانسیسکو به دنیا آمد. جک لندن مشهورترین و موفقترین نویسنده دهه اول قرن بیستم امریکاست.

اکثر داستانهای لندن درباره روابط انسان و حیوان در آلاسکا و دریاهای جنوب است. او نیز همچون همینگوی، زندگی واقعیش به اندازه کتابهایش پرماجرا و هیجان‌انگیز است.

لندن در فقر و در آلونکهای اوکلند و مزارع فقیرنشین اطراف آن بزرگ شد. در نوجوانی سردستهٔ نوجوانان شرور منطقه خود بود. بعدها ماجراهای آن روزها را در کتابهایش بازسازی کرد. در هفده‌سالگی از خانه گریخت و با کشتی به پاسیفیک شمالی رفت و حتی مدتی را نیز در زندان گذراند. جک لندن پس از خلاصی از زندان تصمیم گرفت زندگیش را تغییر دهد، به همین دلیل به دبیرستان رفت و همزمان در کتابخانه عمومی شهر اوکلند مشغول کار شد. تلاشهای بی‌وقفه او را برای نویسنده‌شدن مارتین ادن در کتاب شرح‌حال او در سال ۱۹۰۹ نوشته است. او برای به دست‌آوردن طلا به آلاسکا رفت، ولی تلاشهای او برای دستیابی به معادن طلا به نتیجه‌ای نرسید، هرچند بعدها بهترین دستمایه برای داستانهای او از جمله پسر گرگ (۱۹۰۰) و بچه‌های جنگل (۱۹۰۲) شد.

از آثار ارزشمند او می‌توان به آوای وحش (۱۹۰۳)، سپیددندان (۱۹۰۶)، گرگ دریا (۱۹۰۴) که از جمله بهترین آثار کلاسیک امریکا هستند، اشاره کرد.

لندن در اواخر عمر بسختی بیمار شد. او در سال ۱۹۰۹ در کالیفرنیا مسکن گزید. لندن از نظر فلسفی به یک اجتماع بی‌طبقه و نیز ضرورت بقا در

هر شرایطی اعتقاد داشت. آثار لندن نشانه احترام بی‌حد و خارق‌العاده او به فردیت انسانهاست. وی در کتاب پاشنه آهنین (۱۹۰۸) درباره ظهور فاشیسم در جامعه صنعتی سخن می‌گوید و همین امر باعث محبوبیت او در روسیه شد.

جک لندن در سال ۱۹۱۶ چشم از جهان فرو بست.

مارکز، گابریل گارسیا
Marquez, Gabriel Garcia

نویسنده شهیر امریکای لاتین، متولد ۱۹۲۸م. در آراکاتاکا از شهرهای کوچک کلمبیا، این شهر درکنار باغ موزی قرار داشت که گارسیا ایام کودکیش را در آن به سیاحت می‌پرداخت. ماکوندو، نام محله‌ای که مارکز در آن زندگی کرده بود، بارها در کتابهای او از جمله صدسال تنهایی تکرار شد. مارکز نگارش این قصه را در هیجده‌سالگی شروع کرد، ولی به علت بی‌تجربگی ادامه‌اش نداد و به جای آن کتاب توفان برگ را نوشت. کتاب صدسال تنهایی در سال ۱۹۶۷ به عنوان پنجمین کتاب مارکز در بوئنوس‌آیرس چاپ شد و به قول ماریو بارگاس یوسا در ادبیات امریکای لاتین زلزله‌ای روی داد و ناگهان مارکز شهرتی عالمگیر پیدا کرد. فرهنگستان فرانسه، ترجمه این کتاب را در سال ۱۹۶۹ به عنوان بهترین کتاب خارجی برگزید. مارکز شهرت خود را مدیون دوستانش است، زیرا زمانی که در سال ۱۹۵۴ خبرنگار روزنامه ال‌اسپکتادور بود و به ایتالیا سفر کرد، آنها دستنویس کتاب توفان برگ را چاپ کردند. در سال ۱۹۵۷، پس از آنکه رژیم دیکتاتوری روخاس‌پیینا روزنامه را تعطیل کرد، داستان کسی به سرهنگ

نامه نمی‌نویسد را نوشت و آن را مخفی کرد، سپس به کلمبیا برگشت و با نامزدش، مرسدس، ازدواج کرد. آن گاه چندسالی را در ونزوئلا به کار روزنامه‌نگاری پرداخت و کتاب تشییع جنازه مادربزرگ را نوشت. بعد نماینده خبرگزاری کوبایی پرنسالاتینا شد و از کاراکاس به نیویورک رفت، اما بعد از چندماه از این کار استعفا داد. چندسالی ایالات متحده امریکا را گشت و در سال ۱۹۶۱ در مکزیکو اقامت کرد. در سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ کتاب روزگار فلاکت را در مکزیکو نوشت که برنده جایزه ادبی کلمبیا شد.

مان، توماس *Mann, Thomas*

نویسنده آلمانی در ۶ ژوئن ۱۸۷۵م. در شهر لوبک، بندری در شمال آلمان، و شهری قدیمی و تاریخی به دنیا آمد. پدرش تاجر گندم بود و بعدها سناتور شهر آزاد لوبک شد.

تا سن نوزده‌سالگی در لوبک درس خواند و در سال ۱۸۹۴ دبیرستان را تمام کرد. سپس در یک شرکت بیمه به کار پرداخت و در اوقات فراغت، نخستین اثر ادبی خود به نام افتاده‌ها را نوشت. در سال ۱۸۹۷ مدتی همراه برادرش هاینریش به رم رفت و در همان سال کتاب بودنبروکها را نوشت. پس از آن کتابهای تریستان، گرسنگان، تونیوکروگر، ساعت دشوار، در آینه، اعلیحضرت، فونتان پیر، شامیو، مرگ در ونیز را نوشت. کتاب کوه جادو در سال ۱۹۱۲ نوشته شد و چنان شهرتی برای مان به همراه آورد که در سال ۱۹۲۹ برنده جایزه نوبل شد. او از سال ۱۹۵۳ در قریه ارلنباخ در نزدیکی شهر زوریخ در کشور سوئیس اقامت کرد و تا آخر عمر در آنجا ماند.

آثار مهم دیگر او عبارتند از: گوته و تولستوی، تلاشها، گوته نماینده

بورژوازی، ماریو وجادوگر، خلاصه زندگی، یوسف جوان، یوسف در مصر، شوپنهاور.

مترلینک، موریس
Meterlinck, Maurice

نمایشنامه‌نویس و شاعر معروف سمبولیست بلژیکی که آثارش را به زبان فرانسه می‌نوشت.

نام اصلی او پولیدور ماری برنارد است و در ۲۹ اوت ۱۸۶۲م. در گان به دنیا آمد. در دهه‌های ۱۸۹۰ شهرت عالمگیری یافت و در سال ۱۹۱۱ برنده جایزه نوبل ادبیات شد. اولین اثر مهم او شکوفه‌های گرمخانه در سال ۱۸۹۹ منتشر شد. این اثر مجموعه‌ای از اشعار سمبولیستی اوست.

مترلینک مهمترین آثارش را برای تئاتر نوشت. بتدریج از سمبولیسم نمایشنامه‌های انگلیسی بخصوص آثار شکسپیر و جاکوبینز تأثیر گرفت. او در رشته حقوق تحصیل کرد و وکیل دادگستری شد، ولی محیط خشک قانون، روح بزرگ او را سیراب نکرد. در سال ۱۹۰۷ شاهکار خود پرنده آبی را نوشت که به ۶۵ زبان دنیا ترجمه شد.

او مسیحیت را نپذیرفت و بیشتر نگران سؤالاتی از قبیل ابدی‌بودن روح بود.

آثار مهم او عبارتند از: شاهزاده خانم مالن، پلئاس و ملیزاند، گنجینه مردم ساده، عقل و سرنوشت، زنبوران عسل، موریانه‌ها، مورچگان.

او به عضویت فرهنگستان فرانسه پذیرفته شد. در کتابهایش سعی داشت نشان دهد که بشر می‌تواند به بالاترین مقامهای انسانی ارتقا یابد. در

۲۰سال آخر عمرش اثر باارزشی نیافرید. سرانجام در ۶ مه ۱۹۴۹ در نیس درگذشت.

ملویل، هرمان *Herman, Melville*

نویسنده امریکایی، در روز اول اوت ۱۸۱۹م. در نیویورک به دنیا آمد. پدرش مردی بازرگان بود. هرمان تنها دوازده‌سال داشت که پدرش ورشکست شد و پس از لطمات روحی و جسمی فراوانی که بر او وارد شد، درگذشت. هرمان از همان زمان برای ادامه زندگی و تأمین معاش خود در یک بانک شروع به کار کرد، سپس پادویی کابین کشتی را در سفری به لیورپول به عهده گرفت و درعین حال به تحصیلاتش ادامه داد. بعد از مدتی معلم یک مدرسه ابتدایی شد. در ژانویه ۱۸۴۱ با کشتی وال‌گیری آکوش عازم اقیانوس آرام شد. یک سال بعد در جزایر مارکیز این کشتی را ترک کرد و به تاهیتی و هونولولو رفت. سپس در مقام ملوان ساده با یک کشتی ایالات متحده به بوستون بازگشت و در اکتبر ۱۸۴۴ از دریانوردی کناره گرفت. وی از همین ماجراها کتابهایی نوشت که برایش شهرتی یکشبه به ارمغان آوردند.

در سال ۱۸۵۰ ازدواج کرد و به ملکی که نزدیک پینزفیلد ماساچوست خریده بود، نقل مکان کرد. در این سالها روی شاهکارش موبی‌دیک کار می‌کرد. وی بیشتر داستانهایش را در همین مکان نوشت.

هرمان ملویل در ژانویه ۱۸۷۵، پس از دیدار از ارض مقدس، از نثر روان رویگردان شد و تنها اشعارش را در مجلات کوچک و خصوصی منتشر می‌کرد. در ۱۸۶۳ طی جنگهای داخلی، به نیویورک بازگشت و در فاصله سالهای ۱۸۸۶ـ۱۸۸۵ معاون بازرس گمرک شد. وی در ۲۸ سپتامبر ۱۸۹۱ در

نیویورک درگذشت. دستنویس آخرین اثر او بیلی‌باد ملوان ناتمام باقی مانده بود و بیوه‌اش، آن را بسته‌بندی کرد و در جای امنی نگاه داشت. این اثر تا سال ۱۹۲۴ کشف و منتشر نشد.

موام، سامرست *Muame, Summerset*

نویسنده انگلیسی در ۲۵ ژانویه ۱۸۷۴م. در پاریس به دنیا آمد. در سال ۱۸۹۸ عضو کالج فیزیکدانهای انگلیس شد. اولین اثر او لیدی فردریک در پاریس چاپ شد. قبل از جنگ جهانی اول، سالها دور دنیا سیاحت می‌کرد. در دوره جنگ عضو صلیب سرخ جهانی و سپس عضو اداره امنیت انگلستان شد و کتاب آقای آشندن مأمور مخفی را نوشت. در سال ۱۹۱۶ کتاب اسارت بشری را منتشر کرد که برای او شهرت فراوان به همراه آورد. در سال ۱۹۲۸ مسلول شد. در آغاز جنگ جهانی دوم نماینده وزارت اطلاعات انگلیس در پاریس بود. نمایشنامه‌های فراوانی نیز نوشته است.

آثار مهم او عبارتند از: ماه و شش پشیز، تسخیرناپذیر، خانه ییلاقی، وفای زن، گذرگاه خطرناک، لبه تیغ.

موپاسان، گی‌دو *Moupassant, Guy De*

هنری رنه آلبرگی دوموپاسان در ۵ اوت ۱۸۵۰م. در نورماندی متولد شد ودر همین شهر تحصیل کرد. موپاسان یکی از نویسندگان بزرگ فرانسه است که می‌توان او را یکی از پیشکسوتهای بزرگ داستان کوتاه دانست. وی در مکتب گوستاو فلوبر درس مشاهده، سبک نگارش روشن و ساده و کوتاه

را آموخت. او همچون استادش فلوبر، نویسنده‌ای رئالیست بود.

پاسان در اوایل زندگی، فعالیت ادبی نداشت. وقتی خدمت نظام را تمام کرد، در نیروی دریایی منشی شد. از دوستانش می‌توان به امیل زولا، آلفونس دوده و ایوان تورگنیف اشاره کرد.

در داستانهایش تمام طبقات اجتماع را مجسم می‌ساخت و تجربیات و مشاهدات خود را درباره آنان بیان می‌کرد. هرگز به تجزیه و تحلیل زندگی‌ها نمی‌پرداخت بلکه مانند نقاشی توانا و عکاسی چیره دست زندگی را همان‌گونه که هست در داستانهایش نشان می‌داد.

تپلی از بهترین داستانهای کوتاه موپاسان است که در سال ۱۸۸۰ نوشته شد. وی این داستان را در مجموعه داستانی که امیل زولا و دوستانش در سال ۱۸۸۰ انتشار دادند، نوشت. همین داستان معروفیت زیادی برای او به ارمغان آورد.

در طی سالهای ۱۸۹۰-۱۸۸۰ موپاسان، سیصد داستان کوتاه و چندین نمایشنامه نوشت. در سال ۱۸۹۰ کار زیاد و هرزگی‌های فراوان او را فلج و دیوانه کرد. سه سال در بیمارستان روانی بستری بود تا این که در ۶ جولای ۱۸۹۳ درگذشت.

مولوی

جلال‌الدین محمد بلخی در ششم ربیع‌الاول ۶۰۴هـ‌ق در بلخ به دنیا آمد. پدرش محمدبن حسین الخطیبی البکری ملقب به بهاءالدین از مشایخ زمان خویش بود. وی پس از آن که سلطان محمد خوارزمشاه به او بدگمان شد، جلای وطن کرد. ابتدا به نیشابور و سپس به بغداد و از آنجا برای زیارت خانه

خدا عازم مکّه شد. آن گاه به شهر ملاطیه رفت. پسرش جلال‌الدین هم در این سفرها همراه او بود و پدر، تعلیم او را برعهده داشت.

در این ایام سلطان علاءالدین کیقباد از آنها دعوت کرد تا به قونیه بروند. بهاءالدین در آنجا درگذشت و جلال‌الدین به خدمت یکی از شاگردان پدرش به نام برهان‌الدین ترمذی درآمد و به تحصیل عرفان پرداخت. برهان‌الدین، مولوی را برای تکمیل تحصیلات به حلب و دمشق فرستاد.

مولوی در سال ۶۴۲ با عارفی به نام شمس‌تبریزی آشنا شد و شمس چنان تأثیر عمیقی بر روح او گذاشت که مولوی مسند تدریس را رها کرد و به دنبال شمس در اطراف و اکناف عالم به سیر و سفر پرداخت. این امر نارضایتی مردم قونیه و شاگردان مولوی را برانگیخت و شمس به خاطر فشار مریدان مولوی به دمشق رفت. مولوی در فراق او مضطرب و آشفته شد و سرانجام پسر خود را همراه گروهی به دمشق فرستاد تا شمس را بیابند و او را بازگردانند. شمس به قونیه بازگشت تا این که در سال ۶۴۵ قونیه را برای همیشه ترک کرد. مولوی در فراق شمس، غزلیاتی سرود که با نام دیوان شمس گردآوری شده‌اند. ارتباط مولوی با دوتن از مریدانش به نامهای حسام‌الدین چلبی و صلاح‌الدین زرکوب، باعث شد که بتواند این فراق را تحمل کند و با تشویق چلبی به مثنوی پرداخت. مولوی در سال ۶۷۲ در قونیه درگذشت.

از آثار او می‌توان به: مثنوی معنوی، دیوان شمس تبریزی، مجالس سبعه، فیه مافیه، و رباعیات و مکتوبات مولانا اشاره کرد.

میچل، مارگارت Mitchel, Margaret

نویسنده کتاب مشهور بربادرفته، در تاریخ ۱۶ اوت ۱۹۰۰م. درآتلانتای امریکا به دنیا آمد. در مدرسه دینی آتلانتا و سپس در کالج اسمیت نورثامپتون ایالت ماساچوست درس خواند. از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۶ برای نشریه آتلانتا مطلب می‌نوشت، ولی جراحت مچ پا باعث شد که از کارش استعفا بدهد و خانه‌نشین شود.

در این زمان بود که شروع به نوشتن تنها کتابش، بربادرفته کرد. این کتاب درباره جنگهای داخلی امریکا و لغو بردگی از دید یک جنوبی نوشته شده است. مدت ده‌سال روی این کتاب کار کرد و آن را در ژوئن ۱۹۳۶ به چاپ رساند. درسال ۱۹۳۷ جایزه پولیتزر را دریافت کرد. این اثر به مبلغ پنجاه‌هزار دلار به صنعت سینما فروخته شد و فیلم بربادرفته در سال ۱۹۴۰ جایزه اسکار را ربود.

کتاب بربادرفته تا آن زمان در تاریخ ادبیات امریکا پرفروش‌ترین کتاب بود. در ظرف شش‌ماه اول انتشار، فروش آن در ظرف یک روز از مرز پنجاه هزار نسخه در امریکا گذشت و قبل از فوت نویسنده در بیش از ۴۰ کشور جهان، بیش از هشت‌میلیون نسخه از این کتاب به فروش رفت. فیلم سینمایی بربادرفته برای دودهه، بیشترین سود را به دست آورد.

مارگارت میچل در سال ۱۹۴۹ در تصادف با کالسکه کشته شد.

ناصرخسرو

حکیم ابومعین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی ملقب به حجت در سال ۳۹۴ هـ‌ق در قبادیان از نواحی بلخ متولد شد. وی از شاعران بسیار توانا و بزرگ ایران و از گویندگان طراز اول زبان فارسی است.

لقب وی که به صورت حجت و حجت زمین خراسان آمده، درجهٔ مذهبی او در بین اسمعیلیان بوده است که از جانب خلیفهٔ فاطمی به وی تفویض شده بود.

ناصرخسرو از خانواده ثروتمند و محتشمی بود و از کودکی به کسب علوم و آداب پرداخت و در جوانی به دربار سلاطین و امرا راه یافت و به مراتب عالی رسید.

از جمله سلاطینی که ناصرخسرو به دربار آنها راه یافت می‌توان از سلطان محمود غزنوی و پسرش مسعود نام برد.

وی پیش از بیست و هفت سالگی در دستگاههای دولتی راه جست و تا چهل و سه سالگی که به سفر حج مشرف شد، به مراتب عالی از قبیل دبیری رسید و در اعمال و اموال سلطانی تصرف داشت و به کارهای دیوانی مشغول بود و عناوینی چون ادیب و دبیر فاضل گرفت و شاه وی را خواجه خطیر خطاب می‌کرد.

ناصرخسرو بعد از تصرف بلخ به دست سلاجقه در سال ۴۳۲ هجری به مرو رفت و در آنجا مقامات دیوانی را حفظ کرد.

وی بعد از آن که مدتی از عمر خود را در عین کسب انواع فضایل، در خدمت امرا در لهو و لعب و کسب مال و جاه گذراند، اندک اندک دچار تغییر

حال شد و در اندیشه درک حقایق افتاد وبا علمای زمان خود که غالباً اهل ظاهر بوده‌اند به بحث پرداخت، ولی نتوانست زیر بار تعبّد و تقلید برود و جواب سؤالات خود را از مدعیان علم و حقیقت نمی‌یافت به همین دلیل همواره خاطری مضطرب و اندیشه‌ای مشوّش داشت و شاید به همین جهت و در ادامه تحقیقات خود به ترکستان و سند و هند سفر و با علمای ادیان مختلف معاشرت کرد و با آنها به بحث پرداخت.

این سرگردانی و نابسامانی احوال در سال ۴۳۷ هجری به کمک خوابی که ناصرخسرو دیده بود، پایان یافت.

وی مدت یک ماه بود که به میگساری مشغول بود، شبی در خواب دید که کسی به او گفت: تا چه زمانی می‌خواهی به خوردن شراب که سبب زایل شدن عقل و خرد مردم است ادامه دهی؟ اگر بهوش باشی بهتر است! ناصر خسرو در خواب گفت: حکما به جز شراب چیزی نساخته‌اند که اندوه و درد دنیا را کم کند. آن کس گفت: در بیخودی و بیهوشی، راحتی نباشد. به کسی که مردم را به بیهوشی و بی‌خبری هدایت کند نمی‌توان حکیم گفت. ناصر خسرو پرسیده بود: پس من این را از کجا بیابم؟ و آن شخص پاسخ داده بود: جوینده یابنده باشد. و سپس به قبله اشاره کرده و دیگر سخنی نگفته بود.

ناصرخسرو پس از بیداری از خواب، سعی کرد از خواب چهل‌ساله نیز بیدار شود و همه اعمال و رفتار خود را متحول سازد.

پس از نماز و نیایش از خداوند باری‌تعالی عاجزانه درخواست کرد که او را به راه راست ارشاد کند. به فرمان همان کس که در خواب اشاره به قبله کرده و حقیقت را در آن سوی نشان داده بود، همراه با برادرش ابوسعید عازم سفر حج شد. این مسافرت هفت سال طول کشید و در طی آن ناصرخسرو چهاربار حج کرد و به ایران و ارمنستان و حلب و طرابلس و

شام و سوریه و فلسطین و جزیرةالعرب و مصر و سودان سفر کرد.

در مصر سه سال به سر برد و به مذهب اسمعیلی گروید و به خدمت خلیفهٔ فاطمی المستنصر بالله رسید و بعد از طی مراحل و مدارج مرتبه حجت یافت و از طرف امام فاطمیان به ریاست باطنیهٔ خراسان انتخاب و مأمور نشر مذهب اسماعیلی شد.

وی پس از مراجعت به موطن خود بلخ شروع به نشر دعوت باطنیان کرد و به مباحثه با علمای اهل سنت پرداخت و کم‌کم دشمنان و مخالفان وی زیاد شدند و حتی قصد جان او را کردند. ناصرخسرو که متهم به بددینی و کفر شده بود ناگزیر ترک وطن کرد و به نیشابور و مازندران و عاقبت به یمکان پناه برد.

اختلاف سختی که میان ناصرخسرو و علمای سنّی خراسان رخ داد در آثار او اثر کرد و غالب قصاید او مبارزات سختی است که با همین مردم متعصب و سبک مغز داشته است. توقف متمادی ناصرخسرو در یمکان مایه تقویت و تأیید و نشر مذهب اسمعیلی در ناحیهٔ وسیعی از بدخشان و بخارا گردید.

ناصرخسرو قرآن را حفظ بود و بر تمام علوم متداول زمان خود از معقول و منقول و علی‌الخصوص حکمت یونان تسلط داشت و علم کلام و حکمت را نیک می‌دانست. درباره ملل مختلف تحقیقات عمیق و اطلاعات کثیر داشت و علاقه به کتاب و دانش در او بحدّی بود که در سفرهای متعدد همواره کتابهایش را همراه خود داشت و حتی در سخت‌ترین احوالی که در مراجعت از عربستان به ایران داشت آن کتابها را بر شتر حمل کرد و خود با برادرش پیاده طی طریق می‌کردند.

ناصرخسرو بی‌تردید یکی از شاعران بسیار توانا و سخن‌آور فارسی

است. وی طبعی نیرومند و سخنی استوار و قوی و اسلوبی نادر و خاص خود دارد.

خاصیت عمده شعر ناصر خسرو وجود مواعظ و حکمت بسیار در آن است.

ناصرخسرو در سال ۴۸۱ هـق در یمکان وفات کرد.

آثار مهم او عبارتند از: سفرنامه، وجه دین، خوان اخوان، روشنایی‌نامه، سعادت‌نامه، دیوان اشعار (شامل سی‌هزار بیت).

نظامی گنجوی

حکیم جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید نظامی گنجوی شاعر معروف ایرانی در قرن ششم هـق در سال ۵۳۰ هجری در گنجه دیده به جهان گشود. مادر وی از نژاد کرد بود.

نظامی را بی‌شک باید در شمار ارکان شعر فارسی و از استادان مسلم این زبان دانست. اگرچه داستان‌سرایی در زبان فارسی به وسیلهٔ نظامی شروع نشده است، لیکن تنها شاعری که تا پایان قرن ششم هجری توانست شعر تمثیلی را در زبان فارسی بحدّ اعلای تکامل برساند، نظامی است.

وی در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب و ایجاد ترکیبات خاص تازه و ابداع و اختراع معانی و مضامین نو و دلپسند و توصیف طبیعت و اشخاص و احوال آنها در شمار کسانی است که بعد از خود نظیری نیافته است.

مهارتی که نظامی در تنظیم و ترتیب منظومه‌های خود به‌کار برده است باعث شد که بزودی شاعران از آثار او تقلید کنند. تعداد کسانی که آثار او را تقلید کرده‌اند بسیار است. نخستین و بزرگترین شاعری که به تقلید نظامی در

نظم پنج گنج همت گماشت، امیر خسرو دهلوی است و از دیگر مقلدان بزرگ وی می‌توان به خواجوی کرمانی، جامی، هاتفی، وحشی بافقی و آذربیگدلی اشاره کرد.

نظامی علاوه بر پنج گنج دیوان قصاید و غزلیاتی هم دارد.

نظامی قصاید متعددی دارد که به پیروی از سنایی در وعظ و حکمت سروده است. نظامی چنانکه از اشعارش برمی‌آید، در آغاز جوانی به تحصیل ادب و تاریخ همت گماشت و بیشتر عمر خود را در گنجه گذرانید و کمتر از موطن خود دوری گزید، مگر سفر کوتاهی که به دعوت قزل ارسلان به یکی از شهرهای نزدیک گنجه کرد و در مجلس قزل ارسلان با نهایت عزت و احترام پذیرفته شد.

وی با اصول عرفان آشنا بود و عملاً نیز به زهد و تصوّف می‌پرداخت و پادشاهان نیز رعایت مقام او را می‌کردند و در حضور وی از می و مطرب پرهیز می‌کردند.

نظامی از شاعران معاصر خود تنها با خاقانی ارتباط داشت و بعد از فوت آن استاد در مرثیه او گفت:

همی گفتم که خاقانی دریغاگوی من باشد

دریغا من شدم آخر دریغاگوی خاقانی

نظامی غیر از دیوانی که دولتشاه عدد ابیات آن را، بیست‌هزار بیت نوشته و اکنون مقداری از آن در دست است، پنج مثنوی مشهور به نام پنج گنج دارد که آنها را خمسهٔ نظامی می‌گویند.

مثنوی اول از پنج گنج مخزن‌الاسرار است که مشتمل بر حدود ۲۲۶۰ بیت است و شاعر آن را به نام فخرالدین بهرامشاه بن داوود، پادشاه ارزنگان نامیده است.فخرالدین بهرامشاه نیز در برابر این تحفه پنج هزار دینار و پنج

سر استر رهوار به نظامی جایزه داد.

مثنوی دوم منظومه خسروشیرین است که در ۶۵۰۰ بیت سروده شده است.

مثنوی سوم منظومهٔ لیلی و مجنون است که در ۴۷۰۰ بیت سروده شده است.

مثنوی چهارم بهرامنامه یا هفت پیکر یا هفت گنبد است که در ۵۱۳۶ بیت ساخته شده است.

پنجمین مثنوی از پنج گنج اسکندرنامه است. این کتاب مجموعاً در ۱۰۵۰۰ بیت سروده شده و شامل دوقسمت است که نظامی قسمت نخستین را، شرفنامه و دومین را اقبالنامه نامیده است.

نظامی گنجوی در سال ۵۹۱ هـق وفات یافت.

مدفن وی در گنجه تااواسط عهد قاجاری باقی بود، بعد از آن رو به ویرانی نهاد تا بازبه وسیله دولت محلی آذربایجان شوروی سابق مرمت شد.

وبستر، جین *Webster, Jane*

آلیس جین چندلر وبستر در ۲۴ ژوئیه ۱۸۷۶م. در نیویورک متولد شد. مادر او خواهر مارک تواین نویسنده مشهور امریکایی بود. وی تحصیلاتش را در مدارس لیدی جین‌گری و بینگهابتون آغاز کرد و از کالج واسار فارغ‌التحصیل شد.

از همان دوره تحصیل نسبت به نابرابریهای اجتماعی حساس بود و همین حساسیت، وی را به سوی نویسندگی سوق داد. او چندین سال دور دنیا مسافرت کرد و مدتی هم در ایتالیا به سر برد، سپس به نیویورک بازگشت و

درسال ۱۹۱۵ بایکی‌ازوکلای‌دادگستری به‌نام‌گلن‌فورد مک‌کینی‌ازدواج کرد.
عشق او به محرومان و مسائلی که باعث آزار جسمی و روحی این قشر می‌شدند، انگیزه‌ای قوی برای نویسندگی بود، با این وجود نوشته‌های وی نظر موافق ناشران را برای چاپ جلب نکرد و بدینسان در طول ماهها و سالها می‌نوشت و درست در زمانی که نومیدی به سراغش آمد، اولین کتابش منتشر شد.این پیروزی‌باعث شد تااوباخلق‌آثاری چون بابا لنگ‌دراز و دشمن عزیز (۱۹۱۳)، نام خود را در صحنه ادبیات امریکا و جهان جاودانی سازد.
جین وبستر در نوشته‌های خود از بی‌عدالتیهای اجتماعی سخن می‌گفت. وی برای بشریت ارزشی خاص قائل بود و بچه‌ها را بسیار دوست می‌داشت. تمام افکار وی همراه با ترسها و امیدهایش به آینده در آثارش آشکار است. از دیگر آثار او می‌توان به: وقتی‌که پتی به دانشگاه رفت (۱۹۰۳)، شاهزاده خانم ویت (۱۹۰۵)، جری جوان (۱۹۰۷)، راز چهار استخر (۱۹۰۸)، هیاهوی بسیار درباره پیتر (۱۹۰۹)، فقط پتی (۱۹۱۱)، و پتی و پریسیلا، اشاره کرد.
جین وبستر در سال ۱۹۱۶ در نیویورک دیده از جهان فروبست.

ورن، ژول *Verne, Jules*

ژول ورن در ۸ فوریه ۱۸۲۸م. در جزیره ریدو از توابع شهر نانت فرانسه متولد شد. پدرش وکیل برجسته‌ای بود و آرزو داشت فرزندش نیز همین شغل را پیشه خود سازد، اما ژول ورن از همان کودکی علاقه عجیبی به دریانوردی داشت. ژول ورن در ۱۲سالگی بدون این که پدر و مادرش را در جریان تصمیمی که گرفته بود قرار دهد، به عنوان کارگر در کشتی‌ای که عازم هندوستان بود ثبت نام کرد، اما قبل از حرکت کشتی، پدرش از این

واقعه باخبر شد و با زحمت بسیار او را از کشتی پیاده کرد.

پس از مدتی ژول ورن برای تحصیل رشته حقوق به پاریس رفت، لیکن او که علاقه عجیبی به ادبیات داشت تصمیم گرفت از راه نویسندگی امرار معاش کند. تلاشهای اولیه او با شکست روبه‌رو شدند و تنها با مقرری‌ای که پدر برایش می‌فرستاد روزگار می‌گذرانید. با این حال هیچگونه یأس و ناامیدی را به خود راه نداد و با پشتکار و جدیت عجیبی به راه خود ادامه داد.

ژول‌ورن طبعی‌بذله‌گوداشت.او همواره می‌کوشید ناراحتیها و مشکلات را با خنده وشوخی ازسربگذراند، به‌همین‌سبب نیز همراه با ده‌نفر ازدوستان و همفکرانش باشگاهی به نام باشگاه یازده مرد مجرد تأسیس کردند.

پس از مدتی، در تئاتر لیریک پاریس با ماهی صد فرانک استخدام شد و همین درآمد اندک به زندگی او سر و سامانی بخشید. او اوقات فراغتش را صرف خواندن کتاب و گوش‌دادن به صحبتهای ملوانانی که سالهای دراز روی دریا به دریانوردی مشغول بودند، می‌کرد. ژول ورن با بیوه‌زنی که فرزندی نیز داشت ازدواج کرد و همین امر باعث شد که به خاطر تأمین زندگی مجبور به انجام کارهایی شود که با ذوق او تناقض داشتند، با این حال هنوز هم لحظه‌ای از هدفش، یعنی نویسندگی، غفلت نمی‌کرد تا این که با اصرار یکی از دوستانش، پنج هفته در بالن را نوشت، ولی هیچ ناشری حاضر به چاپ این کتاب نشد. در پاییز ۱۸۶۲ این کتاب به مؤسسه مطبوعاتی هتزل پاریس فرستاده شد. هتزل صاحب مؤسسه به ژول‌ورن قول داد که کتابش را بخواند و تا دوهفته دیگر نظرش را به او بگوید. ژول‌ورن تصمیم گرفت اگر جواب هتزل هم منفی شد اوراق کتاب را بسوزاند، ولی در ملاقات مجدد، هتزل با گشاده‌رویی از او استقبال کرد و به این ترتیب با پیشنهاد هتزل، همکاری ژول‌ورن با او شروع شد. وی به ترتیب شروع کتابهای : ماجراهای

ناخداترس، مسافرت به مرکز زمین، از زمین تا ماه، بازگشت از ماه، فرزندان کاپیتان‌گرانت، و بیست هزار فرسنگ زیر دریا را نوشت. هرکدام از این کتابها حاوی فرضیه‌هایی علمی بودند و موجب سر و صداهای بیش از حدی شدند و همین امر باعث شد که جایزه آکادمی فرانسه به او تعلق گیرد.

موفقیتهای ژول‌ورن باعث شدند که به کتاب نائوتیلوس که قبل از جنگ ۱۸۷۰ چاپ شده بود و استقبالی از آن نشده بود، توجه شود و تمام نسخه‌های موجود در انبار به فروش برسد. رمان جزیره اسرارآمیز با موفقیت روبه رو شد. دور دنیا در هشتادروز که قبلاً به صورت پاورقی در روزنامه «تان» منتشر می‌شد، به صورت کتاب درآمد و از روی کتاب نمایشنامه‌ای تهیه شد که مدت ۲سال در صحنه تئاتر سن‌مارتن اجرا شد.

ژول‌ورن در اوج شهرت کتاب میشل استروگف را نوشت که عامه مردم بخصوص دختران جوان آن را بسیار پسندیدند. همچنین چندشرکت کشتیرانی به ژول‌ورن پیشنهاد کردند که در ازای مبلغ قابل توجهی اجازه دهد اسم کشتی ناتیلوس را که در کتابهایش به آن اشاره شده بود، روی کشتی خود بگذارند که ژول ورن هیچ‌کدام از این پیشنهادها را نپذیرفت.

با این که ژول ورن اتومبیل و هواپیما را اختراع نکرد، ولی ساخت این ماشینها را در کتابهایش مطرح ساخت. مثلاً در کتاب خانه بخار، به ساخت اتومبیل، در ربور فاتح به ساخت هواپیما و در رمان بیست‌هزار فرسنگ زیر دریا به ساخت زیردریایی و اختراع برق اشاره کرده است.

در ۱۸۸۴ ژول‌ورن با کشتی تفریحی خود سفری در مدیترانه کرد. حاصل این سفر رمان ماتیاس ساندروف بود. در سال ۱۸۸۶ براثر شلیک تیری به پایش مدتها در بیمارستان بستری شد. این ضربه اثر بدی در روح او به جا گذاشت و او را به انزوا کشاند. چشمهایش آب آوردند و گوشهایش در

این مدت سنگین شدند با این وصف هر سال کتاب تازه‌ای می‌نوشت. کتابهای برابر پرچم، ابوالهول یخ‌ها، مردی‌دیوانه، پایان‌دنیا، درامی در شهر لونی و مدرسه رابینسونها رادر همین ایام نوشت. کتاب پاریس در همین اواخر کشف و چاپ شد.

ژول ورن سرانجام در ۲۴مارس ۱۹۰۵ چشم از جهان فروبست.

هدایت، صادق

صادق هدایت در سال ۱۲۸۰ هـ‌ش در یک خانواده اشرافی به دنیا آمد. وی در سال ۱۳۰۰ جزو محصلان اعزامی به فرانسه رفت و پس از نه سال به ایران بازگشت و به استخدام بانک ملی درآمد.

در سال ۱۳۱۵ به هندوستان رفت و به آموختن زبان پهلوی پرداخت.

پس از مدتی رمان معروف بوف کور را به صورت پلی‌کپی در هندوستان منتشر کرد. وی با انتشار این کتاب به شهرتی بی‌نظیر در ایران و سایر کشورهای اروپایی دست یافت و محققین خارجی پژوهشها و تحقیقات قابل ملاحظه‌ای درباره این نویسنده ایرانی انجام دادند.

هدایت در فروردین‌ماه ۱۳۳۰ در پاریس خودکشی کرد.

معروفترین آثار او عبارتند از: بوف کور، سایه‌روشن، سگ ولگرد، علویه‌خانم، ولنگاری، وغ‌وغ ساهاب، و ترجمه آثاری از فرانتس کافکا.

هسه، هرمان *Hesse, Herman*

نویسنده آلمانی در دوم ژوئیه ۱۸۷۷م. در روستای کالو از توابع استان

ورتمبرگ آلمان به دنیا آمد. پدرش از اهالی استونی در ساحل دریای بالتیک و مادرش سوئیسی بودند. هرمان هسه تحصیلات ابتدایی را در شهر گوپینگن و درمدرسه لاتین گذراند.

در سال ۱۸۹۱ بنا بر سنّتی خانوادگی برای آموختن امور دینی به دیر مالبرون رفت. یک سال بعد به خاطر شرایط دشوار آن دیر مذهبی، آنجا را ترک کرد. در کتاب اعجوبه درمورد این دوره مطالبی نوشته است. تلاش بی‌وقفه هسه از همین دوره شروع می‌شود و تا پایان جنگ ادامه پیدا می‌کند. ابتدا در کارگاه ساعت‌سازی و بعد در کتابفروشی شهر بال مشغول کار می‌شود. سر و کار داشتن با کتاب، هسه را به مطالعه مدام تشویق کرد و این در واقع آغاز تلاش او برای نویسندگی بود.

در سال ۱۸۹۹ اولین کتاب خود را به نام اشعار رومانتیک منتشر کرد. پیتر کامنزید در سال ۱۹۰۴ منتشر شد. در سال ۱۹۱۲ به سوئیس مهاجرت کرد و تا پایان زندگی در مونتانیولا در کنار دریاچه لوگان ماندگار شد. در سال ۱۹۲۳ رسماً تابعیت دولت سوئیس را پذیرفت.

او در دوره اقامت خود در سوئیس رمانهای مهمی را منتشر کرد از جمله: دمیان (۱۹۱۹)، گرگ بیابان (۱۹۲۷)، نارسیس و گلدموند (۱۹۳۰)، سیذارتا (۱۹۳۱)، بازی با مرواریدهای شیشه‌ای (۱۹۴۲). در سال ۱۹۴۶ برنده جایزه نوبل و جایزه گوته شد.

در فاصله جنگ جهانی اول به همراه رومن رولان ندای آزادی و بشردوستی را در اروپا سرداد. کار و فعالیت زیاد، آن‌چنان فشاری بر او وارد آورد که سرانجام روانه آسایشگاه روانی شد. این دگرگونی روحی در زندگی او نقش بسیار مؤثری داشت. در آسایشگاه روانی، کارل گوستاویونگ به نجاتش شتافت و هسه را مداوا کرد. هسه پس از معالجه به

شرق و به هند رفت و چنان شیفته فرهنگ آنجا شد که بخش اعظم آثار خود را به مضامین فلسفی و تربیتی شرق اختصاص داد.

سرانجام در سال ۱۹۶۲ دیده از جهان فروبست.

همینگوی، ارنست *Hemingway, Ernest*

ارنست میلر همینگوی در شهر اوک‌پارک ایالت ایلی‌نوی در ۲۱ جولای ۱۸۹۹م. متولد شد. ارنست دومین فرزند خانواده بود. در همین ایالت تحصیل و در اوایل جوانی شغل روزنامه‌نگاری را انتخاب کرد. در ۱۹۱۴ جنگ جهانی اول درگرفت. همینگوی در آن زمان ۱۵سال بیشتر نداشت. سه سال بعد ایالات متحده امریکا نیز وارد جنگ شد و همینگوی فوراً داوطلب شد. او می‌خواست نویسنده شود و می‌دانست برای نویسنده‌شدن احتیاج به تجربه دارد، اما به سبب آسیبی که چشمش در مشت‌زنی دیده بود، در معاینات پزشکی رد شد. با این حال ارنست همینگوی بیکار ننشست و شش‌ماه بعد در سازمان صلیب سرخ راننده آمبولانس شد و به جبهه ایتالیا رفت. در همین جبهه از ناحیه پا زخمی شد. تجربه‌هایش در این جنگ، رمان معروف وداع با اسلحه (۱۹۲۹) را به وجود آورد. در سال ۱۹۴۰ نیز رمان ناقوس‌ها برای که به صدا درمی‌آیند را نوشت. این رمان نیز تجربه نبرد او به نفع جمهوریخواهان و علیه سلطنت‌طلبان طرفدار فرانکو بود. همینگوی در جنگهای جهانی اول و دوم و همچنین جنگ اسپانیا شرکت کرد. در سال ۱۹۵۱ رمان کوتاه پیرمرد و دریا را نوشت. این کتاب در سپتامبر ۱۹۵۲ منتشر شد و جایزه نوبل را در سال ۱۹۵۴ نصیب وی کرد.

همینگوی در روز اول ژوئیه ۱۹۶۱ در خانه‌اش در کچوم‌آیداهو با دو

گلوله تفنگ شکاری به زندگی خود پایان داد.

از کتابهای او می‌توان به وداع با اسلحه (۱۹۲۹)، ناقوسها برای که به صدا درمی‌آیند (۱۹۴۰)، پیرمرد و دریا (۱۹۵۲)، در زمان ما (مجموعه داستانهای کوتاه)، خورشید همچنان می‌درخشد (۱۹۲۶)، داشتن و نداشتن (۱۹۳۶)، درختان (۱۹۵۰)، عیش مدام (۱۹۶۴)، سیلابهای بهاری (۱۹۲۵)، مردان بدون زنان (۱۹۲۷)، آن دست رودخانه توی درختان (۱۹۵۰)، مرگ در بعدازظهر (۱۹۳۲) و تپه‌های سرسبز آفریقا (۱۹۳۵) اشاره کرد.

هوگو، ویکتور *Hugo, Victor*

ویکتور ماری هوگو در شهر بزانسون واقع در شرق فرانسه در ۲۶ فوریه ۱۸۰۲م. متولد شد. وی سومین فرزند ژوزف لئوپولد سیژیسبر هوگو و سوفی فرانسوازتره بوشه بود. پدرش در ارتش ناپلئون خدمت می‌کرد و مادرش دختر یک کاپیتان سابق کشتی بازرگانی بود.

هوگو مبتکر رومانتی‌سیسم درادبیات است. او در جوانی محافظه‌کار بود، ولی بعدها با سیاست درگیر شد و به صف جمهوریخواهان پیوست.

آثار هوگو تأثیر عمیقی بر فرهنگ و حتی سیاست فرانسه گذاشت. هوگو علاوه بر اینکه نویسنده مشهوری بود، از او به عنوان یکی از بزرگترین شاعران قرن نوزدهم فرانسه هم نام برده‌اند. وی تا سن ده‌سالگی همراه پدرش به‌همه‌جاسفرکرد،اماعاقبت در سال ۱۸۱۲ به همراه مادرش در پاریس مسکن گزید. در سال ۱۸۲۲ شاعر و داستان‌نویس مشهوری شد. آن گاه با دختری که از زمان کودکی دوستش داشت، یعنی آدل فوشه، ازدواج کرد.

خانه هوگو مجمع نویسندگان رومانتیک بود و از آن میان می‌توان به

آلفرد دووینی و منتقد ادبی شارل اگوستین سنت‌بووآ اشاره کرد.

هوگو بعدها تلاشهای سنت‌بو و اپرای آزادسازی را در نمایشنامه کرامول در سال ۱۸۲۷ به رشته تحریر درآورد. اجرای همین نمایشنامه او بود که مکتب رومانتی‌سیسم را بنا نهاد.

داستان بینوایان هوگو، قصه بی‌عدالتیهای اجتماعی در دوران تحول فرانسه پس از ناپلئون بناپارت است. هوگو در سال ۱۸۴۵ مقامی سیاسی را در حکومت شاه لویی فیلیپ پذیرفت و در سال ۱۸۴۸ نماینده مردم و رئیس جمهورِ جمهوری دوم شد. در سال ۱۸۵۱ لویی ناپلئون بناپارت (ناپلئون سوم) زمام امور را به دست گرفت و عقاید جمهوریخواهانه هوگو باعث شدند که شاه او را تبعید کند. در تبعید بود که ذوق نویسندگی او به حد اعلای خود رسید. وی پس از سقوط امپراتوری دوم در سال ۱۸۷۰ به پاریس بازگشت و مثل یک قهرمان ملی از او تجلیل شد. همچنین او عضو شورای ملی و سپس سناتور جمهوری سوم شد. دو دهه آخر عمر هوگو با اندوه فراوان همراه شد. در این دو دهه پسرانش و همسرش و بعضی از کسانی را که برای او عزیز بودند، از دست داد. با این حال همچنان تا سال ۱۸۷۸ می‌نوشت و فعالیت سیاسی می‌کرد.

سرانجام ویکتور هوگو در سال ۱۸۸۵ چشم از جهان فروبست. دولت فرانسه برای مرگ او عزای عمومی اعلام کرد.

از آثار مهم اومی‌توان به: گوژپشت نتردام، بینوایان، مردی که می‌خندد، کارگران دریا، کلیسای نتردام پاریس، تاریخ یک جنایت و... اشاره کرد.